

استانبول



راهنمای کامل گردشگری شهر

همراه با عکسها و نقشه گردشگری شهر

رسول داغسر



استانبول

رسول داغسر

استانبول

راهنمای کامل گردشگری شهر با گذری بر تاریخ آن

... به جرأت می توانم بگویم که متأسفانه بیش از سه چهارم ایرانیانی که به این شهر مسافرت می کنند علیرغم صرف هزینه های زیاد، حتی نصف برچسبهای عمده گردشگری این شهر را نمی بینند و برخی از آنان حتی پس از بازگشت از سفر نیز متوجه کیفیت پایین مسافرت خود نمی شوند.

مؤلف در این کتاب تجارب چند ساله در راهنمایی گردشگران اروپایی در شهر استانبول را به صورت دسته بندی شده و قابل استفاده در اختیار شما خوانندگان محترم نهاده است. باشد که مفید واقع گردیده و سفری خوش، سالم و بیاد ماندنی در این عروس جهان اسلام داشته باشید.

رسول داغسر





« استانبول »

راهنمای کامل گردش در استانبول با گذری بر تاریخ آن

تألیف و تدوین از: رسول داغسر

انتقاد و پیشنهاداتتان مایه قوت قلب خواهد بود. سپاسگزاریم.

dagsarayr@yahoo.com

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

سرشناسه : داغسر، رسول، ۱۳۵۸-
 عنوان و نام پدیدآور : استانبول: راهنمای کامل گردش در استانبول با گذری بر تاریخ آن/
 تالیف و تدوین از رسول داغسر
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نباتی، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۶ص: ۱۴×۲۱ س.م.
 شابک : ۵-۵۸۹۲-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۲
 موضوع : استانبول--سیر و سیاحت
 موضوع : استانبول--تاریخ
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ الف ۵/د ۷۱۸ DRV
 رده بندی دیویی : ۹۱۴/۹۶۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۰۷۵۶۰



عنوان : استانبول
 مؤلف : رسول داغسر
 ناشر : انتشارات نباتی
 قطع : رقعی
 تعداد صفحه: ۱۳۶
 چاپ اول : ۱۳۹۱
 شمارگان : ۳۰۰۰ جلد
 بهاء : ۳۵۰۰ تومان
 شابک : ۵-۵۸۹۲-۶۰۰-۹۷۸
 آدرس ناشر : تبریز- مابین سه راه طالقانی و تربیت - مجتمع تجاری استاد
 شهریار زیرزمین - پلاک ۴۷ تلفن : ۵۵۴۸۴۱۷ - ۴۱۱۰
 تلفن پخش : ۲۸۶۲۷۵۰ (۴۱۱) همراه : ۰۹۱۴۶۱۴۰۹۷۸ (داغسر)

تقديم به:

همسر بسیار کرامی ام مهدیه

و پسر نازنینم اردم

فهرست

صفحه	موضوع
۱۰	مقدمه
۱۲	در خواهر خواندگی تبریز و استانبول
۱۵	استانبول
۱۸	اطلاعات عمومی
۲۰	وسایل نقلیه ریلی استانبول
۲۲	حمل و نقل دریایی
۲۲	چهار تیم فوتبال شهر
۲۳	ادیان رایج در ترکیه و استانبول
۲۴	موسیقی
۲۸	گذری بر تاریخ شهر استانبول
۲۸	بیزانسیون
۲۹	پایتختی بخش شرقی امپراتوری روم
۳۰	دوره امپراتوری بیزانس
۳۰	اشغال شهر از سوی صلیبیان لاتینی
۳۱	دور دوم بیزانس
۳۲	روزشمار فتح
۳۶	نتایج فتح استانبول
۳۷	استانبول از عثمانی تا تاسیس جمهوری ترکیه
۴۵	استانبول در دوران جمهوری

۴۶		زندگی در استانبول
۴۶		نگاهی به فرهنگ مردم شهر
۴۸		آداب صحبت و تعامل در شهر
۵۴		آداب خرید
۵۵		غذاهای استانبول و رستورانها
۵۹		اقامت در استانبول
۶۰		تعدادی از مشاهیر ادب و سیاست شهر استانبول
۶۶		برچسبهای عمده گردشگری شهر استانبول
۶۷		مسجد سلطان احمد
۶۸		کاخ/موزه توپ قابی
۷۰		قابالی چارشی (بازار سرپوشیده)
۷۰		مسجد فاتح
۷۱		مسجد و مجموعه سلیمانیه
۷۲		هیپودروم؛ ستون تئودوسیوس (دیکیلی تاش)
۷۲		هیپودروم؛ ستون کنستانتین (اؤرمه تاش)
۷۲		هیپودروم؛ ستون ماریچ (بیلاتلی ستون)
۷۳		چشمه آلمان
۷۳		برج گالاتا
۷۴		آب انبار یثره باتان
۷۷		موزه آیاصوفیه
۷۹		کاخ آیا ایرنه
۷۹		کاخ دولما باحچه

۸۱		موزه آرکئولوژی
۸۲		موزه مینیاتورک
۸۳		کلیسای سنت آنتوان
۸۳		موزه پانوراما ۱۴۵۳
۸۴		موزه آثار ترک- اسلامی
۸۶		موزه کاریه
۸۷		موزه نظامی
۸۸		کاخ ییلدیز
۸۸		بازار مصر
۸۸		پارک گلخانه
۸۹		مسجد یثنی جامی
۹۰		مسجد اورتاکوی
۹۰		برج دختر
۹۱		برج و باروهای استانبول
۹۲		حصار یندی کوله
۹۲		حصار آنادولو و روم ائلی
۹۳		جزایر پرنس
۹۴		پلاژها
۹۵		مراکز خرید
۱۰۰		کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول
۱۰۲		گردش در استانبول و برنامه ای برای آن

۱۰۵		برنامه روز اول
۱۰۹		برنامه روز دوم
۱۱۳		برنامه روز سوم
۱۱۵		برنامه روز چهارم
۱۱۶		برنامه روز پنجم
۱۱۷		برنامه روز ششم
۱۱۸		برنامه روز هفتم
۱۲۰		برنامه روز هشتم
۱۲۱		برنامه روز نهم
۱۲۲		لطفاً فراموش نکنید!
۱۲۷		منابع مورد استفاده
۱۲۸		عکسها
۱۳۲		نقشه

مقدمه

شاید شما نیز جزء خیل ایرانیانی باشید که تاکنون به استانبول سفر کرده و یا گذرتان به این شهر افتاده است. در هر حال چیزی که مسلم است اینکه در تمام پهنای سرزمین ایران کسی وجود ندارد که در مورد این شهر چیزی ننشیده باشد و مهمتر اینکه نسبت به آن هیچ احساسی (مثبت و یا حتی احياناً منفی) نداشته باشد. لیکن شاید تعجب نمایید اگر خبر از کم اطلاعی بیشتر مسافران ایرانی در مورد جاذبه های گردشگری این شهر علیرغم صرف هزینه های سنگین بدهم. به طوری که برخی از آنان حتی پس از بازگشت از سفر نیز متوجه کیفیت پایین مسافرت خود نمی شوند.

گردش در تعاریف معاصر به عنوان یک هنر و نیز صنعت مورد ارزیابی قرار می گیرد و با تجزیه آن به بخشهایی چون گردش باستانشناسی، طبیعت گردی، گردش در تاریخ تمدنها، گردش تفریحی، گردش تجاری و ... در سطوح دولتی به صورت علمی بدان پرداخته می شود. اینکه ما مقداری پول در جیب گذاشته و عزم راه نماییم و در جاهایی که حین این به اصطلاح سفر به چشمان می خورد دوری بزنیم، نه گردش که به نظر من، وقت کشی و اتلاف پولی است که چه بسا کسب آن برایمان آسان نبوده است می باشد.

این موضوع (خلاء اطلاعاتی در راهنمایی گردشگران ایرانی) و نیز عقد خواهر خواندگی بین شهرهای تبریز و استانبول (که به شهادت تاریخ کاملاً بجا بوده است و اینجانب چند صفحه ای در توضیح این موضوع در پی آورده ام)، بنده را بر آن داشت تا تجارب چند ساله در راهنمایی گردشگران اروپایی در شهر استانبول و اطلاعات مربوطه را به کمک و مساعدت دوستان فرهیخته در زمینه فرهنگ و ادب، به رشته تحریر درآورم. چنانچه حداقل آنهایی که به این کتاب دسترس پیدا نمودند از آن استفاده کافی را برده و گردشی سالم و بیاد ماندنی در این عروس جهان اسلام داشته باشند موجب خرسندی خاطر حقیر خواهد گردید.

در این کتاب بنده اصل را بر گردش تاریخی نهاده ام. لیکن اطلاعات نسبتاً کامل و کم نظیری همراه با توصیه های کلی گردشگری و برنامه ای قابل انعطاف و استفاده از طرف سلیقه های مختلف ارائه داده ام.

در بخش نخست جهت ورود به کلیت مساله، بعد از ارائه مشخصات و اطلاعات مربوط به شهر، نگاهی مختصر به تاریخ شهر در برهه های مختلف زمانی و فرهنگ استانبول انداخته، متعاقباً به برجسبهای گردشگری شهر که با تاکید بر گردش در تاریخ تمدن و فرهنگ انتخاب شده اند پرداخته و در پایان برنامه ای انعطاف پذیر و توصیه های کلی گردشگری در شهر استانبول ارائه گردیده است. در قسمت برنامه ها، اطلاعاتی علاوه بر آنچه که در قسمت برجسبهای عمده گردشگری آمده است، داده شده و به برخی نقاط دیگر نیز اشاره شده است.

نظر حقیر این است که کتابی نیز در معرفی تبریز زیبا، سرافراز و زیبنده ترین ایران اسلامی (که به نظر من تک تک این کلمات بیش از هر شهر دیگر برازنده تبریز میباشند) در کشور ترکیه به تحریر، چاپ و نشر برسانم. انشاءا... .

در خواهر خواندگی تبریز و استانبول

تبریز و استانبول دو شهر کهن، مسلمان نشین و همزبان در ورودی آسیا و اروپا و بالعکس واقع شده اند. این دو شهر از قدیم الایام با همدیگر روابط فرهنگی، تجاری، بازرگانی و صنعتی داشته اند. بطوریکه یکی از هشت دروازه کهن تبریز به نام «استانبول قاپیسی» مشهور بوده و از سویی دیگر در استانبول نیز «تبریز قاپیسی» قدمت چندین صد ساله دارد.

تبریز و استانبول بزرگترین شهرهای ایران و ترکیه در شمالغرب کشورهای متبوع خود می باشند. در واقع استانبول ورودی ترکیه از اروپا و تبریز دروازه ورودی ایران از اروپا می باشد. در دوره صفویه زمانیکه عثمانیها تبریز را تصرف کردند، گروهی از تجار و بازرگانان تبریزی را با خود به استانبول بردند تا به بازار سنتی و قدیمی آن رونق بخشند. هم اکنون نیز در گوشه و کنار بازار سنتی استانبول که از بازار تبریز کوچکتر ولی پررونق است، نسل های تجار تبریزی دیده می شود.

از سویی دیگر نقش تبریز همچون استانبول در ورود و شکوفایی اولین های تمدن و فرهنگ پررنگ بوده و از همین روست که امروز تبریز کهن به شهر اولین ها اشتها یافته است. چرا که بدلیل قرار گرفتن در دروازه ورودی ایران از جهات قفقاز، ترکیه و اروپا و مراودت فرهنگی و تجاری، اولین ها ابتدا در تبریز شکل گرفته و سپس به سایر شهرهای کشور چون تهران و ... انتقال یافته اند. اولین چاپ، چاپخانه، نشریه، تئاتر، فیلم، سینما، کودکستان، مدرسه، انجمن شهری، بلدیة، نظمیه و عدلیه، همه و همه در تبریز کهن پا گرفته و توسعه یافته و سپس به سایر شهرهای ایران راه یافته است.

لازم به ذکر است که تبریز علاوه بر استانبول در گذشته روابط دیرینه تجاری و بازرگانی با تفلیس (بزرگترین شهر ماوراء قفقاز قدیم و پایتخت گرجستان)، ایروان (شهر سابقاً مسلمان نشین و پایتخت کنونی ارمنستان)، باکو، نخجوان، ترابزون و بغداد داشته و در دوره های گذشته کاروان های بسیاری، بین این شهرهای کهن رفت

و آمد داشته اند. تبریز تا همین چند دهه پیش به تنهایی چندین نمایندگی و کنسولگری کشورهای بزرگ و همسایه مثل روسیه، ترکیه عثمانی، انگلستان، اتریش، فرانسه، آلمان و آمریکا را در خود جای داده بود. در دوره قاجاریه روشنفکران و آزادیخواهان و روزنامه نگاران تبریزی با استانبول، باکو و تفلیس در ارتباط بودند و از رویدادهای همدیگر تاثیر می پذیرفتند. تاریخچه شکل گیری نشریات اختر و ملانصرالدین با ظرافت گویای نقش روزنامه نگاران تبریزی که به استانبول تبعید شده بودند در آماده سازی روشنفکران ایران می باشد. زنده یاد میرزا حسن خان رشدیه، پس از برگشت از استانبول اولین مدرسه به تعبیر مدرن را تاسیس کرد و معجز شبستری پس از اقامت چندین ساله در استانبول مشهور عام و خاص شده است. حتی امروز پرطرفدارترین تیمهای لیگ برتری دو کشور مربوط به این شهرها هستند.

بدلیل اهمیت خاص فوتبال و رغبت روزافزونی که به آن وجود دارد، توضیحی هر چند مختصر در مورد تیمهای مشهور سه گانه استانبولی در قسمت اطلاعات عمومی شهر استانبول داده ام.

یکی از اعضای محترم شورای شهر دلیل این حقانیت را در ارتباط همه جانبه تبریز با شهرهای مهم اروپا و آسیا نظیر مونیخ، هامبورگ، منچستر، پاریس، لیون، استانبول، آنکارا، مسکو، سن پترزبورگ، کلکته، بمبئی، کشمیر و ... دانسته و گفته است: حتی در زمان مشروطه از اصفهان، شیراز و ... خبری نبود.

بنابر همه اینها عنوان خواهر خواندگی بین این شهرها حق تاریخی تبریز کهن است که سرافرازترین جایگاه در بین شهرهای ایران را با افتخار تمام دارا می باشد.

لازم به ذکر است که پیمانهای خواهرخواندگی، بین شهرهای دارای مشترکات تاریخی، زبانی، فرهنگی و ... برای پیوند دوباره و استحکام بیشتر دوستی و روابط و یا حتی بین شهرهایی که از وجوه مختلف دارای تضاد با یکدیگر هستند، جهت کاهش

تأثیرات و تعدیل حافظه تاریخی و ... بسته شده و ظرفیت لازم را برای مشارکت در شهرها فراهم می‌کند که این امر نیز موجب توسعه پایدار شهرهای درگیر می‌شود.

برخی از شهرهای خواهرخوانده با استانبول:

تبریز- ایران، آلماتا- قزاقستان، باکو- جمهوری آذربایجان، بارسلونا- اسپانیا، برلین- آلمان، دبی- امارات متحده عربی، تهران- ایران، بوداپست- مجارستان، بوئنوس آیرس- آرژانتین، فلورانس- ایتالیا، استراسبورگ- فرانسه، ونیز- ایتالیا، لاهور- پاکستان، کازان- روسیه، سارایوو- بوسنی و هرزگوین، پراگ- چک، سمرقند- ازبکستان و ...

استانبول

«در آنجا، خداوند و انسان، هنر و طبیعت با یکدیگر بر روی کره خاکی چنان جای شگفت انگیزی آفریدند که ارزش دیدن دارد. با یک دست آسیا و با دست دیگر اروپا، و این گونه است که این شهر دو قاره را در آغوش گرفته است.» لامارتین

استانبول بعنوان پایتخت پایتختها، ابتدا پایتخت روم و سپس امپراتوری روم شرق و پس از آن نیز پایتخت امپراتوری عثمانی بعنوان خالق جغرافیای صلح قاره ها و یکی از زیباترین شهرهای جهان امروز، ضمن حفظ عظمت غرور انگیز گذشته خود، بسوی آینده ای مدرن گام بر می دارد. تنوع در استانبول، به راستی بازدید کنندگان را مسحور می کند. موزه ها، کلیساهای، مساجد، بازار و طبیعت زیبایی آن لذتی پایان ناپذیر به انسان می بخشد. هنگامیکه در ساحل تنگه تکیه گاهی بیابید و انعکاس تلألؤ سرخ رنگ خورشید را در پنجره های سواحل آنسوی تنگه مشاهده کنید به سهولت درک خواهید کرد که چرا انسانهای قرون گذشته این مکان فوق العاده زیبا را برای زندگی انتخاب کرده اند و آنگاه حس می کنید که «استانبول، شهری در مرکز کره خاکی» است. استانبول شهر مناره ها نیز هست. پادشاهان عثمانی برای اسلامی کردن این شهر بعد از فتح، اهتمام بسیار ورزیده و علاوه بر تغییر نام شهر از «قسطنطنیه» - شکل عربی کنستانتینوپولیس - به اسلامبول، چهره آنرا نیز برای ابد اسلامی نمودند.

استانبول مانند یک موزه روباز است. اثرهای تاریخی و توریستی بی شماری در آن قرار دارد و با ۴-۵ روز یا یک هفته گردش نمی توان از همه نقاط دیدن کرد. زیبایی طبیعی و جذابیت تاریخی، غذاهای لذیذ، سواحل استثنایی، مردمانی خونگرم و ده ها عامل دیگر این شهر را به پایتخت دو قاره اروپا و آسیا مبدل کرده است. به قول یکی از بزرگان ادب؛ استانبول مانند گردنبندی قیمتی است بر گردن اروپا و آسیا.

این شهر در ابتدا با نام بیزانتیوم شناخته می شد در سال ۱۹۶ میلادی سپتیموس سئوروس امپراطور روم با حمله به بیزانتیوم آن را اشغال کرد و رومیان زیادی را به این شهر مهاجرت داد. تلاش امپراطور برای نامیدن این شهر به نام فرزندش آگوستا آنتونینا موفق نبود و مردم تا زمان تغییر نام شهر به شهر کنستانتین (قسطنطنیه)، نام

رم جدید (Nova Roma) را برای آن بکار می‌بردند. از سال ۱۹۳۰ رسماً استانبول نامیده شد. نام استانبول که تا قبل از فتح آن به دست ترکان نیز رواج داشت، برگرفته از نام ایستیم پولی که در زبان یونانی به معنی شهر یا مرکز شهر می‌باشد، است. در سال ۱۷۷۰ میلادی سلطان مصطفی سوم با ضرب سکه‌هایی که روی آن نام استانبول نقش بسته بود، در کنار نام اسلامبول به این نام نیز رسمیت بخشید. در دوره جمهوریت و از روز ۲۸ مارس سال ۱۹۳۰ اداره پست ترکیه از تمامی کشورهای جهان خواست تا از نام استانبول در مکاتبات خود استفاده نمایند.

این شهر در شمالغرب کشور ترکیه و جنوبشرق قاره اروپا واقع گردیده است. شهر ابتدا بر روی تپه های هفت گانه شبه جزیره واقع در کناره جنوبی خلیج شاخ طلا پایه گذاری شده بوده است که در سده های اخیر مخصوصاً از نیمه دوم قرن بیستم در اثر رشد سریع به طرف غرب و شمال پیشروی کرده و حتی یک پای آن در طرف شرق تنگه یعنی قاره آسیا توسعه یافته است. ساخت این شهر را به کنستانتین اول امپراتور روم نسبت می دهند. کنستانتین نام خود را بر روی شهر نهاده و آن را کنستانتینوپولیس یعنی شهر کنستانتین نامیده بوده است. قسطنطنیه تعبیر عربی کنستانتینوپولیس می باشد. بعد از فتح شهر توسط سپاه ترکان، نام شهر به اسلامبول (مسلمانی بول = شهر با جمعیت مسلمان زیاد/ شهر اسلام) تغییر یافت. این شهر اکنون همانگونه که معلوم همگان می باشد استانبول نامیده می شود. استانبول فعلی از ۳۹ شهرستان (منطقه شهری) تشکیل می شود که شهرستان فاتح در واقع همان استانبول قدیم می باشد. مهمترین این شهرستانها فاتح، بی اوغلو، شیشلی، بشیکتاش، کادی کوی، اوسکودار، عمرانیه، بایرام پاشا، زیتون بورنو، باخچه لی ائولر و باکرکوی می باشد. برچسبهای گردشگری شهر عمدتاً در شهرستانهای فاتح، بی اوغلو، بشیکتاش و اوسکودار قرار دارند. زبان مردم شهر ترکی است که لهجه ساکنان خود را بر کل کشور تعمیم داده است. ترکی رایج در این شهر، در ایران برای تمییز از زبان ترکان ایران (ترکی آذری) به عنوان ترکی استانبولی شناخته می شود. لهجه استانبولی مشتق از شاخه اصلی اوغوز (ترکی غربی) زبانهای اورال- آلتایک می باشد. این زبان در عین حال زبان مادری حدود هشتاد درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهد. زبان ترکی ترکیه و ایران علیرغم اختلافات اندک فیمابین که بیشتر حاصل

اصلاحات ادبی دوره معروف به تنظیمات و اوایل تاسیس نظام جمهوری است، بدلیل تعلق به یک گروه زبانی برای همدیگر کاملاً قابل فهم می باشد. برای درک بهتر موضوع باید به اشعار شاه اسماعیل صفوی و یونس امره اشاره کرد که در زمان خود کاملاً از نظر لهجه نیز یکی بوده است.

استانبول پایتخت فرهنگی اروپا در سال ۲۰۱۰ و پایتخت ورزشی اروپا در سال ۲۰۱۲ توانست شهرهایی مثل توکیو، لندن، نیویورک و هنگ کنگ را که هرکدام بیش از ۴۵ درصد رشد ناخالص ملی کشورشان را دارند، در حالی پشت سر بگذارد که تا چند سال پیش از این شهرها عقب بود. استانبول در ضمن با حدود ۱۴ میلیون جمعیت ثابت براساس آدرس منزل و نزدیک ۲۰ میلیون جمعیت در روز، پر جمعیت ترین و ثروتمندترین شهر دنیای اسلام، پرجمعیت ترین شهر ترکیه و اروپا و یکی از بزرگترین شهرهای دنیا است.

اطلاعات عمومی:

به طبع کل کشور، برای مسافرت ایرانیان به این شهر اخذ روادید لازم نیست. مدت پرواز از تهران حدود سه ساعت و از تبریز حدود دو ساعت می باشد. مسیر ۲۵۰۰ کیلومتری تهران- استانبول با اتوبوس حداقل سی و پنج ساعت زمان می برد. وقت در ترکیه، یک و نیم ساعت از ایران عقبتر است. (موضوع وقت رسمی، در چند روز اول هر سال شمسی و اوایل پاییز در جریان پس و پیش کشیدن ساعتها بدلیل وجود فرق چند روزه موقتاً به هم می خورد).

استانبول شهری است که بیشتر نقاط گردشگری آن در یک محدوده واقع گردیده و از این لحاظ گردش با پای پیاده مناسبتر و لذت بخشتر است. ضمناً بدلیل قرار گرفتن این شهر در یک منطقه جغرافیایی پرباران و مرطوب (غیر شرحی) علاوه بر کفش راحتی و اسپورت، چتر، کاپشن و بارانی هم به همراه داشته باشید.

زبان رسمی شهر ترکی است، لیکن در همه جا به انگلیسی و در هتلها و رستورانها و نقاط گردشگری به زبانهای دیگر زنده و پرمتکلم دنیا مثل آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی، عربی، روسی و ... مخاطب خواهید یافت.

جهت انجام مکالمه تلفنی با ایران باید ابتدا کد کشور ایران (۰۰۹۸) را گرفته و بعد کد شهر مورد نظر بدون صفر موجود در اول آن (مثلاً در مورد تبریز=۴۱۱) و سپس شماره را بگیرید. در صورتی که هدف مکالمه شما تلفن همراه است، بعد از گرفتن کد کشور، شماره تلفن همراه مورد نظر را بدون صفر واقع در اول آن بگیرید. مناسبترین راه مکالمه تلفنی با کشور استفاده از بجه های تلفن کنار خیابان است. برای این منظور می توانید کارتهای مخصوص این تلفنها را که به صورت ۵۰ و ۱۰۰ کنتوری هستند، از گیشه های روزنامه فروشی یا بقالیها تهیه نمایید.

تقریباً تمامی پولهای معتبر دنیا مثل یورو، دلار، پوند، ین و ... در بازار و مراکز خرید بزرگ و نیز در تمامی محدوده توریستی شهر مبادله می شوند. لیکن بهترین شکل خرید، استفاده از پول رسمی کشور یعنی لیره ترک است. لیره یا پولهای دیگر مورد نیاز خود را حداقل مکان قبل از رهسپار شدن و از صرافیهای موجود در شهر خود تهیه نمایید. تهیه ارز در شهر استانبول مخصوصاً چنانچه میزان آن زیاد باشد، هزینه اضافی

بر دوش شما خواهد گذاشت. در استانبول فرهنگ آشنا و شرقی چانه زنی هنوز پابرجاست. در خریدهای خود اعمال کنید چون در قیمتهایی که گفته می شود، سهمی برای آن در نظر گرفته شده است! لیکن در جاهایی که طرف شما کارکنان عادی و خدمه هستند، دادن انعام بسیار بجا و پسندیده خواهد بود.

چنانچه با مورد بیماری یا وضعیت ناخوشی برخورد نمودید بلافاصله با شماره تلفن ۱۱۵ تماس حاصل نموده و به نزدیکترین بیمارستان مراجعه کنید. از آنجا که همه جا در فواصل مناسب داروخانه موجود می باشد، برای تهیه داروها مشکلی نخواهید داشت. در روزهای آخر هفته فقط داروخانه های کشیک باز هستند که هر هفته به نوبت تغییر می کنند. نام و نشانی نزدیکترین داروخانه کشیک که تحت عنوان «توبتچی اجزانه» نامیده می شوند بر پشت شیشه سایر داروخانه ها نوشته و نصب می گردد.

اشیای قیمتی خود را در اتاق هتل نگذارید. آنها را به صندوق امانات قیمتی که در قسمت پذیرش تمامی هتلها موجود است بسپارید و اگر دستی تسلیم می نمایید رسید بگیرید.

کلانشهر استانبول دارای ۲ فرودگاه بین‌المللی است. بزرگ‌ترین اینها، فرودگاه بین‌المللی آتاتورک در یثیشیل کوی، ۲۴ کیلومتری مرکز شهر و سمت اروپایی شهر می‌باشد. فرودگاه جدید، فرودگاه سابیها گوکچن (برگرفته از نام دختر معنوی آتاتورک، اولین خلبان زن ترکیه و اولین زن خلبان هواپیمای جنگنده جهان) در ۴۰ کیلومتری شرق و تقریباً خارج از شهر قرار گرفته است. حمل و نقل عمومی در این شهر مبتنی بر تاکسی اختصاصی، تاکسیهای اشتراکی (مثل مینی بوسهای ون موجود در کشور ما)، مینی بوس، اتوبوس، تراموا، متروی سبک، متروی سنگین و انواع قایق و کشتی های مسافربری می باشد. تاکسیهای این شهر تماماً به رنگ زرد بوده و محاسبه نرخ کرایه با استفاده از «تاکسی متر» انجام می گیرد. کرایه تاکسی در این شهر نسبتاً گران می باشد. تاکسی متر در بدو ورود از حدود ۲/۵ لیره شروع به کار می کند و پس از طی یک مسیر ۱۰ کیلومتری در حدود ۲۰-۱۵ لیره با توجه به طول راه میبایست پرداخت نمود. این تاکسیها فقط به صورت اختصاصی (مثل دربستیهای ما) اقدام به سوار نمودن مسافر می نمایند. تاکسیهای دیگر تاکسی-مینی بوسهای ون هستند که در شهر استانبول به نام «دولموش» نامیده میشوند. آنها نیز زرد رنگ بوده

و همانطور که از نام آنها پیداست، بعد از پر شدن حرکت می کنند. این تاکسیها در خطوط مشخصی حرکت می نمایند و کرایه آنها ثابت می باشد. این نوع از تاکسیها نیز مثل نوع فوق الذکر در طی مسیر خود دارای ایستگاه نمی باشند و بنابه درخواست مسافر توقف می نمایند. مینی بوسهای فعال در شهر استانبول نیز در مسیرهای مشخصی حرکت می نمایند. اینها نیز در طی مسیر بنا به درخواست مسافران جهت سوار و یا پیاده شدن توقف می نمایند. اتوبوسهای شهر استانبول سرویس منظمی را در سطح این شهر به مسافران عرضه می نمایند. برخی از اتوبوسهای این شهر متعلق به بخش دولتی و برخی دیگر متعلق به بخش خصوصی می باشند، اما کرایه همه اتوبوسها یکسان است. مسافران جهت پرداخت کرایه از بلیطهای الکترونیکی استفاده می نمایند و یا کرایه را به کمک راننده به صورت نقدی پرداخت می کنند.

مناسبترین وسیله رفت و آمد در مسیرهای نسبتاً کوتاه در سطح شهر، مینی بوسها (هر دو نوع آن اعم از ونها و معمولیها) می باشند. در مسیرهای طولانی استفاده از اتوبوس، تراموا و مترو مناسبتر است.

وسایل نقلیه ریلی استانبول:

قدیمیترین خط متروی استانبول که سومین متروی قدیمی جهان نیز بشمار می رود و تنها از دو ایستگاه تشکیل شده و بنام تونل معروف می باشد، پای شمالی پل گالاتا را به ابتدای خیابان استقلال وصل می کند. هم اکنون چندین خط متروی سبک و سنگین و همچنین تراموا و قطار شهری خدمات حمل و نقل مسافر در نقاط مختلف شهر را پوشش می دهند. خط متروی سبک آک سارای- فرودگاه آتاتورک که مسیر خیابان وطن، میدان توپ قابی، محله بایرام پاشا، ترمینال، مرت آر و شیرین ائولر و بالعکس را پوشش می دهد. خط متروی تقسیم- ساری یر (که چند ایستگاه شمالی آن هنوز در دست احداث می باشد) مسیر میدان تقسیم، عثمان بی، نشان تاشی، مجیدیه کوئی، لونت، سئیران تپه و ... را طی می نماید. خط متروی تازه تاسیس کادی کوئی- کارتال نیز با شروع از کادی کوئی و گذر از اوست بستانجی (بستانجی علیا)، مال تپه و ... تا محله کارتال می رود. مهمترین خط تراموا از کاباتاش در نزدیکی کاخ

دولماباچه شروع شده و مسیر کاراکوئی، امین اوږنو، سرکه جی، سلطان احمد، میدان توپ قاپی، زیتین بورنو و مرت آر را تا باغجیلار طی می نماید.

ایستگاه راه آهن سرکه جی در ساحل اروپایی و ایستگاه حیدر پاشا در ساحل آسیایی تنگه در عین حال که مبدأ و مقصد راه آهنهای دو قاره اند، در مسیر خود در داخل شهر نیز کار حمل و نقل مسافر (با قطارهایی تحت عنوان بانلیو) را به عهده داشته و در کاهش بار ترافیک سهمی دارند. بدین شکل که قطار شهری یا بانلیو در سمت آسیایی، چندین ایستگاه داخل شهری تعبیه شده بین ایستگاه حیدرپاشا تا خروجی شهر استانبول به طرف شهرستان توزلا (همچون کیزیل توپراک، سوادیه، بستانجی، مال تپه، کارتال، یونوسلار، گبزه) و در سمت اروپایی نیز ایستگاههای داخل شهری بین ایستگاه سرکه جی تا حالکالی (چون قوم قاپی، یئنی قاپی، ساماتیا، زیتین بورنو، باکرکوی، یشیل کوی، فلوریا، کوچوک چکمجه) را پوشش می دهد. ارتباط میان این دو خط راه آهن در حال حاضر بطور غیر مستقیم از طریق کشتی انجام می یابد که با اتمام پروژه مارمارای، خطوط ریلی از طریق زیر آبهای تنگه به هم متصل خواهند شد. ایستگاه سرکه جی آغاز راه آهن اروپاست، لیکن هم اکنون فقط یک مسافت طولانی به صورت روزانه پیموده می شود (استانبول - بخارست). از ایستگاه حیدرپاشا روزانه چندین قطار در مسیر آنکارا و دیگر شهرهای آناتولی و بالعکس رفت و آمد می کنند. قطارهایی نیز به صورت هفتگی در مسیرهای حلب، دمشق، تبریز و تهران رفت و آمد می کنند.

حمل و نقل دریایی:

در داخل شهر استانبول و در مسیرهای دریایی تنگه و دریای مرمره سرویسهای منظم مسافرتی وجود دارد. مهمترین و پرترددترین این خطوط مسیرهای کادی کؤی- سرکه جی، اوسکودار- سرکه جی، بشیکتاش- کادی کؤی، کاباتاش- جزایر و همچنین خط سریع السیر باکرکؤی- بستانجی می باشد. کشتیهایی نیز در چند مسیر بین شهری مثل یئنی قای- بورسا، سرکه جی- یالووا و ... رفت و آمد می کنند. سرویسهای معینی نیز به خوبی سفرهای دریایی داخل شهری به چند نقطه از جهان مثل پیرئوس یونان، دوبرونیک کرواسی، ونیز و ناپل ایتالیا، مارسی فرانسه، حیفا رژیم صهیونیستی که همگی در دریای مدیترانه واقعند و همچنین بندر اودسای اوکراین در دریای سیاه انجام می یابد. البته اینها علاوه بر کشتیهای توریستی عظیم الجثه است که زمان و مکان مسافرتشان توسط آژانسهای بزرگ بین المللی تعیین می شود.

چهار تیم فوتبال شهر:

فنرباغچه: در سال ۱۹۰۷ تاسیس گردید. بازیهای خانگی باشگاههای ورزشی در استادیوم شوکرو سراج اوغلو در کادی کؤی انجام می شود. ظرفیت و گنجایش این استادیوم حدود سی هزار نفر می باشد. بیشتر بازیکنان فنرباغچه مشهور و شناخته شده هستند.

گالاتاسرای: در سال ۱۹۰۵ تاسیس گردید. بازیهای خانگی خود را تا سال ۲۰۱۰ در استادیوم علی سامی یئن انجام می داد که با افتتاح استادیوم بزرگتر تورک تلکوم آرئنا در سئیران تپه به محل جدید انتقال یافته است.

بشیکتاش: قدیمی ترین انجمن و اتحادیه ورزشهای ترکیه است (۱۹۰۳). بازیهای خانگی در استادیوم این اؤنو در نزدیکی کاخ دولماباحچه برگزار می گردد.

استانبول سپور: چهارمین باشگاه ورزشی بزرگ استانبول می باشد (۱۹۲۶). با اینکه در نام آن استانبول وجود دارد، این تیم برخلاف فنرباغچه، گالاتاسرای و بشیکتاش طرفداران زیادی در استانبول ندارد. بازیهای خانگی این تیم در استادیوم گون گؤرن (نزدیک مَرت آر) برگزار می شود.

ادیان رایج در ترکیه:

بیش از ۹۸ درصد جمعیت ۷۸ میلیونی کشور ترکیه را مسلمانان تشکیل می دهند که از این رقم نیز حدود هشتاد درصد آن متعلق به اهل سنت بوده و کلاً بر اساس مذاهب و فرق گوناگون به شکل زیر قابل دسته بندی می باشند:

- ۱- حنفی ها، جمعیت قابل ملاحظه ای از اهل سنت ترکیه را تشکیل می دهند.
- ۲- شافعی ها، شاخه ای دیگر از اهل سنت است.
- ۳- مالکی ها و گروههای دیگر و کوچکتر اهل سنت.
- ۴- علویان
- ۵- شیعیان
- ۶- مسیحیان
- ۷- یهودیان

علویان خود به چهار دسته با نامهای رافعی، باطنی، حروفی و بکتاشی تقسیم میشوند و بنا بر آمار رسمی دولت ترکیه جمعاً حدود ۱۲ میلیون نفر پیرو دارند. شیعیان کشور پیرو مذهب جعفری بوده و نزدیک به یک میلیون و دویست هزار نفر هستند. گروههای دینی مسیحی و یهودی با جمعیت کم (روپهمرفته کمتر از یک میلیون) در کشور سکونت دارند که اکثریت قاطع این جمعیت نیز در شهر استانبول ساکنند. بدین صورت که اکثر مسیحیان که عمدتاً از ارمنیان ترکیه هستند در محلات کادیرگا، قوم قایی، ساماتیا (منطقه شهری فاتیح)، بی اوغلو و جزیره بویوک آدا سکونت داشته و یهودیان نیز اکثراً در محلات اورتاکوی، اولوس و زنجیرلی قویو اقامت دارند.

موسیقی:

در ترکیه هفت نوع موسیقی جریان دارد که به طور اختصار به آنها پرداخته می شود:

۱- موسیقی کلاسیک عثمانی:

امپراتوری عثمانی با هویت اسلامی، یکی از تمدن های پر قدرت جامعه بشری است که از ۱۲۹۹ تا ۱۹۲۲ میلادی در منطقه مدیترانه حکومت می کرد. این امپراتوری در اوج قدرت خود (قرن ۱۶ میلادی) مناطق آسیای صغیر (ترکیه امروزی)، بخش های غربی خاورمیانه، قسمتهایی از شمال آفریقا، قسمتی از جنوب شرقی اروپا تا قفقاز را در بر می گرفت. قلمرو حکومتی آن ها در اوج قدرت به ۵/۶ میلیون کیلومتر مربع (هفت برابر ترکیه امروزی) رسید.

عثمانیها نگاه ویژه ای به هنر و به خصوص موسیقی داشتند. این توجه عالمانه کم کم به شکل گیری نوعی موسیقی در تاریخ بشر منجر شد که هیچ نظیری ندارد و امروزه تنها با عنوان موسیقی عثمانی شناخته می شود. جالب این که موسیقیدان برجسته ای چون عبدالقادر مراغی سر از دربار عثمانی درآورد و به این ترتیب بخشی از فرهنگ موسیقایی ایران زیر سایه عثمانی ها به حیات خود ادامه داد. فرزند و نوه عبدالقادر نیز تا پایان عمر در استانبول، پایتخت امپراطوری عثمانی زیستند.

سازهای متداول موسیقی عثمانی شامل نی، قانون، دایره، عود و نوعی ساز کششی به نام یایلی تنبور است. شیوه گردش ملودی در این موسیقی به گونه ای است که برای گوش های ایرانی و عربی آشنا می نماید و در عین حال، یک حالت غریبی هم دارد. امروزه موسیقی عثمانی، نقش درجه اولی در فرهنگ موسیقایی ترک ها ندارد. به جای آن یک موسیقی تقریباً خالص ترکی با عنوان سانات ستون اصلی موسیقی ترکیه را تشکیل می دهد.

۲- موسیقی خلق ترک:

خالصترین و ملی ترین نوع موسیقی مربوط به ترکان است که در طول تاریخ و به همراه سروده هایی به صورت شفاهی که مضامین آنها بر عشق، حسرت، توکل به خدا، سوگ و ... استوار یافته و نسل به نسل و توسط آشیقها (همانطور که در مورد

فرهنگ شعر و ادب و موسیقی ترکی آذری موجود می باشد) و اوزانها تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. آشیق یا اوزانها سرایندگان اشعار حماسی و ملی (تورکو/ماهانی) به سبک سنتی هستند. ذیلاً به چند آشیق معروف و در قید حیات اشاره شده است.

عارف ساغ هنرمند بزرگ و شهیر ترکیه، در سال ۱۹۴۵ میلادی در آشکاله از توابع شهر ارزروم دیده به جهان گشود و در پنج سالگی نواختن نی چوپانی کوال را آغاز کرد. عارف ساغ اولین هنرمندی بود که در یک دوره از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ به عنوان نماینده مردم وارد پارلمان ترکیه شد. وی که نفوذ عمیقی در موسیقی محلی ترکیه دارد تاکنون بیش از چهل هزار شاگرد در مدرسه موسیقی اش پرورش داده که هنرمند مشهور، اردال ارزینجانلی یکی از آنهاست.

اردال ارزینجانلی متولد ۱۹۷۱ و برخلاف آنچه که از اسمش بر می آید، اهل ارزروم و همشهری عارف ساغ است. در دوران کودکی به موسیقی محلی و ساز باغلاما روی آورد. وی از سال ۱۹۸۱ در استانبول اقامت گزید و از سال ۱۹۸۵ زیر نظر عارف ساغ به تکمیل آموخته هایش پرداخت. پس از عارف ساغ او شاخص ترین نوازنده باغلاما در ترکیه است. اردال نیز همانند استادش عارف ساغ برآمده از موسیقی محلی بوده و فی الواقع شخصیتش نیز با آن عجین شده است.

۳- موسیقی صناتات:

می توان گفت موسیقی صناتات، در واقع ادامه جریان موسیقی عثمانی با تأکید بیشتر بر عناصر فرهنگ ترکی و دوری از عناصر عربی است و در حال حاضر به نوعی موسیقی اصلی ترکیه محسوب می شود. شنیدن نمونه ای از موسیقی صناتات در اوایل ضبط گرامافون به نیکی نشان میدهد که این نوع موسیقی چه ارتباط تنگاتنگی با موسیقی دوره عثمانی داشته است و سپس با شنیدن نمونه های امروزی، به راحتی می توان چرخش موسیقی ترکیه از خوانش های ترکی-عربی ادوار پیشین به ترکی نسبتاً خالص را احساس کرد.

۴- موسیقی آرایسک:

نوعی از موسیقی با منشاء غربی است. اکثر خوانندگان امروز متعلق به این نوع موسیقی و انواعی که متعاقباً معرفی می شوند هستند.

۵- موسیقی مذهبی:

موسیقی با حال و هوای مذهبی و سروده هایی که بر توکل به خدا، استغفار، امر به معروف و نهی از منکر تاکید دارند.

در هم تنیدگی موسیقی عثمانی با موسیقی مذهبی ترکیه به گونه ای است که جداسازی آن ها را سخت می نماید. تنها می توان به کارکرد، اشعار متفاوت و همچنین میزان استفاده از سازهای گوناگون اشاره کرد. وجه مشترک موسیقی عثمانی، موسیقی مذهبی و موسیقی صوفیان ترکیه در فواصل موسیقایی و شیوه گردش نغمات است. یعنی شباهت شنیداری این سه گونه موسیقی، شنونده را به این نتیجه می رساند که فقط یک نوع موسیقی را می شنود ولی چون کارکرد متفاوتی دارند، بهتر است هر یک را در جایگاه خودش بررسی کنیم. بخش مهمی از موسیقی مذهبی ترکیه در اذان و خوانش قرآن جلوه دارد. ترک ها بر خلاف ایرانیان، قرآن را به شیوه عربی نمی خوانند و خوانش منحصر به فردی دارند. در واقع با استفاده از عناصر موسیقی دوران عثمانی، همچنان صدای قرآن در مساجد این کشور به گوش می رسد.

موسیقی صوفیان قونیه را نیز می بایست در همین گروه بررسی کرد. زیرا صوفی گری اساساً یک شکل برآمده از مذهب است. در حال حاضر شهر قونیه مرکز این نوع موسیقی به شمار می رود اگر چه در استانبول هم مواردی وجود دارد. سماع دراویش قونیه با نوعی موسیقی مخصوص همراهی می شود که از نظر ساختاری، همان موسیقی عثمانی است. تفاوت اصلی اش در این است که تنها با سازهای ملی ترکیه به همراه کلام اجرا می شود. در حالی که موسیقی عثمانی امروزی، گاه با استفاده از سازهای غربی و عموماً خانواده ویولون نیز شنیده می شود.

۶- موسیقی پاپ ترکی: موسیقی با منشاء غربی.

امروزه موج موسیقی پاپ همه دنیا را گرفته و گریزی از آن نیست. مهم ترین تفاوت این گونه موسیقی ها، میزان وفاداری شان به فرهنگ کشورهای مختلف است و گرنه از نظر ساختار و چیدمان و صدادهی، کم و بیش همه موسیقی های زیر عنوان پاپ،

فضایی مشترک دارند. بر این اساس موسیقی پاپ ترکیه را به دو شاخه اصلی می توان تقسیم کرد. دسته نخست که عنوان موسیقی پاپ ترکی به درستی بر پیشانی اش می نیشیند و دسته دوم، یک موسیقی کاملاً بیگانه با فرهنگ موسیقی ترکیه و صرفاً دارای کلام ترکی. بیشتر نمونه های موسیقی پاپی که امروزه در این سرزمین تولید می شوند، به نسبتی کم یا زیاد از عناصر فرهنگ ترکی بهره مندند، گاه خیلی غنی و گاه کمی ضعیف تر. گاه یک آهنگ پاپ می توان یافت که از نظر نزدیکی به عناصر فرهنگ خودی، هیچ کمبودی ندارد و صرفاً چیدمانش بر اساس موسیقی همه پسند پاپ شکل گرفته است.

۷- موسیقی سمفونیک یا آنچه در ایران تحت عنوان موسیقی کلاسیک اروپایی شناخته میشود.

موسیقی غربی از نوع سمفونیک، در زمان حیات آخرین پاشاهای عثمانی پا به این سرزمین نهاد. یعنی تقریباً همزمان با ورود موسیو لومر به ایران، یک آهنگساز توانای دیگر، این نوع موسیقی را در سرزمین عثمانی رواج داد و خیلی زود ایشان را با دنیای موسیقی پر هیمنه سمفونیک آشنا کرد. در نتیجه ارکستر سمفونیک آنکارا امروزه قویترین ارکستر سمفونیک خاورمیانه محسوب می شود. یک نمونه از این نوع موسیقی قطعه ای با عنوان **کارا توپراک** (خاک سیاه) است که آهنگساز آن **آشیک ویسل شاطراوغلو Şatıroğlu Aşık Veysel** هنرمند موسیقی بومی ترکیه است.

نمونه دوم مارش معروف آلاتورکا ساخته ولفانگ آمادئوس موتزارت است که بیشتر آن را با عنوان مارش ترک می شناسند. گفتنی است امپراطوری عثمانی در اوج قدرت خویش، حدود ده سالی وین پایتخت اتریش امروزی را در اختیار داشت و هنگامی که سربازان عثمانی با موسیقی ویژه نظامی رژه می رفتند، موتزارت جوان از انگاره (تم) موسیقی آن ها بهره می گیرد و این قطعه زیبا را با لحاظ عناصر موسیقی کلاسیک می سازد.

ترک ها به طور کلی واژه شارکی **Şarkı** را برابر با ترانه به کار می برند و برای آهنگ های با اشعار قدیمی و فولکلوریک از واژه **تورکو Türkü** استفاده می کنند.

نگاهی به تاریخ شهر استانبول

تاریخ استانبول به روایتی دیرینه ای ۳۰۰ هزار ساله دارد. اولین آثار تمدن بشری در این محدوده، در حفاریهایی که در غار یاریم بورگاز واقع در نزدیکی دریاچه کوچوک چکمه جه صورت گرفته است، دیده شده است. گمان می رود که در این دوره، انسانهای نئولیتیک و کالکولیتیک زندگی می کرده اند. در نقاطی مثل دودوللو و آغاج لی نیز به آثاری مربوط به دوره های پالئولیتیک برخورد شده است.

یافته ها حکایت از آن دارد که از حدود پنج هزار سال قبل از میلاد مناطقی چون دودوللو، پندیک، کیلیوس، آمبارلی و مخصوصاً محله فیکیر تپه در کادی کوئی مراکز سکونت انسانها بوده است. لیکن اساس استانبول امروزمین در حدود هفت صد سال پیش از میلاد نهاده شده است. در قرن چهارم میلادی از سوی امپراتور روم، کنستانتین دوباره انشا گردیده و به پایتختی برگزیده شده و از آنروز به بعد به مدت شانزده قرن متوالی پایتخت امپراتوریهای بزرگی چون روم، روم شرقی (بیزانس) و عثمانی بوده است. همچنین این شهر که از زمان امپراتور کنستانتین، به صورت یکی از مراکز اصلی جهان مسیحیت بود با فتح آن در سال ۱۴۵۳ توسط ترکان عثمانی به یکی از تاثیرگذارترین مراکز جهان اسلام درآمد.

ادوار مهم تاریخ استانبول در قبل و بعد از فتح:

بیزانتیون (۶۶۰ قبل از میلاد تا ۳۲۴ بعد از میلاد):

در حدود سالهای ۶۸۰ قبل از میلاد دسته هایی منسوب به قومی به نام مگاراها با حرکت از یونان امروزی از طریق دریای مرمره به منطقه تنگه دست یافته و در حدود کادی کوئی امروزی شهری تحت عنوان کالکدون برپا ساختند. مردم این شهر که به عنوان «کشور کوران» نیز اشتهار داشت، با زراعت امرار معاش می کردند. بیست سال بعد شاخه دیگر مگاها تحت فرماندهی شخصی به نام بیزانس، شهر دیگری در محل ساری بورنوی کنونی انشا نمودند. ساکنان شهر جدید بدان نام «بیزانتیون» نهادند. اهالی قدیمتر منطقه در فرهنگ ساکنان جدید ذوب گردیده و هویت خود را از دست دادند. بیزانتیون در سال ۷۳ میلادی به صورت جزئی از ایالت بیتینیّه- پونتوس

امپراتوری روم درآمده و ماهیت دولتشهری ۷۰۰ ساله خود را از دست داد. شهر چندین بار مورد هجوم و چپاول اقوام و دول گوناگون قرار گرفت تا اینکه کنستانتین اول با آزادسازی شهر از استیلای نیکومدیاییها در سال ۳۲۴ امپراتوری روم شرقی را برقرار ساخت.

پایتختی بخش شرقی امپراتوری روم (۳۲۴ تا ۳۹۵ میلادی):

بیزانسیون به عنوان پایتخت بخش شرقی امپراتوری وسیع روم انتخاب شد و این موقعیت سیاسی در تعیین نقش مهم شهر در سیاست، اقتصاد و فرهنگ روز دنیا تاثیر بسزائی داشت. کنستانتین اول (۳۲۴-۳۳۷) با دعوت از نجبا و اشراف روم، جمعیت و نفوذ رومیان را در شهر ارتقا داده و به ایمار و آبادانی گسترده شهر و بازسازی ابنیه اهتمام ورزید. باروهای جدیدی برای دفاع شهر تاسیس گردید. کارهای ساختمانی هیپودروم که از سده های پیشین پایه گذاری شده بود در این دوره به پایان رسانده شد. این هیپودروم با طول ۴۸۰ و عرض ۱۱۷ متر ظرفیت تجمع یکصد هزار نفر را دارا بود. روی دیوارها با مجسمه های بسیار که اکثر آنها را مجسمه های اسبها تشکیل می داد، تزیین گردیده بود. (در پی اشغال شهر از سوی اقوام لاتین در زمان جنگهای صلیبی، این مجسمه ها به میدان سان مارکو شهر ژن انتقال داده شد.) کاخ امپراتوری (در محل مسجد سلطان احمد امروز)، عبادتگاههای ویژه و آکروپولیس (در محل کاخ توپ قاپی امروز) ساخته شدند. شهر که در قرون اخیر به عنوان رُم جدید یاد می شد، با نام جدید کنستانتینوپولیس خوانده شد. این نام در ۱۱ می ۳۳۰ به صورت رسمی اعلام گردید. امپراتور مذکور با تاسیس آایارنه و بازسازی آیا صوفیه در سال ۳۶۰ شهر را به صورت یکی از مراکز اصلی جهان مسیحیت درآورد.

دوره امپراتوری بیزانس (۳۹۵-۱۲۰۴):

امپراتوری روم شرقی بعد از فروپاشی امپراتوری روم غربی در سال ۴۷۶ میلادی با حفظ قلمرو سابق تحت عنوان امپراتوری بیزانس به حیات خود ادامه داد. شهر استانبول در این دوره و مخصوصاً از اواسط قرن ششم میلادی و دوره امپراتور ژوستینیان اول شاهد توسعه و ارتقای موقعیت بود. آياصوفیه به شکل امروزی آن بازسازی گردید و آثار بیماری وبا را که در سال ۵۴۳ حدود نیمی از جمعیت شهر را به کام مرگ کشیده بود از بین برد. سده های هفتم، هشتم و نهم، استانبول به طور متوالی از سوی اقوام و دول مختلفی چون ساسانیان، ترکان هون و بلغار، اعراب مسلمان، روسها و بلغارهای اسلاو شده مورد حمله و محاصره قرار گرفت.

اشغال شهر از سوی صلیبیان لاتینی (۱۲۰۴-۱۲۶۱):

استانبول برای نخستین بار در سال ۱۰۹۶ با صلیبیها آشنا شد. آلكسیوس امپراتور وقت به گمان بازپس گیری سرزمینهای از دست داده در جنگ ملازگرد به سال ۱۰۷۱، از آمدن صلیبیها بسیار خوشوقت گردید. قرار بود صلیبیها برای بازپس گیری این سرزمینها از دست مسلمانان به بیزانس کمک نماید و در مقابل بیزانس با صلیبیها در اهداف دینیشان در فلسطین با آنها همکاری نماید. لیکن صلیبیها از پیمان خود عدول کرده و در سال ۱۰۹۹ پادشاهی لاتینی بیت المقدس را برپا ساختند. لشکرکشی چهارم صلیبیها به اشغال و تقسیم استانبول انجامید. بعد از چهار روز جنگ نابرابر، صلیبیها در ۱۳ آوریل ۱۲۰۴ شهر را به اشغال خود درآورده و به مدت سه روز به بدترین اشکال ممکن به چپاول شهر و کشتار مردم پرداختند. اکثر بناهای تاریخی یا بکلی تخریب گردید و یا شدیداً آسیب دید. کتابهای دست نویس سدها ساله سوزانده شد و آثار هنری بیزانس به شهرهای مختلف اروپا به یغما برده شد. بعد از این سه روز، غارت شکل منظمتری به خود گرفته و شهر تحت حاکمیت دولت خودخوانده لاتینی که از تباری صلیبیها و ژنیها (ژن بندرشهری است که در شمالغرب کشور ایتالیای فعلی واقع گردیده است. این شهر به همراه شهرهای دیگری چون ونیز و ... در آن دوران دارای دولتشهرهایی با قدرت دریایی زیاد بوده اند.) تشکیل یافته

بود قرار گرفت. شهر وجهه آرام و ساکن خود را از دست داد و ثروتمندان و اشراف شهر تدریجاً به جاهای دیگر مخصوصاً شهر ایزنیک کوچ کردند. این دولت خودخوانده هرگز نتوانست به تمامی قلمرو بیزانس دست یابد و در مناطق ایزنیک، ترابزون و اپیروس (واقع در یونان امروز) نهضتهای آزادیبخش شکل گرفت. نیروهای متحدان مذکور با پیشرفت تدریجی به طرف بغاز، حلقه محاصره دولت خودخوانده را تنگتر کردند. بالاخره در سال ۱۲۶۱ خاندان پالایلوگوس شهر را از اشغال صلیبیها درآورده و به عمر این دولت خودخوانده نامیون خاتمه داد.

دور دوم بیزانس (۱۲۶۱-۱۴۵۳):

دور دوم بیزانس با بازپس گیری استانبول از صلیبیان توسط خاندان پالایلوگوس به سال ۱۲۶۱ شروع می شود. لیکن شهر آنچنان تخریب شده و دارایی آن به غارت و یغما برده شده است که در تمام مدت دور جدید خود به اهمیت و جایگاه سابق دست نمی یابد. در مقابل، محله کوچک پرا (پی اوغلی امروز) متعلق به ژنیها با در اختیار گرفتن تمامی امتیازات، به شهرکی بازرگانی تبدیل می شود. تنها اتفاق مثبت مربوط به این دوره، توقف اختلافات مذهبی بین شهر استانبول با رم می باشد. استانبول به مرکز اصلی شاخه ارتدوکس تبدیل شده و هنر بیزانس به حد اعلای خود رسید. عثمانیها تدریجاً به سوی استانبول پیشروی کردند و از سال ۱۳۷۳ شهر مجبور به پرداخت خراج به عثمانیها گردید. چند بار نیز اقدام به محاصره شهر نمودند لیکن بیشتر بدلیل بروز کشمکشهای داخلی موفق به تسخیر آن نشدند. قبلاً در تمام قرون موجودیت اسلام حملاتی از سوی اعراب به این شهر صورت گرفت، لیکن هیچکدام به نتیجه ای نرسید. مخصوصاً سفارش پیغمبر اسلام در مورد فتح این شهر و بشارتهایی که نسبت به اولین فاتح آن داده بود در این هدفگیری تاثیر اصلی را ایفا می نمود. تا اواسط قرن پانزدهم تمامی سرزمینهای سابق بیزانس تا طرف آسیایی تنگه در شرق و نیز تا قلعه سلیوری در صد کیلومتری غرب شهر تحت قلمرو عثمانیان درآمده بود. بیزانس در این سالها چندین بار از دربار کاتولیک رم استمداد نمود لیکن پاپ، لزوم رد مذهب ارتدوکس را به عنوان پیش شرط کمک تعیین کرد که بالاخره در ۱۴۵۲ علیرغم مخالفتهای شدید داخلی، از سوی حاکمیت شهر مورد پذیرش قرار گرفت.

مردم شهر به هیچوجه حاضر به استیلای دوباره شهر از سوی لاتینیها نبودند. لیکن پاپ نیز متوجه موقعیت خاص استانبول بسان سپری در مقابل مسلمانان بود و بدنبال پیمان اتفاق در فلورانس، سپاه صلیبی جمع آوری و به سوی شهر گسیل داشته شد. این سپاه تراکیه را تسخیر کرد لیکن در نبرد وارنا از سوی ارتش عثمانی به هزیمت کشانیده شد و فتح استانبول مسأله ای غیرقابل گذشت گردید. لزوم فتح این شهر که در قلب امپراتوری قرار گرفته بود، علیرغم کرنشهای متوالی آن در مقابل دولت عثمانی، بیش از پیش آشکار گشت. عثمانیها در سال ۱۴۵۲ حصار روم اتلی را احداث کرده و کنترل کامل تنگه را در دست گرفتند. سفارش و دستورات لازم جهت ساخت توپهای بزرگ داده شد. نیروی دریایی احیا گردید. تعداد سربازان ارتش به دو برابر افزایش داده شد. پیمان صلحی با ژنیها بسته شد که بر اساس آن محله پرا می بایست در اثنای جنگ بیطرف بماند. در ۲ آوریل ۱۴۵۳ اولین دسته های ارتش عثمانی در مقابل باروهای استانبول دیده شد و بدین ترتیب محاصره شهر آغاز گردید. این محاصره در ۲۹ می ۱۴۵۳ به فتح شهر از سوی سپاه بزرگ مسلمانان انجامید و دور دوم بیزانس، که از سالها پیش، وجهه سیاسی خود را به عنوان مرکز امپراتوری از دست داده و تنها دارای ماهیت مرکزیت دینی بود، به پایان رسید.

روزشمار فتح:

۶ آوریل ۱۴۵۳: خیمه گاه سلطان محمد دوم در حدود مقابل دروازه سن رومانوس (حدود مال تپه فعلی در نزدیکی توپ قاپی) برقرار گردید. تمامی قسمت مشرف به خشکی از خلیج تا دریای مرمره به روی عبور و مرور بسته شد. همان روز و فردای آن شلیک توپ به طرف دیوارهای شهر آغاز شد. در قسمت ادرنه قاپی، به دیوارها آسیب جدی وارد آمد.

۹ آوریل ۱۴۵۳: سلیمان بیگ بالتاوغلو اولین حمله خود برای ورود به خلیج را صورت داد. دهانه خلیج با زنجیر کلفتی که از طرف سرکه جی فعلی تا پایین برج گالاتا کشیده شده بود، بسته شده و امکان پاره کردن یا باز کردن آن تقریباً وجود نداشت. همان روز و فردای آن قسمتی از باروهای مشرف به تنگه تسخیر شد. سلیمان بیگ بالتاوغلو جزایر را تحت اشغال نیروهای خود درآورد.

۱۱ آوریل ۱۴۵۳: کوبیدن باروهای عریض با توپهای بزرگ آغاز گردید. در برخی نقاط خرابیها و گذرگاههایی شبیه گردنه در طول باروها بوجود آمد.

۱۲ آوریل ۱۴۵۳: نیروی دریایی به کشتیهای محافظ خلیج حمله ور شد. لیکن شکست در مقابل کشتیهای مسیحی، روحیه مسلمانان را تضعیف نمود. به دستور سلطان، کشتیهای واقع در خلیج با توپهای خمپاره انداز کوبیده شد. یک کشتی بادبانی غرق گردید.

شب ۱۸ آوریل ۱۴۵۳: سلطان نخستین فرمان حمله بزرگ را صادر نمود. حمله چهار ساعت طول کشید ولی نتیجه بخش نبود.

۲۰ آوریل ۱۴۵۳: در مقابل سواحل یثنی قایی امروزی در ورودی تنگه از طرف دریای مرمره، میان کشتیهای عثمانی و کشتیهای کمکی مسیحی نبرد سختی درگرفت. چهار کشتی بزرگ جنگی که سه فروند آنها از سوی پاپ فرستاده شده و یک فروند نیز متعلق به خود بیزانس بود و مدتی پیش جهت آوردن کمک به کشورهای مسیحی فرستاده شده بود، حامل ارزاق و سلاح برای کمک به شهر بودند. سلطان شخصا به ساحل آمده و به سلیمان بیگ فرمان داد به هر ترتیب و بهایی که شده باید کشتیهای مزبور را مغروق سازد. لیکن کشتیهای کوچک و بسیار عثمانی نتوانست مانع ورود کشتیهای بزرگ و بلند مسیحیان به خلیج و بندر شهر گردد. این عدم موفقیت نیز تاثیری در حد شکست بر روی کل سپاه گذاشت. چنانکه تعدادی از سربازان مزدور شروع به ترک سپاه نمودند. امپراتور بیزانس با وقوف بر این امر از فرصت استفاده کرده و پیشنهاد صلح کرد. این پیشنهاد علیرغم نظر مثبت خلیل پاشا چاندارلی، صدراعظم، رد شده و دستور کوبیدن هر چه شدیدتر باروهای شهر داده شد.

در همان اثنا که سپاه با ناامیدی به حملات خود ادامه می داد، نامه ای از آق شمس الدین شیخ و استاد سلطان بدو رسید که مژده فتح می داد. نامه مذکور تاثیر بسزایی در روحیه بخشی به شخص سلطان و به طبع او، دیگر امرا و نتیجتاً بدنه سپاه داشت که موجب صدور و اجرای اوامر و تدابیر عجیب در روزهای آتی گردید.

۲۲ آوریل ۱۴۵۳: در ساعات اولیه صبح مسیحیان شهر در کمال تعجب و وحشت، شاهد ورود کشتیهای جنگی ترکان از طریق خشکی به خلیج که مأمن کشتیهای مسیحی و نرم ترین قسمت شکم شهر محسوب میشد بودند. تعداد هفتاد فروند کشتی

که بر روی تنه های قطور درختان، توسط گاوهای نر کشیده شده و تعادل آنها از طرف صدها سرباز به کمک طنابهای بلند و محکم کنترل می شد از روی تپه های بلند مابین بشیکتاش و قاسم پاشای فعلی عبور داده شده و تا بعد از ظهر همگی به خلیج انداخته شده بودند. این واقعه روحیه نیروی دریایی شهر را به شدت تحت تاثیر قرار داد. ترس در دل مدافعین شهر افتاده بود و از طرف دیگر با مأمور کردن عده ای برای مراقبت از باروهای مشرف به خلیج، دفاع قسمتهای مشرف به خشکی تضعیف گردید.

۲۸ آوریل ۱۴۵۳: کشتی سوزی در خلیج به کمک آتش سنگین توپها متوقف گردید. ترکها، مابین آیوان سرای و سوتلوجه فعلی پلی زده و از روی آن اقدام به کوبیدن باروهای مشرف به خلیج نمودند. تمامی باروهای مشرف به دریا تحت محاصره قرار گرفت. سلطان محمد دوم با میانجیگری ژنیها پیشنهاد خود را مبنی بر تسلیم بدون قید و شرط به امپراتور فرستاد. در این پیشنهاد، آزادی امپراتور در صورت تسلیم و حق تعیین محل زندگی خود و تأمین امنیت مالی و جانی سکنه در نظر گرفته و گنجانده شده بود. امپراتور از قبول این پیشنهاد امتناع ورزید.

۷ می ۱۴۵۳: حمله ای با سی هزار سرباز به باروهای واقع در بین توپ قاپی و ادرنه قاپی ترتیب داده شد. حمله سه ساعت به طول انجامید ولی نتیجه ای نداد.

۱۲ می ۱۴۵۳: حمله بزرگ دیگری به باروهای واقع در بین کاخ تکفور و ادرنه قاپی ترتیب داده شد. این حمله نیز پس زده شد.

۱۶ می ۱۴۵۳: نقبی که ترکان در حدود آیری قاپی زده بودند به نقب بیزانسیها خورده و نبرد سختی در زیرزمین درگرفت. همان روز و فردای آن، حملاتی نیز جهت انهدام زنجیر دهانه خلیج صورت پذیرفت. هیچکدام مثمر ثمر واقع نشدند.

۱۸ می ۱۴۵۳: برجی بلند و متحرک از چوب درختان ساخته شده و از طرف توپ قاپی به دیوارها هجوم برده شد. زد و خوردهای شدید تا هنگام غروب ادامه یافت. بیزانسیها شبانه برج مزبور را آتش زده و خندقهای پر شده را مجدداً کردند.

۲۵ می ۱۴۵۳: سلطان، اسماعیل بیگ پسر اسفندیار بیگ را مأمور رساندن آخرین پیشنهاد تسلیم به امپراتور نمود. مضمون پیشنهاد جدید چنین بود: امپراتور می تواند همراه با تمام دارائی خود به هر جا که دلش بخواهد برود. از سکنه نیز هر کس که

بخواهد می تواند دارائی خود را برداشته و برود. امنیت جانی و مالی آنهایی که خواستار ماندن باشند تامین خواهد شد.

این پیشنهاد نیز مردود واقع گردید.

۲۶ آوریل ۱۴۵۳: با شیوع شایعاتی مبنی بر اینکه نیروهای کمکی دول مسیحی در شرف رسیدن می باشند و نیز اینکه در صورت عدم ختم محاصره، کشور مجارستان نیز به نفع بیزانس وارد جنگ خواهد شد، سلطان محمد دوم، شورای جنگ را تشکیل داد. در این جلسه، خلیل پاشا چانداری، صدراعظم و هوادارانش بر نظر خود مبنی بر خاتمه دادن به محاصره که در واقع از روز نخست مخالف آن بودند تاکید کردند. شخص سلطان و اشخاصی چون زاغانوس پاشا، استادش آق شمس الدین، ملّا گورانی و ملّا خسرو رأی بر ادامه محاصره دادند. تصمیم نهایی بر این اساس اتخاذ گردیده و اقدامات لازم بر عهده زاغانوس پاشا نهاده شد.

۲۷ آوریل ۱۴۵۳: فرمان حمله سراسری به سپاه داده شد.

۲۸ آوریل ۱۴۵۳: سپاه تقریباً تمام روز را برای آمادگی جهت حمله روز بعد استراحت کرد. آرامش و سکوت بر سپاه حاکم بود. شخص سلطان با بازدید از صفوف سپاه به تسکین و تحریک سربازان پرداخت. در شهر، مراسم دینی ترتیب داده شد. امپراتور در آیاصوفیه از همه حضار خواست در دفاع از شهر هیچ چیز دیگری را مورد ملاحظه قرار ندهند.

۲۹ آوریل ۱۴۵۳: سلطان صبح خیلی زود فرمان حمله را صادر کرد. در حالیکه سربازان به موازات برج و باروهای شهر آرایش جنگی به خود می گرفتند، مردم هراسان و سراسیمه به سوی کلیساها می شتافتند. سپاه عثمانی از دریا و خشکی همراه با طنین طبلها و کرناها و درحالیکه فریادهای الله اکبر سر می دادند، حملات بی امان خود را شروع کرد. صفوف جلو را سربازان پیاده سبک تشکیل می دادند. بدنبال آنان سربازان ایالات مختلف آناتولی هجوم بردند. حدود سیصد سرباز از گردنه ای که در اثر آتش توپها در قسمتی از دیوار ایجاد شده بود بداخل رخنه کرده بودند که همگی در ضد حمله بیزانسیها و نیروهای کمکی دول مسیحی به هلاکت رسیدند. در همین اثنا یئنی چریها حملات خود را آغاز نمودند. شخص سلطان برای تهییج سربازانش چند بار تا تیررس بیزانسیها جلو آمد. نبرد در مدت کوتاهی به صورت تن به تن درآمد. حسن اولوباتلی (اولوبات شهری است واقع در جنوب دریای مرمره) اولین

سربازی که بیرق ترک- اسلام را بر روی دیوار برافراشته بود در این اثنا به شهادت رسید. با ورود پر تعداد یثنی چریها از دروازه بلگراد و نیز محاصره آخرین مقاومت کنندگان در منطقه ادرنه قاپی از عقب و داخل شهر، شهر به روی سپاه عثمانی گشوده شد. امپراتور که از سوی سربازان محافظش تنها گذاشته شده بود، در نبردهای تن به تن در کوچه پس کوچه های شهر کشته شد. مقاومت‌های پراکنده داخل شهر نیز به سرعت فرو خوابانده شد. سلطان محمد دوم، نزدیک اذان ظهر از دروازه توپ قاپی وارد شهر شده و مستقیماً رهسپار آیاصوفیه گردید. اولین نماز جماعت را در آنجا بجای آورده و بدین ترتیب کلیسای اصلی شهر به مسجد تبدیل شد. بخش مهمی از تاریخ تحت عنوان قرون وسطی به پایان رسیده و قرون جدید آغاز شد.

نتایج فتح استانبول:

فتح استانبول از نظر تاثیرات ژرفی که بر سیر تاریخ ترکیه، جهان اسلام و کل دنیا بجای گذارد بسیار مهم تلقی شده و از سوی خیل تاریخدانان بعنوان مبدأ عصری جدید پذیرفته می شود.

عثمانیها با فتح استانبول برتری خود را نسبت به خیل خاناتی که در سطح آناتولی برای خود دولتی تشکیل داده بودند به اثبات رسانده و بدنبال این فتح اتحاد و پیوستگی این خانات را با خود به قوه قهر یا مصالحه برقرار ساختند. دولت‌شهرهای واقع در کرانه های جنوبی و جنوبشرقی دریای سیاه را تابع خود ساختند. فتح بوسنی و هرزگوین را به اتمام رساندند. تمامی شبه جزیره بالکان در جنوب رود دانوب را به خاک عثمانی الحاق نمودند. بسیاری از جزایر دریای اژه و مدیترانه را از دست ژنیها بدر آوردند. ایالات واقع در جنوب آناتولی و مهمتر از همه دولت آق قویونلوها به سرکردگی اوزون حسن در شرق را اسقاط نمودند. شبه جزیره کریمه واقع در جنوب اوکراین فعلی را به خاک عثمانی پیوستند. یونان و آلبانی را به تسخیر خود درآورده و حتی با اشغال بندر اوترانتو در جنوب ایتالیا چنان ترسی در دل دولت رم انداختند که پاپ به سرعت دول مسیحی را به جنگ صلیبی فراخواند. لیکن هیچ یک از دولتهای مذکور جرأت چنین اقدامی از خود بروز ندادند. سلطان محمد فاتح در بهار سال

۱۴۸۱ در نزدیکی گبزه در پنجاه کیلومتری شرق استانبول در حالیکه عازم لشکرکشی جدیدی بود درگذشت.

سیر تاریخی کسب موقعیت رهبری جهان اسلام از سوی ترکان عثمانی نیز با فتح استانبول شروع می شود.

در سالها و سده های متعاقب فتح، دین اسلام به صورت یکی از دینامیکهای اصلی سیاست جهان درآمد. از این زمان به بعد، مسلمانان در تمام وقایعی که در جهان و در عرصه بین الملل اتفاق می افتاد نقشی داشتند.

جهان مسیحیت در مدتی نزدیک سه قرن و با اقدام به جنگهای صلیبی متعدد، تمام تلاش خود را برای اخراج و ریشه کن کردن اسلام از آسیای صغیر بکار برده و در این اقدامات استانبول را بسان پایگاهی مرزی می نگریستند که با فتح این شهر، حاکمیت اسلام بر آناتولی قطعی شده و مسیحیان، آن را به عنوان حقیقتی انکارناپذیر قبول کردند. در مقابل، اسلام به طرف اعماق اروپا شروع به توسعه نمود. فتح استانبول، نقطه آغازین یک برتری درازمدت در برابر مسیحیان اروپا گردید.

یکی دیگر از مواردی که بر اهمیت این رویداد در تاریخ جهان می افزاید، تاثیر آن بر روی رنسانس می باشد. متعاقب فتح قسطنطنیه، بسیاری از دانشمندان و هنرمندان و صنعتگران بیزانسی راه غرب را در پیش گرفته و به رم کوچ کردند. در تاثیر این اشخاص در حرکت رنسانس که به فاصله اندکی از فتح در اروپا ابراز موجودیت نمود تردیدی وجود ندارد. شوک وارده از این رویداد به اروپا، جهان مسیحیت را به تکاپو انداخته و آنها را به سمت دستیابی به علوم و پیشبرد و توسعه آنها واداشت.

استانبول از عثمانی تا تاسیس جمهوری ترکیه (۱۴۵۳-۱۹۲۳):

در عرض سه روز بعد از فتح شهر از سوی قوای سلطان محمد فاتح، آرامش به شهر بازگشت و امنیت عمومی برقرار گردید. سلطان گردش سربازان در شهر را ممنوع نمود و فرمان عفو عمومی صادر شد. سلطان محمد فاتح همچنین اعلام کرد که از برگزاری مراسم دینی و سنتهای رومیان ممانعت بعمل نخواهد آورد و از آنها خواست که یک نفر از میان خود را برای مقام پاتریکی ارتدوکسها که خالی مانده بود انتخاب نمایند. حقوق دینی جماعت یهودی شهر نیز که در جریان جنگ بیطرف مانده بودند

برسمیت شناخته شد و از خاخام جماعت دلجویی گردید. عبادتگاهی نیز در نزدیکی مسجد آریاچیلار جهت انجام فرائض دینی به جمعیت ترک-یهودی قارئیم اختصاص یافت. (موطن اصلی جامعه اخیر، کرانه های غربی رود ولگا در روسیه فعلی بوده است. با فروپاشی دولتشان، خزر، در اواخر هزاره اول میلادی که برای مصون ماندن از سلطه مسلمانان و مسیحیان، دین یهود را به عنوان دین رسمی دولت قبول کرده بود، اهالی در سرزمینهای اروپای شرقی و مرکزی پخش شده و اکثراً در میان ملل میزبان مستحیل گشتند. لیکن گروهی از آنها بنام قارئیمها به صورت توده ای در لهستان امروزی سکنی گزیده و توانستند تا حدود زیادی از آسیمیله شدن در امان بمانند. آرتور کستلر در کتاب خود تحت عنوان «قبیله سیزدهم» که در ایران با نام خزران ترجمه گردیده است، با استناد به اسناد تاریخی، نسب اکثریت قاطع جامعه یهود فعلی مخصوصاً کشته شدگان در جنگ جهانی دوم را به خزرها نسبت می دهد). بعدها خلیفه ای نیز برای رهبری جماعت ارمنی منصوب گردیده و توازن بین مذاهب برقرار شد.

سلطان بلافاصله بعد از بازگرداندن آرامش و امنیت به شهر، دست به فعالیتهای عمرانی زده و در مرحله اول به تعمیر خرابیهای حاصل از جنگ زد. برج و باروها، خندقها و اماکن عمومی و دولتی در اولویت اول بودند. سلطان محمد فاتح آیاصوفیه را نیز از رومیان خریداری کرده و آن را تبدیل به مسجد نمود. آرامگاه شایسته ای برای ابویوب انصاری از انصار پیامبر اکرم (ص) که در جریان محاصره شهر در زمان عمر در نزدیکی دیوارهای شهر در حدود آیوانسرای فعلی به شهادت رسیده بود برپا گردیده و عبادتگاه و صومعه ای در کنار آن احداث شد. کاخهایی نیز تحت عنوانین سرای عتیق (که اکنون اثری از آن باقی نیست) در حدود میدان بیازیت فعلی و سرای جدید (کاخ توپ قابی فعلی) بنا نهاد. تعداد بیشماری مسجد، دارالشفقه، عمارت، بازارچه، کاروانسرا و نیز قاپالی چارشی (بازار سرپوشیده) در این دوران ساخته شد.

متعاقب فتح شهر، جهت توسعه و رونق بخشی به آن املاک خالی از سکنه، در داخل باروهای شهر بصورت رایگان در اختیار سربازان و کسانی که در جریان فتح نقشی ایفا کرده بودند گذاشته شده و برای مهاجرت و اسکان مسلمانان آناتولی و بالکان در شهر به انحاء مختلف تلاش گردید. وقتی تمامی این اقدامات نتیجه لازم را نداد، به حکام ولایات مزبور دستور داده شد تا از هر قشر تعداد معینی از اهالی برای سکونت در

استانبول فرستاده شود. تعدادی از مسیحیان و یهودیان نیز از نقاط مختلف به شهر کوچانده شده و در محله های معینی اسکان داده شدند. محلاتی که در نتیجه این کوچهای اجباری شکل گرفته بودند، بعدها پایه های ساختار اداری شهر را تشکیل دادند. در سال ۱۴۵۹، شهر به چهار واحد اداری با ویژگیهای دموگرافیک متفاوت تقسیم گردید. یکی از این واحدها شامل حدود قسطنطنیه سابق و داخل باروهای شهر بود و سه واحد دیگر (بلاد ثلاثه) شامل ایوب(از محله ایوب فعلی تا قصبه سیلیوری)، گالاتا (محله پرا یا بی اوغلو فعلی و تمامی منطقه مابین خلیج و بغاز) و اوسکودار (سواحل آسیایی تنگه واقع در روبروی ورودی خلیج) می شدند.

در اواخر سال ۱۴۵۷ در پی وقوع آتش سوزی بزرگی در ادرنه، پایتخت سابق امپراتوری عثمانی، مهاجرت به شهر تسریع یافت و این واقعه جان تازه ای به اسلامبول بخشید. پنجاه سال بعد از فتح، اسلامبول عنوان بزرگترین شهر اروپا را به خود اختصاص داد.

اسلامبول در زلزله مهیب ۱۴ سپتامبر ۱۵۰۹ که به قیامت کوچک معروف گردید آسیب فراوان دید. پس لرزه ها که تا ۴۵ روز بعد ادامه داشت، حتی یک مناره سالم در شهر باقی نگذاشت. شهر در سال ۱۵۱۰ با استخدام هشتاد هزار کارگر، بنا و صنعتگر از سوی سلطان بایزید دوم بازسازی شد. دوران ۴۶ ساله سلطنت سلطان سلیمان قانونی (۱۵۲۰-۱۵۶۶) از ادوار پرشکوه تاریخ جهان اسلام، ترکیه و به طبع آن استانبول بوده است. در این دوران عمران و آبادانی شهر زلزله زده با اهتمام تمام ادامه یافت و تعداد زیادی مدرسه، کاروانسرا، حمام، مسافرخانه، پل و ... احداث گردید. ابنیه ساخته شده در این دوره مخصوصاً آثار معمار مشهور، «سینان»، وجهه ای تازه به شهر بخشیدند. مسجد و مجموعه سلیمانیه که به گفته خود معمار، اثر دوره نیمه ماهر اوست و مقبره خود و سلطان سلیمان قانونی را در آن تعبیه کرده است، تنها یکی از این آثار می باشد.

در این دوره از سویی از مهاجرتهاى جدید به شهر ممانعت بعمل آورده شده و از سوي دیگر ساخت و ساز در اطراف باروها ممنوع اعلام گردید. تعبیه کرکره جلوی پنجره ها و استفاده از سنگ در ساختمانهای گالاتا اجباری شد. تأمین آب شرب شهر را دولت با پرداخت مخارج از محل خزانه بر عهده گرفت و شهر با پارکها و گردشگاههای سرسبز

به سبک امروزی مزین گردید. برای تامین و افزایش رفاه شهر، تعهدات خاصی بر دوش برخی از شهرهای واقع در مصر، سواحل دریای سیاه و شبه جزیره بالکان گذاشته شد. شهر در این دوره با قهوه خانه آشنا شد.

گسترش شهر به خارج از باروها نیز از این دوره آغاز شده و محلاتی در شمالغرب خلیج شکل گرفتند. گالاتا توسعه زیادی یافته و برای نخستین بار سفارتخانه های دول بزرگ در بی اوغلو افتتاح گردیدند.

در دوره سلطان سلیمان قانونی اسلامبول شاهد فلاکتهایی نیز گردید. بیماری وبا، آتش سوزیهای مهیب، طوفان و سیل چند بار شهر را درنوردیدند.

از سال ۱۷۱۸ تا ۱۷۳۰ که مصادف با سلطنت احمد سوم با صدارت اعظم ابراهیم پاشا معروف به داماد نوشهری (شهری در چند صد کیلومتری جنوبغرب آنکارا) می شود، به «دوران لاله» مشهور گردیده است. علت نامگذاری این دوره به دوران لاله، رواج پرورش لاله در دوره مذکور در بین درباریان و اشخاص متمول شهر بوده است. صدراعظم با پروژه هایی که تحت تاثیر الگوهای موجود در وین و پاریس طراحی کرده بود به آبادانی شهر همت گماشت. اول از همه سواحل خلیج ساماندهی شده و سرتاسر آن به گردشگاه عمومی تبدیل گردید. قصر سعدآباد در کاغیت خانه احداث و اطراف آن با لاله زارهای زیبایی تزیین یافت. زیبایی این لاله زارها در ترغیب اهالی متمول به پرورش لاله موثر افتاد. سازمان آتش نشانی برای نخستین بار در این دوره تاسیس شد و اولین چاپخانه آغاز به فعالیت نمود. همچنین کارخانه هایی در کاراکوی فعلی و اطراف خلیج احداث گردیدند. دوران لاله با شورش پاترونا خلیل پایان گرفت. در جریان اغتشاشات مذکور، لاله زارها و برخی از اماکن و قصرهای کوچک متعلق به درباریان آسیب فراوان دیدند و برخی از آنها به کلی تخریب شده و از بین رفتند.

از سوم اکتبر سال ۱۸۳۹، با قرائت فرمان پادشاهی «تنظیمات» در پارک گلخانه، دوره جدیدی که بعداً به همین نام معروف شد در استانبول شروع شد. این دوران دوره تسریع در روند تجدیدگرایی در تمام وجوه زندگی بود. شهر در جهات مختلف رو به توسعه نهاد. گویی مسابقه ای برای ساخت و ساز هر چه بیشتر براه افتاده بود. کاخهایی چون دولماباحچه، چراغان پالاس و بی لر بیی مربوط به این دوره اند. این موج تجدیدگرایی در معماری نیز خود را بروز داد و تا ایجاد بدعتهایی در ساخت

مساجد پیش رفت. در تاسیسات پایه و خدماتی شهر نیز پیشرفتهای فراوانی حاصل شد. این تغییرات و رویدادها بالطبع زندگی اجتماعی شهر را عمیقاً متأثر نمود. به خصوص طرز زندگی سربازان و افسران انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی که در جنگ کریمه به استانبول آمده بودند و نیز مهاجران اروپایی الاصل ساکن گالاتا بر علائق اهالی شهر تأثیر گذاشت. از این دوران بی اوغلو و اماکن واقع در آن به مرکز اصلی تفریح و وقت گذرانی درآمد. سلاطین جامعه همراه با عادات تفریحشان رو به تغییر نهاد. سرشماری سال ۱۸۴۴ و واکسیناسیون سال ۱۸۴۵ جزو اولینهای استانبول بودند.

با فراگیر شدن تحصیل در شاخه های مختلف علمی، سیاسی، نظامی و ادبی، احساسات آزادیخواهانه در پایتخت امپراتوری وسیع عثمانی نزع گرفت و بی کفایتیهای مکرر بزرگان سیاست به هدایت و تشدید تحرکات مردمی در حیطه مملکتداری دامن زد. بالاخره سلطان عبدالعزیز به تاریخ ۳۱ اوت ۱۸۷۶ در جو متشنجی از تخت به زیر کشیده شده و عبدالحمید دوم بعد از دادن قول تاسیس حکومت مشروطه به جای او نشانده شد. نظام مشروطه نوعی از حکومت بود که نمادهای پیشرفت و آزادیهای فردی و اجتماعی با منشاء غربی را بعد از کاتالیزه کردن و به شکل قابل تلفیق با رژیم پادشاهی قابل اجرا می ساخت. سلطان عبدالحمید دوم در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ مشروطیت را رسماً پذیرفته و اعلام نمود. لیکن وقوع جنگ با روسیه به بسته شدن مجلس مبعوثان در ۱۳ فوریه ۱۸۷۸ برای مدتی نامعلوم انجامید. صحنه های انتقال سرباز از طریق مرکز شهر به غرب و زخمیها و بیمارانی که از جبهه ها آورده می شدند، همچنین مهاجرانی که در اثر جنگ خانه و کاشانه خود را ترک کرده و رهسپار پایتخت شده بودند تأثیرات ناخوشایندی بر روحیه و افکار عمومی شهر بر جای گذاشت. پناهندگان مذکور حدالامکان در مدارس و مساجد اسکان داده می شدند، لیکن اینها کفایت نکرد و بدین ترتیب حلبی آبادهایی در گوشه و کنار شهر سر بر آوردند. همه اینها باعث شد تا مردم از این جنگ به عنوان «فاجعه جنگی نود و نه» (تاریخ قمری) یاد کنند. روسها تا حدود یتشیل کؤی (حدود فرودگاه آتاترک فعلی) پیش آمده بودند که عثمانی مجبور به عقد پیمان متارکه آياستفانوس در ۳ مارس ۱۸۷۸ گردید. در سال ۱۸۸۱ سازمانی تحت عنوان «دیون عمومیه» جهت رسیدگی و پرداخت بدهیهای انباشته شده دولت عثمانی تاسیس گردید. با اینکه

بخش اعظم مالیاتهای اتخاذی به این سازمان سرازیر می گردید، لیکن باز هم در امور عمرانی شهر وقفه ای ایجاد نشد. در همین سالها زلزله مهیبی - که در میان مردم به «زلزله سیصد و ده» مشهور شد - شهر را درنوردید و مخصوصاً به محلات واقع در داخل باروها خسارات فراوانی وارد آورد. اغتشاشات سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ و نیز دو اقدام تروریستی سالهای ۱۹۰۵ (سوء قصد ناکام به جان سلطان) و ۱۹۰۶ (سوء قصدی که منجر به کشته شدن رضوان پاشا شهر امینی شد) در قالب دوران تنظیمات قرار می گیرند. همچنین مسافرت ناصرالدین شاه پادشاه ایران و پسرش، ژنرال گرانت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و ویلهلم دوم امپراتور آلمان به استانبول از رویدادهای مهم این دوره می باشند. چشمه آلمان واقع در میدان سلطان احمد در جریان سفر ویلهلم دوم و بدستور شخص او ساخته شد.

در زمان عبدالحمید دوم تعداد زیادی مکاتب و مدارس عالی، کتابخانه و همچنین موزه همایون (موزه آرکولوژی فعلی) پایه گذاری شده و آغاز به فعالیت نمود. بدستور سلطان آلبومی از عکسهای شهر استانبول و سرتاسر امپراتوری تهیه شد. نهایتاً مشروطیت دوباره به تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۰۸ اعلام گردید. سلطان متعاقب واقع ۳۱ مارس از تخت به زیر کشیده شده و به تبعید فرستاده شد. محمد رشاد پنجم به جای او نشست. (۲۷ آوریل ۱۹۰۹) از این تاریخ تا اعلام حکومت جمهوری، استانبول دیگر روز آرام و خوشی ندید.

کاخ چراغان به تاریخ ۱۹ ژوانویه ۱۹۱۰ دچار آتش سوزی شد. ۶ فوریه ۱۹۱۱ باب عالی طعمه حریق گردید. ۱۸ اکتبر ۱۹۱۲ جنگهای بالکان شروع شد. اختلاس، رشوه و کلاهبردای شایع شد و حکومت خود را در تنگنای بسیار سختی یافت.

در این اثنا، به تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۱۴ جرقه های جنگ از بالکان زده شد. مدتی بود اروپا در برخی از قسمتهای خود ناراحتیهایی شدیدی احساس می کرد بطوریکه وقوع جنگ بین چندین دولت اروپایی چیزی دور از انتظار نبوده و به صورت غیر قابل اجتناب درآمده بود. در این میان، دولتهایی چون انگلیس، فرانسه و روسیه تزاری که از حداقل صد و پنجاه سال پیش، امپراتوری عثمانی را نه بعنوان یک تهدید که به تعبیر جدید «مرد بیمار اروپا» و بسان طعمه ای بسیار بزرگ می دیدند، پیش از وقوع جنگ به انحاء مختلف به جان این بیمار افتاده بودند. اعراب حجاز و شامات به تحریک

انگلیسیها و فرانسویها سر به شورش برداشته بودند. عوامل دول مذکور به طرز مشهودی در این مناطق جولان می دادند. قسمتهایی از بالکان نیز که در قالب چند کشور تازه تاسیس اخیراً استقلال یافته بودند، شروع به فعالیتهایی - که گاه تا تهدید و برخورد نظامی پیش می رفت - علیه عثمانی کرده بودند. بدین ترتیب برای دولت عثمانی گزینه بیطرفی در جنگ بخودی خود مردود بود. بزرگان ادارهٔ امپراتوری، چاره را در پیوستن به جنگ بر علیه دول فوق الذکر و اتفاق با آلمان تشخیص دادند. در هر حال امپراتوری عثمانی رو به مرگ بود درحالیکه شاید این اقدام سیر روند موجود را تغییر می داد و یا حداقل تاثیری در بهبود اوضاع می بخشید. این استدلال طرفداران پیوستن به جنگ در دربار عثمانی بود، لیکن به اعتقاد برخی از تاریخ نگاران، جنگ بزرگ - که بعد از وقوع جنگ دوم جهانی به جنگ اول جهانی شهرت یافت - ذاتاً ره آورد عدم توانایی دینامیکهای دنیای آنروز برای تحمل و انتظار بیشتر جهت مرگ خودبخود عثمانی بوده و این جنگ همچنانکه در نتیجه آن نیز بروز نمود، در حقیقت، برای قدرت نمایی در سهم خواهی و تقسیم سرزمینهای وسیع عثمانی حادث گردید. اینکه جرقه جنگ نیز از سرزمینهایی که اخیراً وابسته به عثمانی بوده و دولتهای محلی جدیدالتاسیس بر سر قسمتهایی از آن همواره با یکدیگر مشکل داشتند، زده شد قابل توجه می باشد. حتی خاتمه جنگ به نحوی که بزرگان را ارضا نکرده بود، باعث وقوع جنگ دیگر بین الملل با فاصله کمی بعد از این جنگ شد.

عثمانی در پایان جنگ به کلی متلاشی شده بود. انگلیسیها بر مصر و از حجاز تا عراق و دیاربکر در جنوبشرق کشور ترکیه کنونی، فرانسویها بر الجزایر و از شامات تا شهر آدانا در جنوب ترکیه و ایتالاییها بر لیبی و شهر آنتالیا و حومه آن در جنوبغرب ترکیه فعلی تسلط یافته بودند. روسها بدنبال وقوع انقلاب از جنگ کناره گرفته و مناطق اشغالی خود در شرق ترکیه را به گروهکهای ارمنی سپرده بودند. یونانیان نیز به تحریک انگلیسیها در ازبیر نیرو پیاده کرده و چند شهر آناتولی غربی را به اشغال خود درآورده بودند. اشغال شهر استانبول در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۸ و بدنبال امضای متارکه مُندرس با کناره گرفتن ۵۵ کشتی جنگی نیروهای ائتلافی در بندرگاه حیدرپاشای استانبول به طرز نه چندان محسوسی شروع شد.

دول متفق در کنفرانس لندن به تاریخ ۴ مارس ۱۹۲۰ تصمیم به اشغال محسوس شهر گرفتند و مدت کوتاهی بعد، در ۱۱ آوریل مجلس مبعوثان منحل گردید و حدود ۱۵۰ تن از وکلای ملت به عنوان اسرای سیاسی دستگیر و به جزیره مالت برده شدند. در اثنای سالهای اشغال و متارکه، شهر شاهد تظاهرات و اعتصابات گوناگونی شد که قبل از آن سابقه نداشت. میتینگ فاتح که برای نخستین بار سخنرانان زن نیز در آن حضور داشتند با همراهی بیش از پنجاه هزار نفر از مردم شهر در ۱۹ می ۱۹۱۹ برگزار گردید. در تظاهرات اواخر ژانویه ۱۹۲۰ بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم در میدان سلطان احمد گرد آمدند. اساتید و دانشجویان دارلفنون نیز از ۱۰ آوریل تا ۲۹ ژوئن دانشگاه را تعطیل کردند. مهمترین اتفاقات سالهای مذکور مربوط به شکل گیری گروههای مختلف ملی گرا، آزادیبخش و استقلال طلب، یارگیریهای آنها و فعالیتهای مخفیانه آنها در راه آرمانهای خود بود. جمعیت قارا قول، گروه میم و سازمان مدافعه ملیّه از مهمترین سازمانهای شکل گرفته در آن دوره بودند. ساختار اجتماعی شهر در این دوره شاهد تحولات سریع بود. در حالیکه افواج مردم شهر به مناطق داخلی آناتولی که تحت اشغال نبودند کوچ می کردند، گروههایی نیز از نقاط مختلف و با حدّت تشنجات بالا به استانبول پناه می آوردند. صدها هزار روس که در نتیجه وقوع انقلاب در روسیه به استانبول ریخته بودند، مهمترین این گروهها بودند و زنان جمعیت مذکور که بیش از دویست هزار تن بودند، با طرز پوشش و آداب معاشرت و سبک زندگی خود تاثیرات ژرفی بر فرهنگ مردم بومی شهر گذاشتند.

در ۹ اکتبر ۱۹۲۰ سربازان ارتش انقلابی ترکان پیروزمندانه وارد ازمیر شدند. این رویداد به خودی خود سرآغاز روند آزادسازی و نجات استانبول از اشغال بیگانگان بود. مطابق تفاهمنامه مودانیا، نیروهای اشغالگر به تخلیه مرحله ای منطقه تراکیه پرداختند. مجلس ملی کبیر ترکیه در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۲۲ رای به لغو سلطنت داد. بدین ترتیب استانبول در حالیکه هنوز حقوقاً به عنوان پایتخت شناخته می شد، لیکن ماهیت آن عملاً سلب گردید. به تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۲۳ استانبول از نیروهای اشغالگر کاملاً تخلیه شده بود. مدتی بعد شهر کوچک آنکارا واقع در داخله سرزمین آناتولی با رای مجلس به پایتختی نظام جدید جمهوری برگزیده شده و بار مسئولیت با تمام جوانب مثبت آن از دوش استانبول برداشته شد.

استانبول در دوران جمهوری:

با قانون مبادله مردم و سرزمین، قسمت عمده یونانی تباران ساکن استانبول و سواحل دریای اژه به خاک اصلی یونان فرستاده شده و اکثریت ترکان ساکن تراکیای غربی و سلاویک به آناتولی و استانبول انتقال یافتند. در جریان حوادث قبرس و آزار و کشتار ترکان در جزیره مذکور از سوی اکثریت یونانی تبار جزیره (که مدتی بعد از اعلام استقلال از انگلستان و تاسیس نظام خاص حکومتی متعادل بین ترکان و یونانی تباران شایع شده و با شدت یافتن مساله و عدم توجه لازم از سوی سازمان ملل، به لشکرکشی ترکیه برای نجات همزبانان خود انجامید)، افکارعمومی در ترکیه از این مساله به شدت رنجیده خاطر شده و در پی حملاتی که به محلهای کار یونانی تباران در استانبول و برخی جاهای دیگر انجام گرفت، آنها نیز صلاح را در ترک شهر دیدند. اکنون تنها در یونان و منطقه تراکیه (غربی) حدود دویست هزار ترک به عنوان بومی محل زندگی می کنند.

جمعیت شهر استانبول که در اوایل قرن حدود یک میلیون بود، تا چند سال بعد از تاسیس نظام جمهوری به هفتصد هزار نفر کاهش یافت. از دهه سوم قرن و مخصوصاً در سه دهه پایانی قرن بیستم، شهر شاهد رشد سریع جمعیت در اثر مهاجرتهای بی رویه بود. چنانکه سرعت رشد، طراحان شهری را پشت سر گذاشته و برنامه ریزیهای کلان و منسجم برای هدایت ساخت و سازها و خدمات رسانی را به امری تقریباً ناممکن تبدیل نمود.

کلانشهر استانبول اکنون به جایگاه شایسته ای در بین شهرهای اروپا و جهان دست یافته است.

زندگی در استانبول

نگاهی به فرهنگ مردم شهر

در استانبول مردم به رعایت قانون و حفظ نظام اجتماعی پایبند هستند. این نکته مخصوصاً از سلوک رانندگی و استفاده از وسایل عمومی مثل قطار شهری، مترو، کشتی و نبود پلیس محسوس در جاده مشهود می باشد. حضور مأموران انتظامی در سطح شهر و مأموران راهنمایی و رانندگی در چهار راهها کمرنگ است. مردم خود به قانون احترام می گذارند. به دلیل گرانی قیمت بنزین، حمل و نقل عمومی بسیار مورد توجه است. سرویس دهی وسایل نقلیه عمومی مرتب و با کیفیت مطلوب صورت می گیرد. مترو، قطار شهری و بین شهری، کشتی، اتوبوس و ... بدون تاخیر و با برنامه ای منظم به کار جابجایی مسافران مشغولند. هزینه استفاده از وسایل نقلیه عمومی نیز گرچه ممکن است به نظر ما ایرانیان کمی گران آید، لیکن نسبت به خدمات ارائه شده مناسب است. از همین رو مردم برای تردد اغلب از وسایل نقلیه عمومی بهره می جویند. فرهنگ بالای استفاده از وسایل نقلیه عمومی موجب شده است تا در سطح شهر ترافیک قابل توجهی بوجود نیاید.

در زمینه پوشش مردم راحت عمل می کنند. نوع پوشش لباس، برخلاف ایران، نشانه شخصیت یا توان مالی آنها محسوب نمی شود. زنان و دختران پوشش ساده و بی آلاشی دارند و این موضوع در پسران نیز مشهود است. برخلاف آنچه که در ایران بصورت عرف درآمده است، کسی در پی جلب توجه دیگران نیست. جهانگردان نیز اغلب اینگونه اند؛ ساده و بی آلاش. صد البته این به معنی پوشش جلف، زنده و دور از شأن انسانی نیست.

در میان مردم، فرهنگ تسامح رواج گسترده ای دارد. این فرهنگ به خصوص در همزیستی اهل سنت و شیعیان کاملاً مشهود است. مردم پایبند آداب و عرف پسندیده و قوانین نانوشته مربوط به تعالی انسانی هستند. دعوا و مراغه چیزی تقریباً فراموش شده است و به ندرت قابل مشاهده است. خطوط قرمز مردم در شهر را به طبع کل کشور، آتاترک، جمهوریت نظام، ارزشهای اساسی انسانی و اسلامی و قوانین تشکیل می دهند. مردم بیش از مسائل شخصی به مسائل عمومی حساس بوده و در صورت

برخورد با ناهنجاری، بلادرنگ و حداقل امکان با اجتناب از ایجاد تنش واکنش نشان می دهند. موضوع بسیار مهمی که متأسفانه در کشور ما رنگ و خریداری ندارد!

مساجد در استانبول بسیار تمیز و محترمند. در اطراف مسجد جاکفشی‌های چوبی با ارتفاع کم قرار دارد که کفش نمازگزاران در آنها نهاده می‌شود. پلاستیک‌های یک بار مصرف نیز می‌توان در ورودی مسجد تهیه کرد. این پلاستیک‌ها پس از خروج از مسجد در سطل‌های مخصوص انداخته می‌شود. در اطراف مساجد مکان‌هایی با نرده‌های کوتاه چوبی برای خانم‌ها اختصاص یافته است. نماز گزاردن به سبک شیعی حساسیت برانگیز نیست. لیکن تظاهرات حاشیه‌ای پسندیده نبوده و با واکنش روبرو می‌شود.

در هر پنج وعده نماز طنین اذان در شهر می‌پیچد. بدلیل وفور مسجد و نزدیکی آنها به هم و نیز عدم وجود ترافیک سنگین یا آلودگی‌های دیگر صوتی، صدای اذان در هر نقطه شهر قابل استماع است. ترک‌ها همچنین موقع اذان صدای موسیقی را قطع میکنند. مردم از همه سنین استقبال مناسبی از نماز جماعت و مخصوصاً نماز جمعه به عمل می‌آورند. در مساجد سکوت کامل برقرار است و کسی بلند صحبت نمی‌کند و حتی درود بر پیامبر اکرم (ص) به آرامی فرستاده می‌شود.

دینداری در ترکیه و رونق مساجد بیش از ایران است، ولی تا کسی خود آن را نبیند نمی‌تواند درک درستی از مسأله داشته باشد. با آن که حکومت در ترکیه لایک است، ولی مرز میان دینداری و غیر آن کاملاً مشخص است. کسانی که پایبند به دین هستند مرزها را رعایت می‌کنند. با این که هیچ اجباری هم وجود ندارد. فراوانی مساجد و شلوغی آنها در هنگام نماز جماعت، از نشانه‌های این مسأله است. مسأله دیگر حجاب خانم‌هاست. بیش از ۷۵٪ خانم‌ها حجاب اسلامی دارند و مهمتر اینکه پوشش اسلامی آنها کامل است و هیچ تار مویی از آنها بیرون نیست. کسانی هم که بدون روسری و مانتو هستند، اغلب بلوز شلوار می‌پوشند. در همه جا از محیط‌های کاری تا محافل دوستی می‌توان همزیستی خانم‌های محجبه و غیر محجبه را شاهد بود.

مردم ترکیه حساسیت ویژه‌ای نسبت به مسائل عمومی مسلمانان جهان دارند و در این چهارچوب نسبت به ایرانیان -البته در غیر از مناطق آک سارای و حوالی آن!- در کل نظر خوبی داشته و نسبت به اسرائیل مخصوصاً بعد از کشتار ۹ نفر از پرسنل هلال احمر ترکیه در سال ۲۰۰۹ در جریان ارسال کمک‌های انساندوستانه به غزه و

موضع گیریه‌های کج و مریزدار دولت اسرائیل در سالهای بعد - حتی آنهایی که عمل دولت متبوع خود، ترکیه را نیز از برخی لحاظ قابل انتقاد می دانند- احساس انزجار می نمایند.

مسئله دیگر در پوشش زنان، بخصوص کسانی که از حجاب اسلامی برخوردار نیستند، لباس عادی و راحت آنان است. اغلب فاقد خودآرایی بوده و در پی جلب توجه دیگران نیستند. همین مسئله در پسران نیز دیده می شود. پسران نیز معمولاً لباس‌های عادی بر تن می کنند. چهره‌های غیر عادی که به دنبال جلب توجه دیگران هستند، به ندرت دیده می شود.

مردم استانبول در عین حال که از تعارفات معمول در ایران (حتی در برخی موارد، متفاوت از ترکان ایران) بدور می باشند، ولی اشکال دیگری از عادات پسندیده را هنوز و به زیباترین شکل ممکن حفظ کرده اند. واژگان مورد استفاده در خطابت، دست بوسی بزرگان خانواده و همچنین معلمین توسط فرزندان و دانش آموزان مخصوصاً در ایام عید و مناسبت‌های خاص و جملات التفات آمیزی که به مناسبت‌های گوناگون بین مردم رد و بدل می شود از آنگونه اند.

زبان مردم، آداب صحبت و تعامل در استانبول:

استانبول یک شهر ترک نشین و البته بزرگترین آنها است اما منسوبین اقوام مختلف کشور نیز در این کلانشهر گرد آمده اند. درصد جمعیت منسوبین این اقلیتها که کلاً حدود بیست درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند، در استانبول بیشتر است. این مساله بیشتر به فقر حاکم در مناطق مرزی کشور و در مقابل رفاه نسبی موجود در استانبول و دیگر شهرهای بزرگ برمی گردد. زبان تعامل و نیز رسمی و رایج در شهر، لهجه استانبولی ترکی است که همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، متعلق به شاخه غربی زبانهای ترکی بوده و از این لحاظ با زبان ترکی آذری و ترکی ترکمنی در یک دسته قرار گرفته و برای متکلمین این لهجه ها قابل فهم می باشد. زبان ترکی یکی از قدیمی ترین زبانهای دنیا به شمار رفته و بنا به آمار غیر رسمی در سرتاسر دنیا بیش از سیصد میلیون متکلم دارد.

برای شروع به صحبت استفاده از کلمه «سلام» در تمامی کشورهای اسلامی مقبولترین است. ترکیه ایها از شکل کامل سلام یعنی «سلام علیکم» و همچنین کلمه «مرحابا» استفاده می کنند. ضمناً می توانید با جملاتی حاوی آرزوی اوقات خوب برای طرف مقابل شروع به صحبت بنمایید که خیلی رایج است. برای این منظور از واژه های «ای سباحلار» برای صبح خیلی زود، «ای گونلر» برای تمامی اوقات روز، «ای آکشاملار» برای بعد از غروب تا نیمه شب و «ای گنجه لر» برای بعد از نیمه شب (و در این مورد اخیر فقط موقع خداحافظی) استفاده کنید. در اینجا لازم است توضیحی در تفاوت الفبای ترکی (استانبولی) با انگلیسی که اغلب به اشتباه یکسان انگاشته میشود بدهم. نخست به ریشه این برداشت نادرست باید اشاره کرد که از معتبر بودن الفبا و زبان انگلیسی به عنوان تنها زبان اروپایی موجود در ساحه تحصیلی ما ایرانیان سرچشمه میگیرد. الفبای ترکی استانبولی مثل الفبای تمامی زبانهای اروپایی بر پایه الفبای لاتین طراحی شده است و باز مثل تمامی آنها ویژگیهای خاص خود را داراست. این الفبا متشکل از 29 حرف میباشد که هشت تای آنها صدادار و بقیه بی صدا هستند. مصوتهای İ, I, E, Ö, Ü متفاوت از آنچه که در انگلیسی وجود دارند بوده و تلفظ خاص خود را دارند. حرف Ü مثل U در کلمه Luxe فرانسه، حرف Ö مثل İ در Girl انگلیسی یا Köln آلمانی، حرف I مثل مصوت نانوشتۀ بین S و T در کلمه Stop انگلیسی، حرف İ مثل İran با الفبای ترکی و حرف E همزمان برای فتحه و کسره و در واقع چیزی بین آن دو بکار میرود.

مثال: (Gündüz) به معنی روز، (Üstün) به معنی برتر، (Bölmek) به معنی تقسیم نمودن و جدا کردن، (Ölüm) به معنی مرگ، (Ilık) به معنی ولرم، (Işık) به معنی نور و روشنایی، El به معنی دست و همچنین مردم و (Ekmek) در معنی نان، İnmek به معنی پیاده شدن.

همچنین حروف بی صدای C, Ç, Ş, I, Ğ به صورت «ی» و یا «مکث کوتاه در جای حرف و تکرار حرف صدادار پیشین» (Ğ), «ژ» (J), «ش» (Ş), «چ» (Ç) و «ج» (C) خوانده و تلفظ می گردند.

مثال: Ağaç - آج = درخت (در تلفظ آذری به شکل آغاچ خوانده می شود)،
Ejderha - اژدرها = اژدها، Şimdi - شیمدی = هم اکنون، Çınar - چئنار = درخت
چنار، Canlı - جانلی = زنده

از واژه «افندی» یا «افندی» برای شروع صحبت استفاده نکنید. این اشتباهی است که معمولاً ما ایرانیان گردشگر در ترکیه مرتکب می شویم و دلیل آن واقف نبودن به معنی این کلمه خارجی در موقعیتهای مختلف می باشد. شاید استفاده از کلماتی چون «باکارمیسینیز؟» (باخار می سینیز = یک لحظه توجه می کنید؟)، «بیر شئی سورابیلیرمی ییم؟» (می توانم یک سوالی از شما بکنم؟) و نظایر آن مناسبتر باشد. برای خطاب قرار دادن نیز کلمات «بی افندی» (آقای محترم)، «حانیم افندی» (خانم محترم)، «آبی» (آغا بی = برادر بزرگ)، «حوجام» (استاد، استاد من) مناسب هستند. البته اینها بیشتر به درد آن دسته از هموطنانی که ترک زبانند یا کم و بیش ترکی می فهمند می خورد. در آغاز و پایان سخن نیز همواره سلام دادن و تشکر کردن («تشکور ائدیریم» یا «ساغ اولونوز») پسندیده است.

در این قسمت مخصوصاً به کلماتی اشاره خواهیم کرد که در هر دو لهجه ترکی آذری و استانبولی بکار برده می شود، لیکن معانی متفاوت و بعضاً متضاد دارد. از این جمله اند کلماتی چون «دوشمک» (پیاده شدن)، «قوجا» (پیر)، «قیچ» (پا)، «سوموک» (استخوان) و ...

در این مجال کوتاه قصد نداریم بین دو لهجه ترکی آذربایجانی و استانبولی مقایسه ای انجام دهیم. بلکه هدف ما شناسایی کلماتی هستند که ممکن است برخلاف تصورمان منظور ما را انتقال نداده و یا حتی موجب سوء تفاهم شوند.

همانگونه که پیشتر نیز ذکر گردید؛ هر دو لهجه های آذری و استانبولی، متعلق به شاخه غربی زبانهای ترکی هستند و در واقع تفاوتهای بسیار اندکی بین این دو لهجه وجود دارد تا جایی که مردم ترک این سه کشور عرفاً و شعرای نامی چون نسیمی، برهان الدین، یونس امره، فضولی، اشعار ترکی مولوی و نظامی گنجوی و ... و داستانهای دده قورقود و کوراوغلو را به طور مشترک از آن خود و جزو فرهنگشان میدانند. عمده تفاوتهای کنونی را می توان به بعد از دوران موسوم به تنظیمات که در ترکیه عثمانی صورت گرفت و همچنین تغییر الفبا نسبت داد. در این دوران سه حرف

«خ» (که ذاتاً متعلق به ترکی نیست)، «ق» و مصوت «آ» در الفبای جدید لحاظ نگردید و این بخودی خود موجب بروز تفاوت‌هایی در تلفظ برخی کلمات مثل «دوداق» = دوداک، «خراب» = حاراپ، «آرخا» = آرکا، «چوخ» = چوک، «سلجوق» = سیلچوک و ... شد. حروف «ب»، «د» و «ج» به همان صورت که در آخر هجاها بصورت «پ»، «ت» و «چ» خوانده می شدند، نوشته شدند. این مساله در ترکی آذری نیز نمود دارد و یک گزاره فونولوژیک زبان ترکی است. مثلاً آغاج (درخت) که در لهجه آذری «آغاش» خوانده می شود، در صورتی که اگر پسوندی با حرف صدادار به آن اضافه شود، به شکل صحیح آن خوانده می شود. (آغاجیم = درخت من، آغاجا = به درخت).

ترکی آذری	معنی آن در فارسی	معنی آن در ترکی استانبولی	منظور در ترکی استانبولی
دوشمک	پیاده شدن، افتادن	سقوط کردن و افتادن	اینمک (پیاده شدن)
دانیشماق	حرف زدن	مشورت کردن	کونوشماک
تاپماق	پیدا کردن	پرستش کردن	بولماک
کند	روستا	«خود» و نیز «شهر بزرگ»	کؤی
قالباق	جلو، کدو	کدو	اؤن (جلو)
سوبای	مجرد	افسر نظامی	بنکار
قورتارماق	تمام کردن، نجات دادن	نجات دادن	بیتیرمک (تمام کردن)
ایشله مک	کار کردن	به همان معنی ولی در موارد خاصی بکار برده میشود	چالیشماک
قیچ (غیر از ایاق)	پا	تهیگاه	باجاک
سوموک	استخوان	خلط بینی	کمیک
قوجا	پیر	شوهر، بزرگ، پیر	یاشلی، ایختیار (پیر)
انشیک	بیرون	لبه (مثل لبه در)	دیش (Diş) و دیشاری
دورماق	بلند شدن، ایستادن	ایستادن	کالکماک (قالخماق)
عادت	عادت	پریود (زنانه)	آلیشکانلیک (آلیشغانلیق)

البته بسیاری از این کلمات در حال حاضر در میان ترک زبانان برخی از نقاط کشور در معانی همسان بکار می روند. کلماتی چون «گرچک»، «چامور»، «سیجاق» و ... که در معانی حقیقت، گل، گرم و ... در میان ترکان ساکن مناطق مرکزی ایران تا جنوب شیراز بکار می رود، در لهجه استانبولی نیز بهمان شکل کاربرد داشته و کلماتی مثل «اؤن» (جلو)، «اوزری» (روی چیزی)، «آزن» (عارف) و ... هنوز در قالب کلماتی چون

اؤنلوك (پیش بند بچه)، اوزرلیك (گیاهی است که برای مصون ماندن از چشم حسود روی آتش ترکانده و روی شخص و یا اشخاص مورد نظر می گیرند)، ارنلر (مقبره هایی مربوط به عرفای متوفی واقع در برخی از مناطق و روستاهای آذربایجان) و ... ماهیت وطنی و کارایی خود را حفظ نموده اند.

برخی از کلمات و جملات کلیدی قابل استفاده در معاشرت و خرید:

کلمه در فارسی	معادل ترکی	جمله در فارسی	معادل ترکی
سلام	Merhaba	چطورید؟	Nasılsınız?
خداحافظ	Güle güle	خوبید؟	İyimisiniz?
خوب	İyi	این چند است؟	Bu ne kadar?
زیبا	Güzel	می توانم سوالی بکنم؟	Bir soru sorabilir miyim?
بله	Evet	می توانم اینجا بنشینم؟	Burada oturabilir miyim?
نه	Hayır	مسئول اینجا شماید؟	Buraya siz mi bakıyorsunuz?
خیلی	Çok	کجاست؟	Nerede?
کم	Az	نزدیک است؟	Yakın mıdır?
دریا	Deniz	چطور می توانم به آنجا/فلانجا بروم؟	Oraya/...ye nasıl gidebilirim?
دوست	Arkadaş	من ایرانی هستم	Ben İranlıyım
فامیل	Akraba	ترکی خیلی بلد نیستم	Türkçe pek bilmiyorum
خیابان	Cadde	شما اینجا ساکن هستید؟	Siz burada mı oturuyorsunuz?
کوچه	Sokak	یک لحظه تشریف می آورید؟	Bir dakika bakarmısınız?
مغازه	Dukkan	لطفاً صورتحساب ما را بدهید	Hesap lütfen.
هتل	Hotel	تخفیف می دهید؟	İndirim yaparmısınız?
ارزان	Ucuz	ارزاترش را دارید؟	Daha ucuzu var mı?
گران	Pahalı	دست شما درد نکند.	Elinize sağlık
غذا	Yemek	از راهنماییتان ممنونم	Yardımcı olduğunuz için teşekkür ederim

Bir sorun mu var?	مساله ای هست؟	Açık	باز
Yardım edebilir miyim?	می توانم کمکتان بکنم؟	Kapalı	بسته
Yardım edermisiniz?	کمک می کنید؟	Yeni	نو
Bu adresi biliyormusunuz?	این آدرس را بلدید؟	Yakın	نزدیک
Ne kadar alırsınız?	چقدر می گیرید؟	Uzak	دور
Merak ettim.	کنجکاو شدم.	Oda	اتاق
Yardımaınıza ihtiyacım yok. Sağ olun.	نیازی به کمک شما ندارم. مرسی	Koridor	راهرو
Benim misafirimsiniz/ Ben ısmarlıyorum.	شما مهمان من هستید. (من حساب می کنم.)	Anahtar	کلید
Hesabı nasıl yaptınız?	چه جوری حساب کردید؟	Çamaşır yıkamacı	خشکشویی
Allah razı olsun.	خداوند از شما راضی باد.	Yaya	پداده
Kariye müzesi nerde?	موزه کاریه کجاست؟	Müze	موزه
... Camiine yakın bir yerde indirirmisiniz?	لطفاً نزدیک مسجد ... پیاده کنید.	Cami	مسجد
Bu köprünün adı ne?	نام این پل چیست؟	Köprü	پل
Edirne kapıya geldik mi?	به دروازه ادرنه رسیدیم؟	Kapı	دروازه
İstasyona çok var mı daha?	به ایستگاه خیلی مانده هنوز؟	İstasyon	ایستگاه (قطار)
İyi dinlenebildiniz mi?	خوب استراحت کردید؟	Durak	ایستگاه (مترو، تراموا و ...)
Affedersiniz	بخشید	Çarşı	بازار

آداب خرید در استانبول:

بسیاری ایرانی ها استانبول را به قصد خرید انتخاب می کنند به ویژه خرید پوشاک و البسه با پارچه های ترک که یکی از بهترین دوخت ها را در دنیا دارند. از این رو باید گفت استانبول گزینه خوبی برای خرید است. استانبول با دارا بودن مراکز خرید بسیار محبوبیت زیادی میان همه علاقه مندان به خرید در دنیا دارد. جالب است بدانید یکی از سوغاتی های ترکیه که به همه نقاط دنیا صادر می شود قلیان است. قلیان که در کشورهای اروپایی به شیشه معروف است از ترکیه به صورت سوغاتی و یا به گونه های مختلف صادر می شود.

شاید مهمترین خرید استانبول پارچه و پوشاک و البسه است. بهترین نقاط برای این منظور خیابان استقلال (بی اوغلو)، خیابان اردو (لاله لی)، خیابان بغداد (کادی کوی)، خیابان روم ائلی (عثمانیه و نشان تاشی) و محله مرت آر می باشند. خیابان استقلال از جمله معروف ترین خیابان های شهر استانبول است که آخرین دستاوردهای صنعت پوشاک و کیف و کفش در آن قابل تهیه است. مهمترین مراکز مدرن خرید استانبول در قسمتی تحت همین عنوان متعاقب برجسبهای گردشگری شهر آورده شده است. در اینجا فقط به تعدادی از بازارهایی که جنس و قیمت مناسب قابل تهیه است اشاره میشود. کوچه بین قاپالی چارشی و بازار صحاف ها (که ترک ها به آن صحافلار چارشیسی و چنار آلتی میگویند) در منطقه بیازیت از جمله نقاط مناسب برای خرید است. بازار هورهور در نزدیکی آک سارای مرکز خرید میلان و دکوراسیون خانه است. از بازارهای دیگر می توان به بازار روز «چوکورجوما» در منطقه جهانگیر (نزدیک میدان تقسیم) و کوچه «بویوک حمام» در منطقه اسکودار اشاره کرد. آداب خرید در کشور ترکیه تقریباً عین کشور ایران بوده و مخصوصاً فرهنگ چانه زنی هنوز به حیات خود ادامه می دهد. پول رسمی ترکیه لیره ترک است که نرخ برابری آن بدلیل نوسانات زیاد مداوماً در حال تغییر است. (هر یک لیره ترک در ابتدای سال ۱۳۹۱ حدود ۱۱۰۰ تومان ایران بود). لیکن باز هم بهترین گزینه برای خرید از ترکیه استفاده از لیره است.

غذاهای استانبول، آداب غذا خوردن و رستورانها:

ترکان، حقیقتاً ملتی قانع هستند و علاوه بر اینکه در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود به زندگی در شرایط سخت نیز عادت کرده و آبدیده شده اند، لکن این موضوع به مذاق و طبع آنها تاثیر مخربی نگذاشته است. از جمله، ترکان به غذا و ذائقه خود در مواد غذایی و خوراکی اهمیت می دهند و این باعث شده است تا مطبخ ترک بصورت یکی از مطبخ های برگزیده جهان درآمده و امروز در بین سه مطبخ مطرح جهان قرار گیرد.

مطبخ استانبول نیز با ویژگی های کلی سنت آشپزی ترک کاملاً مطابقت می کند. علت این امر نیز البته این است که این شهر زیبا سالهای زیادی پایتخت دولت عثمانی بوده است. ترکها فرهنگ غذایی آسیای میانه را با فرهنگ بیزانس، ایران، عرب و اروپا عجین ساختند و سفره ای غنی و متنوع را بوجود آوردند. استانبول بعنوان پایتخت امپراطوری که بالهایش را تا سه قاره گسترده بود، محل تجمع استادان آشپزی با مهارتها و ذوق های مختلف متعلق به نواحی مختلف جغرافیایی بود. با این تفاسیل، میتوان گفت که مطبخ استانبول مطبخی خاص به خود است که با داشتن جزیی از تمامی خصوصیت های آشپزی دیگر مناطق، سفره ای متفاوت، متمایز و جذاب در جهان است.

سفره استانبول سفره ای آماده شده با دستورهای متنوع غذایی، قوانین سلامتی و بهداشت، استادی و قناعت است. در سایه همین میراث و فرهنگ اصیل غذایی است که سفره ترک تا امروز در برابر فرهنگ "Fast Food" که در تمام دنیا شایع شده، بخوبی مقاومت نشان داده است.

با آنکه در سفره غذایی استانبول، «گوشت» حرف اول را می زند، باز هم بعلت تنوع سبزی ها و میوه جات در آناتولی، گوشت به تنهایی نتوانسته است نقش اول این سفره را به خود اختصاص دهد. حتی در برخی از دستورهای غذایی میوه هایی مثل لیمو، سیب و زرد آلو در کنار گوشت قابل مشاهده هستند.

از غذاهای مخصوص و با ماهیت محلی می توان به بۆرک مخصوص صبحانه، مزگیت (نوعی ماهی است که بعد از سرخ کردن به همراه لیمو و سبزی پیاز سرو می شود)، بینگؤل کوفته سی (کوفته بینگؤل)، مانته (غذایی سنتی است که شبیه آن تحت نام بولاماج در روستاهای مناطق ترک نشین ایران نیز تهیه می شود)، کالامار (نوعی ماهی است که به صورت گرد بریده شده و سرخ می شود مانند سرخ

کردن سوسیس و با نوعی سس مخصوص سرو می شود، چپی کؤفته (کوفته خام)، شوپرا (نوعی ماهی سرخ شده با سس مخصوص)، کوزو شیش (کباب بره)، اسکندر کباب (کباب اسکندر)، انواع صدف و سالاد که ذیلاً به چند نوع آن اشاره می گردد:

سالادی به نام پیاز، روس سالادی (سالاد روس، تقریباً شبیه الویه است)، سالاد آزمه (فلفلای و تند است)، میوا پلاکی که با صدف تهیه می شود، فاسیو پلاکی یا لوبیای یونانی، شاک شولا که از بادمجان درست می شود و دنیز بؤجه یی یا ماش دریایی.

در سفره استانبول در کنار غذاهای اصلی، می توانید منوی متنوعی از شیرینی جات، دسرهای و نوشیدنی ها را نیز ببینید. یکی از جذابترین قسمتهای تشکیل دهنده مطبخ ترکیه و استانبول، شیرینی ها و دسرهای آن هستند. تمامی جهانگردانی که از استانبول گذر کرده اند، از تنوع و طعم زیبای این شیرینی ها سخن گفته اند. شیرینی جات این سفره رنگین را میتوان به سه دسته میوه ای، شیرینی جات تهیه شده از شیر و شیرینی جات خمیری تقسیم نمود.

شیرینی جات میوه ای مثل مرباها بیشتر در سفره صبحانه بکار میروند. تنوع زیاد میوه در جغرافیای ترکان باعث شده است که تقریباً از هر نوع میوه، سبزی و حتی خشکبار مربا تهیه شود. نوع دیگر شیرینی تهیه شده با میوه ها نیز کمپوت ها یا «خوشابها» هستند که بعنوان دسر در کنار غذاهای اصلی صرف می شوند. خوشابها که از پختن یا نگهداشتن میوه جات در آب تهیه میشود انواع مختلفی دارند که از میان آنها میتوان به کمپوت زردآلو، سیب، به، انگور و حتی پسته اشاره نمود.

اما مارمالاد هم از بخشهای پر طرفدار سفره ترک است. اگر مربا بصورت آبمیوه یخ زده تهیه شود شبیه ژله میشود که اهالی قدیم شهر به این دسر ژله مانند نام «پلته» داده بودند.

یکی از مشهورترین انواع شیرینی جات تهیه شده با شیر محلی ها هستند. محلی ها که شبیه به پودینگ هستند بسته به موادی که به آنها اضافه میشود و یا طرز پختشان، به نامهای مختلفی خوانده شده و بنا به عادت قدیم با گلاب یا دوشاب خورده می شوند.

از دیگر انواع دسرهای تهیه شده از شیر می توان به «سوتلاچ»، «کشکول»، «تاووق قوغوسو» و «گوللاچ» اشاره نمود که معمولاً پیش از سرو با بادام، پسته و پودر نارگیل تزیین میشوند.

در میان این دسته «گوللاچ» جایگاه ویژه ای دارد. این دسر خوشمزه که بیشتر مخصوص ماه رمضان است، از خیس کردن یوفکا و یا خمیر ورقه ای با شیر و قرار دادن سرشیر، محلبی و بادام و گردو در میان آن تهیه میشود.

شیرینی های خمیری استانبول هم چه از لحاظ ظاهر و چه از لحاظ طعم و مزه بسیار مسحور کننده هستند. کم زحمت ترین و رایج ترین این شیرینی ها، حلوا است. حلوا همچنین ماهیت سنتی و فرهنگی داشته و از این لحاظ نیز حائز اهمیت است. سنت گفتگو و صحبت همراه با حلوا یکی از قدیمی ترین سنتهای خانواده های ترک است. حلوا همچنین در ایام دینی و یا برای طلب آمرزش برای روح مردگان نیز پخته میشود. حلوا با آرد، نشاسته و بادام پخته شده و در سفره صبحانه یا بعنوان دسر و عصرانه صرف میشود.

شیرینی هایی چون باقلوا، بورما، خانیم گوْبه یی و کاداییف و همچنین «لوکوم» هم از شیرینیجات با جایگاه ویژه در ترکیه هستند. در این میان، «لوکوم» که نام آن در طول زمان از «راحت الحلقوم» عربی گرفته شده، بسیار رایج است.

در سفره استانبول، مطلوبترین آشامیدنی آب است. اهالی استانبول که صدها سال میانه خوبی با نوشیدنی های الکلی نداشته اند، به آبهای معدنی که بسته به منبعشان طعم های مختلفی نیز دارند، اهمیت زیادی قایلند. کیفیت آب آشامیدنی بقدری برای مردم استانبول مهم بود که از دیر باز متخصصینی برای تشخیص طعم و منبع آن می گمارده اند. این متخصصین علاوه بر تشخیص طعم، می توانستند بگویند که کدام آب برای کدام ناراحتی مفیدتر و بهتر است.

از دیگر آشامیدنی های رایج نیز آبمیوه ها هستند. معجونی با نام «شوروپ» که با آبمیوه هایی چون زغال اخته، آلبالو، لیمو، توت فرنگی، سیب، پرتقال و انگور تهیه می شود با اضافه کردن اسانسهایی از گلاب، نعنای، بابونه و بنفشه طعم خاصی پیدا می کند. این نوشیدنی ها که در گذشته با آوردن یخ از دل کوهها سردتر و گواراتر می شدند، اکنون نیز در یخچالها نگهداری میشوند.

اما یکی از اصلی ترین عناصر در بین نوشیدنی های استانبولی ها، چای و قهوه است. رایحه چای و قهوه که تقریبا بصورت سمبل حیات و زندگی در استانبول در آمده اند، در گوشه گوشه این شهر به مشام می رسد. قهوه که پیش از رواج چای، نوشیدنی بی رقیب استانبولی ها بود، با ورود چای نیز رتبه و جایگاه خاص خود را حفظ کرد. برای بسیاری از استانبولی ها، هنوز هم بالاترین لذت در نوشیدن قهوه زمانی است که تمامی مراحل درست کردن آن، از خرد کردن تا طبخ را تجربه کنند و تعبیر «قهوه ترک» برخلاف تصور، نه قهوه بدست آمده از باغات ترکیه، بلکه از شکل طبخ خاص آن نشأت می گیرد.

اما نوشیدنی دیگر رایج در استانبول نوشیدنی بنام «بوزا» است. این نوشیدنی که ریشه آن به آسیای میانه باز می گردد و ترکیبی از شیر و صعلب است با افزودن دارچین، قرنفل و یا زنجفیل بر روی آن نوشیده شده و به روزهای زمستانی استانبول حال و هوای دیگری می دهد.

در تمام شهر رستورانهای خوب و مناسب وجود دارند اما رستورانهای واقع در مثلث آکسارای- سلطان احمد- تقسیم بیشتر باب طبع جهانگردان عمل کرده و دارای منوهایی غنی تر و فرامرزی هستند. در آکسارای چند چلوکبابی با غذاهای ایرانی وجود دارند. چند رستوران نیز با منوی ترکی و قیمت ارزان در کوچه پس کوچه های واقع در روبروی ورودی بازارچه زیرزمینی آکسارای (Aksaray Yeraltı Carşısı) قرار دارند. در محلات کادی کوی، بششیکتاش، مجیدیه کوی، باکرکوی و اوسکودار نیز رستورانهایی بزرگ با کیفیت بالا وجود دارند. سعی کنید بیشتر از غذاهای مشهور محلی استفاده نمایید و از رستورانهایی استفاده کنید که قیمت غذاها در منوی آنها مندرج بوده و حداقلامکان مطبخ آنها در معرض دید باشد.

اقامت در استانبول:

انتخاب هتل مسلماً بستگی به بودجه مسافر دارد. هتلهای ۳ ستاره در استانبول بیشتر در منطقه آکسارای قرار دارد، ارزان بوده و نرخ آنها بین ۵۰ لیره (دو نفره) تا ۱۲۰ لیره متغیر است. نرخ هتلهای چهار ستاره و بیشتر برای اتاق دو نفری از حداقل ۱۰۰ لیره (در روزهای زمستان) شروع میشود. ساعات Chek In و Chek Out آنها نیز بین ۱۲ ظهر تا ۱۲ ظهر یا ۲ بعد از ظهر تا ۲ بعد از ظهر روز بعد تغییر می کند. در موقع انتخاب هتل این موضوع را از مسئول پذیرش جویا شوید. معمولاً برای مسافرانی که بعد از حدود ۷ صبح تا ظهر مراجعه می کنند، ورودیه تا ساعت Chek Out روز بعد محاسبه می شود. هتلهای ارزان قیمت واقع در آکسارای در حد مهمانپذیر میباشند و -چنانچه چندان خوشنام نبودن بخشهایی از اطراف آن را ندید بگیریم- بد نیستند، ولی در محلات سلطان احمد، سرکه جی، تقسیم و بیازیت هتلهای با کیفیت و بهتر از نقطه نظر امنیت و موقعیت بهتر وجود دارند. شاید هتلهایی چون هتل کیچیک و هتل مروه در آکسارای مکان مناسبی باشند. -لطفاً توجه داشته باشید که بنده تجربه چندانی در مورد هتلهای این منطقه ندارم. لیکن بدلیل ذهنیت منفی عمومی نسبت به آنجا، جهانگردان اروپایی را همواره به هتلهای واقع در سلطان احمد و سرکه جی هدایت می کنند- سرویس دهی در اکثر هتلهای سه ستاره استانبول بصورت اقامت و صبحانه میباشد. اما هتلهای ۴ ستاره و ۵ ستاره در استانبول مناسب برای خانواده ها و کسانی است که دوست دارند از خدمات بیشتر استفاده بکنند و از این لحاظ برخی از هتلهای واقع در سلطان احمد، بشیکتاش و شیشلی مناسبتر هستند. مخصوصاً اینکه در اکثر آنها پرستار بچه و امکانات تفریحی کودکان وجود دارد.

اسامی چند هتل سه ستاره و چهار ستاره خوب در نقاط مختلف شهر استانبول: اکثر هتلهای اطراف میدان سلطان احمد، هتل امرالد، کریستال و گلدن ایج در منطقه تقسیم، هتل کافکاس (قفقاز) در سرکه جی، گلدن استریت، دیو هاوس هتل، دیوا بوسفر آس و هتل ده ده مان در بشیکتاش، هتلهای چهار ستاره بلک برد و گراند هالیک واقع در آکسارای.

تعدادی از مشاهیر ادب و سیاست استانبول:

بولنت اجویت:

مصطفی بولنت اجویت (۱۹۲۵-۲۰۰۶) سیاست‌مدار، شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار ترک و نخست‌وزیر پیشین ترکیه بود. او در استانبول دنیا آمد و در کالج رابرت استانبول درس خواند. در دهه ۱۹۵۰ به آمریکا رفت. او به هنگام تحصیل در روزنامه‌های آنجا کار می‌کرد. پس از بازگشت به ترکیه به حزب جمهوری خلق پیوست و در ۱۹۵۷ به نمایندگی مجلس ترکیه انتخاب و در ۱۹۷۲ نخست‌وزیر ترکیه شد. در دوران نخست‌وزیری او بود که نیروهای ترکیه بنام دفاع از همزبانان قبرسی خود و نجات آنها از آزار و کشتار یونانی تباران وارد شمال قبرس شدند. همچنین در سال ۱۹۹۹ دستگیری عبدالله اوجالان در کنیا و انتقال وی به ترکیه در دوران کفالت نخست‌وزیری وی انجام شد. در سیاست چهره موفق‌ی بشمار می‌رود و محبوبیت زیادی بین مردم ترکیه کسب نمود. مردم از او با لقب «قارا اوغلان» (پسر سیاه) یاد می‌کنند. به عنوان شاعر و نویسنده و مترجم، او آثار بسیاری از جمله ترجمه شعرهای تی. اس. الیوت را منتشر کرده است.

اجویت در پنجم نوامبر ۲۰۰۶ پس از مدتی طولانی که در حال اغما بود درگذشت.

عزیز نسین نویسنده و طنزپرداز نامی ترک:

عزیز نسین در ساحه داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه، شعر، افسانه و ... آثار متعددی از خود بجای گذاشته است. بسیاری از داستان‌های او گاه به صورت جدا و بیرون از مجموعه‌های خود و گاه در قالب اصلی کتاب‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند. از داستان‌هایی که به فارسی ترجمه شده می‌توان به این داستان‌ها اشاره کرد: پخمه، حقه‌باز، خری که مدال گرفت، زن بهانه‌گیر، عروس محله، گردن کلفت، یک خارجی در استانبول، نابغه هوش، مگر تو مملکت شما خر نیست؟، چگونه حمدی فیل دستگیر می‌شود؟، غلغلک، زن و سواسی، مرض قند، طبق مقررات، گروهک کرامت و گروهک سلامت و شارلاتان.

نسین درکنار طنزهای نیشدار خود در ضمن با گرایش و افکار چپی اش شناخته می‌شود. نسین در یکی از معدود مقالات جدی خود از آنهایی که خود را جمهوری‌تچی (جمهوریخواه) یا آتاتورکچی (طرفدار آتاترک) می‌نامند به عنوان کسانی

که در حقیقت از این نقاط خرج کرده و آنها را می فروشند نام می برد و در توضیح منظور خود از مثالهایی چون کهنه چی، میوه چی که کارشان کهنه فروشی و میوه فروشی است استفاده میکند! در جایی دیگر در توضیح معنی نام خانوادگی خود، نسین، به قانون نام خانوادگی اشاره کرده و به مزاح می گوید: در آنموقع هر کس چیزی را که نداشت و یا دوست داشت به آن شهره شود به عنوان نام خانوادگی برگزید. لیکن پدر من نام پر مسمی «نسین» (نه سن؟= چه هستی؟) را انتخاب نمود تا فرزندانش برای نشان دادن اینکه چه هستند تلاش کنند و از همین روست که ما کورکماز (نترس)، اوستون (برتر)، گوژل (زیبا) و یا از این قبیل نیستیم! عزیز نسین برنده جوایز بین المللی متعددی نیز بوده است.

رجب طیب اردوغان، شاعر، سیاستمدار:

متولد شهر استانبول است. خانواده او از مهاجران گرجی از شهر باتومی به شهرستان ریزه در شمال شرق ترکیه بوده‌اند. (او این موضوع را در سفری به گرجستان در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد). اردوغان در مدرسه مذهبی امام خطیب و مدرسه عالی اقتصادی و تجاری آک سارای که بعداً به دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مرمه تغییر نام داد، تحصیل کرده‌است. او مدتی نیز در یک باشگاه فوتبال محلی به شکل نیمه حرفه ای بازی کرده است. او سپس در اداره حمل و نقل شهر استانبول شروع به کار کرد. اما در سال ۱۹۸۰ با رد تقاضای رئیس خود برای ترانشیدن ریش از ادامه کار امتناع کرد.

اردوغان در ۴ جولای ۱۹۷۸ با خانم امینه ازدواج کرد و دارای چهار فرزند (دو پسر و دو دختر) می‌باشد. او از محدود سیاستمداران ترکیه است که قادر به تکلم به هیچ یک از زبان‌های خارجی نیست.

رجب طیب اردوغان شهروند افتخاری تهران است.

در اواخر دهه ۸۰ اردوغان به حزب رستگاری ملی به رهبری نجم‌الدین اربکان پیوست. ترکیه در اواخر دهه ۸۰ شاهد درگیری‌هایی خونین بین گروههای چپ‌گرا و راستگرا بود که منجر به کودتای ۱۹۸۰ ترکیه شد. پس از این کودتا احزاب سیاسی از جمله حزب رستگاری منحل شدند. اردوغان پس از این کودتا از شرکت حمل و نقل خارج

شد و در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شد. او در سال ۱۹۸۲ خدمت سربازی خود را آغاز کرد.

پس از آنکه سیستم حزبی دوباره در سال ۱۹۸۳ احیا شد. اعضای حزب رستگاری حزب جدیدی به نام حزب رفاه را ایجاد کردند که اردوغان نیز به این حزب پیوست. اردوغان چندین بار کاندیدای انتخابات پارلمانی در اواخر دهه ۱۹۸۰ شد که تا سال ۱۹۹۱ در هیچ کدام آرای کافی را به دست نیاورد. در سال ۱۹۹۱ حزب رفاه با به دست آوردن ده درصد آراء توانست حداقل آراء برای حضور به عنوان حزب در پارلمان را به دست آورد. اردوغان نیز از شهر استانبول به عنوان نماینده انتخاب شد.

در سال ۱۹۹۴ اردوغان شهردار استانبول شد. او در دوران تصدی پست شهرداری به محبوبیت رسید. اردوغان طرح‌هایی را در این زمان برای بهبود سیستم حمل و نقل استانبول اجرا کرد. در همین دوره گروه‌های اسلامی دچار اختلاف نظر شدند. برخی از اقدامات اردوغان نیز به این اختلافات دامن زد از جمله اینکه او جشن گرفتن سال نو میلادی را یک اقدام منطبق با اصول سکولاریسم دانست و اعلام کرد هیچ دلیلی برای جلوگیری از این جشن وجود ندارد. او همچنین درباره دست دادن افراد با جنس مخالف نیز گفت که این موضوع یک عادت اجتماعی و پذیرفتنی است.

در سال ۱۹۸۹ و پس از شکست در انتخابات شهرداری بی اوغلو، اردوغان به دادگاه شکایت کرد اما دادگاه شکایت او را بی اساس دانست. اردوغان خطاب به قاضی گفت: «حق نداری مانند مست‌ها حکم صادر کنی». این سخن اردوغان موجب بازداشت یک هفته‌ای او در زندان بایرام پاشا شد.

در سال ۱۹۹۸ اردوغان به علت خواندن یک شعر اسلامی به ۱۰ ماه حبس محکوم شد اما تنها ۴ ماه در زندان ماند. علیرغم محکومیت جزایی اردوغان، حزب رفاه، که در آن زمان اکثریت مجلس ترکیه را در اختیار داشت با تصویب قانونی راه را برای کاندید شدن اردوغان هموار نمود. او در سال ۲۰۰۲ از شهر سیرت به عنوان نماینده وارد مجلس ترکیه شده و به عنوان نخست وزیر انتخاب شد.

اردوغان در اولین سفر خود به آمریکا جایزه کمیته آمریکایی یهودیان را دریافت کرد. او اولین فرد مسلمانی است که این جایزه را دریافت کرده است. اردوغان مشروبات الکلی مصرف نمی‌کند. او در دوره شهرداری خود در استانبول محدودیت‌هایی را در

مصرف نوشیدنی‌های الکلی در رستورانها ایجاد کرد. در دوره نخست وزیری او محدودیتی در مصرف نوشیدنی‌های الکلی ایجاد نکرد، ولی مالیات بر مشروبات الکلی و تنباکو را تحت عنوان مالیات بر مصرف افزایش داد.

در زمان اردوغان تلاش‌ها برای عضویت در اتحادیه اروپا افزایش پیدا کرد. دولت او سعی در اصلاح بسیاری از قوانین برای دست یافتن به استانداردهای اروپا کرد.

ماجرای پر جنجال داووس سوئیس: اردوغان در داووس سوئیس در برنامه‌ای که پیرامون موضوع غزه برگزار شده بود شرکت کرده بود و پس از سخنرانی شیمون پرز که در حمایت از نبرد علیه حماس بود، شروع به سخنرانی کرد و در مخالفت با این جنگ گفت: جناب پرز! شما از من مسن‌تر هستی، صدایت هم خیلی بالا می‌رود. معتقدم که این طور بالا رفتن صدای شما ریشه در یک احساس روانی گناه دارد اما مطمئن باش که صدای من این طور بالا نخواهد رفت. پای کشتار که وسط بیاید، شما خوب بلدید بکشید. من خوب می‌دانم که شما در سواحل چطور بچه‌ها را هدف می‌گیرید و می‌کشید. در سرزمین شما دو نخست وزیر پیشین بودند که حرف‌هایی دارند که برای من مهم است. شما نخست وزیرانی داشتید که می‌گفتند: «وقتی بر روی تانک وارد سرزمین‌های فلسطین می‌شوم، در خود احساس لذت می‌کنم». شما با من با ارقام صحبت کردید، من هم حاضرم نام این افراد را ببرم، شاید در میان شما کسی کنجکاو باشد که بداند. من کسانی را هم که برای چنین ظلمی کف می‌زنند تقبیح می‌کنم، زیرا فکر می‌کنم، تشویق این قاتلین کودکان، و این قاتلین انسان‌ها، خود نوعی جنایت علیه بشریت است. توجه کنید. در این جا نمی‌توانیم از یک حقیقت صرف نظر کنیم.

قبل از پایان سخنان وی، مدیر جلسه سعی کرد با دستش اردوغان را آرام کند. اما اردوغان از جای خود برخاست و جلسه را ترک کرد و بلافاصله به ترکیه بازگشت و در پی بازگشت در فرودگاه مورد استقبال گروهی از مردم قرار گرفت. اردوغان پس از بازگشت به ترکیه اعلام کرد که هیچ تصمیمی درباره روابط اسرائیل و ترکیه گرفته نخواهد شد.

تانسو چیلر، اقتصاددان و سیاستمدار:

متولد ۹ اکتبر ۱۹۴۶ استانبول است. از دانشکده اقتصاد دانشگاه بغازیچی دانش‌آموخته شد. چیلر دکترای خود را از دانشگاه کننیکت آمریکا دریافت کرد و تحصیل خود را در مرحله فوق دکترا در دانشگاه ییل به پایان رساند. او در سال ۱۹۸۳ استادیار شد و در ۱۹۷۸ به استادی دانشگاه رسید. وی اولین نخست وزیر زن تاریخ جمهوری ترکیه است.

اورهان پاموک؛ نویسنده:

اورهان پاموک در خانواده‌ای پراولاد و مرفه در محله نیشان تاشی استانبول متولد شد. او دروس متوسطه را در کالج آمریکایی رابرت در استانبول گذراند. (اصلاً اهل شهرستان قارص در شرق‌ترین نقطه ترکیه بوده اند). پس از پایان تحصیلات متوسطه به اصرار خانواده خود به ادامه تحصیل در رشته معماری در دانشکده فنی استانبول مشغول شد، هرچند پس از مدتی این رشته را نیمه‌تمام رها کرد.

او سپس در دانشگاه استانبول و در رشته روزنامه نگاری به تحصیل پرداخت و فارغ-التحصیل شد. با این حال هیچ گاه کار روزنامه نگاری نکرد.

اولین رمانش *آقای جودت و پسران* را که حکایت خانواده‌ای متمول و پرتعداد است در سال ۱۹۸۲ نوشت. این کتاب جوایز ملی اورحان کمال و کتاب سال را برایش به ارمغان آورد.

پاموک بعد از انتشار رمان *قلعه سفید* کرسی تدریس ادبیات داستانی را در دانشگاه کلمبیا پذیرفت و به همراه همسرش از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸ مقیم نیویورک شد.

این رمان تقریباً به همه زبان‌های اروپایی ترجمه شد. او در این رمان رفاقت یک دانشمند عثمانی را با برده‌ای رومی روایت کرده‌است.

اوج شهرت پاموک زمانی بود که رمان «نام من سرخ است» را در سال ۱۹۹۸ منتشر کرد. کتاب مزبور انبوهی از جوایز ادبی در کشورهای مختلف را برایش به ارمغان آورد.

سال ۲۰۰۲ رمان برف را منتشر کرد که خودش آن را نخستین و آخرین رمان سیاسی در کارنامه کاریش خواند. ضمیمه روزنامه نیویورک تایمز سال ۲۰۰۴ این رمان را یکی از ۱۰ رمان برتر جهان معرفی کرد.

پاموک سال ۲۰۰۳ کتابی با عنوان استانبول منتشر کرد که در واقع اتوبیوگرافی نویسنده است. بسیاری این کتاب را یکی از بهترین اتوبیوگرافی های نویسندگان ادبی می دانند.

آخرین رمان او موزه معصومیت نام دارد که به موضوع عشق های ممنوعه در کشورهای اسلامی می پردازد.

او به سال ۱۹۸۲ ازدواج کرد و در سال ۱۹۹۱ اولین فرزندش که دختری است به دنیا آمد. پاموک اکنون به اتفاق خانواده اش مقیم استانبول است.

پاموک برنده جوایز بین المللی متعددی از جمله جایزه نوبل ادبیات به سال ۲۰۰۶ میلادی میباشد.

برچسبهای عمده گردشگری شهر

در این قسمت بر اساس معیارهای تاریخی و فرهنگی به معرفی برچسبهای اصلی شهر چون برج گالاتا، برج دختر، مساجد سلطان احمد، سلیمانیه، فاتح و بیازیت، کاخ/موزه های توپ قاپی، دولماباحچه و آیالیرنه، قاپالی چارشی (بازار سرپوشیده)، بازار مصر، هیپودروم (میدان سلطان احمد) و سنگهای باستانی سه گانه، چشمه آلمان، کلیسا/مسجد/موزه آیاصوفیه، آب انبار یثرب باتان، موزه های سه گانه باستانشناسی، کلیسای سنت آنتوان، موزه نظامی، موزه آثار ترکی- اسلامی، مجموعه مینیاتورک، برج و باروهای شهر، موزه پانورامای استانبول ۱۴۵۳ و اطلاعات علاوه در مورد جزایر چهارگانه پرنس، تور بغاز، پل تنگه و ... می پردازیم. علاوه بر موارد مندرج در این کتاب، برچسبهای گردشگری دیگری از جمله چند کاخ، مسجد، موزه و کلیسا در سطح شهر موجود می باشند. بسیاری از اینها را شما در سر راه خود خواهید دید، اما بازدید کامل از تمامی اینها حداقل بیست روز زمان می برد و اینجانب در حد وسع و در قسمت برنامه گردشی به شرح برخی از آنها پرداخته ام.

مسجد سلطان احمد:

این مسجد در سال ۱۶۰۹ به دستور سلطان احمد اول و توسط معمار «صدفکار محمد آقا» ساخته شد. این مسجد که یکی از قدیمی ترین مساجد استانبول است شاهکار معماری اسلامی نامیده میشود و بدلیل اینکه در سرامیک ها، چینیها و بخصوص در قبه ها از رنگ آبی بسیار استفاده شده است (مثل گوی مسجد در تبریز) اروپاییها آن را مسجد آبی می نامند.

این شاهکار فراتر از یک مکان عبادی است. ارتفاع در قبه مرکزی ۴۳ متر و قطر قبه مرکزی ۲۴ متر می باشد و دور تا دور صحن با ۲۰۰ هزار چینی تولید شده در شهر ایزنیک (در فاصله یکصد و پنجاه کیلومتری استانبول به طرف اسکی شهر و آنکارا) به رنگ زرد و آبی تزیین شده است. این مسجد زیبا در عین حال که به انسان آرامش و حضور می بخشد، واقعا بزرگ و مرتفع بوده و از این جهت شکوهی مانند ایاصوفیه دارد و یکی از هدفهای ساخت آن نیز نشان دادن شکوه معماری ترکی- اسلامی به مسیحیان بود که در سالهای بعد نیز این سبک توسط معمار سینان یکی از معماران مشهور و برجسته ترکیه و جهان توسعه داده شده و ادامه یافت. قبه خارجی مسجد، شبیه قبه مسجد سلیمانیه است. در قسمت غربی این مسجد دری وجود داشته که فقط سلطان و با اسب میتواند از آن وارد شود و در آستانه، زنجیری سمبلیک آویزان بوده تا وقتی سلطان احمد با اسب وارد می شود سر خود را خم کند و این نوعی یادآوری به پادشاه بود که خود را هنگام ورود به مسجد مرتب کند. مسجد سلطان احمد شش مناره دارد. گویا در آنزمان وقتی تعداد منارهها اعلام شده بود، عدهای از سلطان انتقاد کرده و وی را به علت تقلید از شش مناره مسجد الحرام در مکه مورد نکوهش قرار داده بوده اند. بدین سبب سلطان عثمانی دستور ساخت مناره هفتم مسجدالحرام را داد تا این معترضان را آرام کند. مسجد سلطان احمد در ضلع غربی هیپودروم استانبول یا آت میدانی چیزی که خود ترکها می گویند- واقع شده و به زیبایی و شکوه میدان افزوده است. چنانکه میدان بیشتر به نام میدان سلطان احمد معروف می باشد.

این مسجد بدلیل باز بودن برای انجام فرایض دینی همیشه بین نماز صبح تا نماز خفته جهت بازدید باز می باشد.

کاخ/موزه توپ قابی:

این اثر تاریخی منحصر به فرد که در طول قرون ۲۰-۱۵ مرکز امپراتوری عثمانی و به تعبیر استعاره، مرکز حاکمیت بر سه قاره و هفت دریا بوده است بروی تپه آکرپول، اولین نقطه تاسیس این شهر و جایی که آبهای دریای سیاه (نام این دریا از سوی ترکان نهاده شده و تعبیر سیاه در مورد این دریا درست نمی باشد، چه، واژه «قارا» یا «قره» در ترکی علاوه بر معنی «سیاه» -بخصوص همراه با پسوند «جا»- به معنی «بزرگ» نیز می باشد. مثل قراجیه داغ یا قره داغ، قره باغ و ... و مرمره در پای آن به هم میرسند و طبیعت تمامی عزم خود را برای نمایش زیباییهای خود بکار برده، واقع شده است. این کاخ بر روی زمینی به مساحت هفتصد هزار مترمربع ساخته شده و با دیوارهایی به طول تقریبی ۵ کیلومتر احاطه گردیده است. ساختمان کاخ توپ قابی ۱۳ سال بعد از فتح شهر از سال ۱۴۶۶ شروع و در سال ۱۴۷۸ پیش از فوت سلطان محمد فاتح با ساخت دیوار مشرف به هیپودروم و دروازه آن که به نام باب همایون مشهور است ساختمان کاخ پایان پذیرفته است. با احداث باب همایون، مجتمع اصلی از شهر جدا گردیده و کلیسای آیاایرنی - که بعنوان اسلحه خانه از آن استفاده میشد- و ضریخانه -محل ضرب سکه- در داخل حیاط هُنگ قرار گرفته است. این کاخ از دوره سلطنت سلطان محمد فاتح تا سی و یکمین سلطان عثمانی، سلطان عبدالمجید، به مدت تقریبی چهارصد سال محل اقامت پادشاهان عثمانی و مرکز رسمی اداره امپراتوری بوده است. ساختمان این کاخ بر خلاف سایر کاخهای اروپایی یک ساختمانایی نبوده و از مجموعه کاخ ها و واحدهای نیمه مجزا تشکیل شده است. ساختمانهایی مانند سالن عرض حال زیر گنبد، سالن ویژه، خزانه، سالن فقر، آشپزخانه ها، سالن بیماران، حمام، مسجد آغلار که اکنون تبدیل به کتابخانه شده است و غیره. در قسمتی از موزه، سالن مشهور «امانات مقدس» قرار گرفته است که نمونه ای از لباس پیامبر اسلام (ص)، لباس حضرت فاطمه (ع)، زیر انداز خانه حضرت علی و فاطمه (علیهما سلام)، شمشیر حضرت علی (ع)، تازی از موی سر پیامبر (ص)، لباس خونین حضرت امام حسین (ع) و اقلام دیگری از اشیاء مربوط به اهل بیت و نیز برخی از صحابه و بزرگان صدر اسلام در آن به نمایش گذاشته شده و با دقت بسیار از آنها مراقبت میشود.

جمعیت کاخ در دوران سلطان فاتح حدود ۷۵۰ نفر بوده که با افزایش تدریجی آن در اوایل قرن بیستم به جمعیتی حدود ۵۰۰۰ نفر و در روزهایی مانند عید به ۱۰۰۰۰ نفر می رسیده است. به همین جهت ساختمانهای جدیدی در طول زمان به آن اضافه شده است. حرمرای کاخ توپ قاپی در دوران سلطان مراد سوم در بین سالهای ۱۵۹۵-۱۵۷۴ ساخته شده و پس از آن اهالی حرم که در بیازیت بودند به اینجا منتقل شده اند.

کاخ از تاریخ ۳ آوریل ۱۹۲۴ کمتر از یکسال بعد از تاسیس جمهوری ترکیه و بعنوان اولین موزه دوره جمهوریت برای بازدید عموم گشوده شده است. محل موزه فعلی حدود ۸۰۰۰۰ مترمربع است.

قسمت حرم نیز که مربوط به زندگی خصوصی سلاطین می گردد در قسمت مشرف به خلیج قرار گرفته است. ورود به این قسمت در طول تاریخ جریان حیات در آن، به غیر از سلاطین، بانوان و کنیزان حرم، خواجه های محافظ برای همه ممنوع بوده است. این قسمت برای گردش گروهی و از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۵ بعد از ظهر در ایام تابستان و تا ساعت ۴ در ایام زمستان باز می باشد. در مورد روزهای باز نیز بدلیل قرار گرفتن در محوطه کاخ/موزه توپ قاپی متاثر از آن میباشد. حرم نیز همچون قسمت اندرونی دارای بخشهای مختلفی است.

کاخ/موزه توپ قاپی به غیر از روزهای سه شنبه همه روزها از ساعت ۹ صبح تا ۴ بعد از ظهر به روی گردشگران باز می باشد.

قاپالی چارشی (بازار سرپوشیده):

بازار سرپوشیده استانبول به نام قاپالی چارشی همانند یک حلزون غول آسا با حدود ۶۰ کوچه (سرای) و بیش از ۳۰۰۰ مغازه، یکی از قدیمی ترین و بزرگترین بازارهای سرپوشیده جهان (بزرگترین بازار سرپوشیده جهان همانگونه که معلوم همگان می باشد، بازار تبریز معروف به اوستو اورتولو بازار می باشد) است که در مرکز استانبول واقع شده است. این شهرک سرپوشیده با گذشت زمان و اقتضای تجارت در حال توسعه، بزرگ و بزرگتر شده است. بازار سرپوشیده در قرن پانزدهم ساخته شده و در سالهای آغازین حیات خود با دیوار محصور و سقف آن نیز با تعدادی گنبد پوشیده بوده است. در قرون بعد سقف کوچه های تازه تاسیس نیز پوشانیده شده و بصورت یک بازار و مرکز خرید و فروش بزرگ به شکل فعلی در آمده است. سابقا در اینجا در هر کوچه (سرای) یک صنف مشغول به کار بوده است که تولیدات دستی خود را تحت کنترل شدید و با رعایت عرف عمومی و تجاری به فروش می رسانیده اند. در معبر اصلی بازار، اکثرا جواهر فروشان و در بازار کناری آن نیز طلا فروشان قرار دارند. امکانات خرید و فروش برای گروههای توریستی که به استانبول سفر میکنند، در مدخل ورودی بازار ساخته شده است. قاپالی چارشی در ساعات معمول بازار یعنی از حدود ۹ صبح تا حدود ۸ شب باز است. قیمتها در قاپالی چارشی استانبول برخلاف اوستو اورتولو بازار تبریز چندان مناسب نیست.

مسجد فاتح:

این مسجد از سوی سلطان محمد فاتح برروی کلیسای حواریون که پیش از فتح استانبول به خرابه ای تبدیل شده بود ساخته شده است. این مسجد همراه با وقف های ادیان مختلف یک مجموعه بزرگی را تشکیل می دهد. بنای این مجموعه توسط معمار سینان الدین یوسف در بین سالهای ۱۴۶۲-۱۴۷۰ ساخته شده است. معماری این مجموعه معماری خاص ترکی بوده و از معماری روم شرقی تاثیرپذیری نداشته است. آرامگاه سلطان محمد فاتح نیز در قسمتی از حیاط این مسجد قرار گرفته است.

کل منطقه قدیمی شهر استانبول فعلی، بر اساس تقسیمات اداری داخل شهری در یک واحد و با نام فاتح شناخته میشود. لیکن در زبان مردم شهر، فاتح به منطقه مسکونی واقع در امتداد خیابان یاووز سلطان سلیم که از سراچخانه آغاز و تا ادرنه قاپی ادامه می یابد گفته می شود.

این مسجد بدلیل باز بودن برای انجام فرایض دینی همیشه بین نماز صبح تا نماز خفته جهت بازدید باز می باشد.

مسجد و مجموعه سلیمانیه:

مجموعه از نظر شهرسازی، تکنیک، استقامت و پایداری یک موفقیت بی نظیر است. ۶ مدرسه، طبق خانه، عمارت، کاروانسرا، بیمارستان، حمام، مکتب خانه، حجره و دکانها و مقبره سلطان خرم و سلطان سلیمان قانونی، مجموعه سلیمانیه را به مجموعه فرهنگی- اجتماعی بزرگی تبدیل کرده است که پس از مجموعه فاتح، در نوع خود بزرگترین است. این مجموعه در بین سالهای ۱۵۵۷-۱۵۵۰ به دستور سلطان سلیمان قانونی و توسط معمار سینان ساخته شده است. در چهار گوشه این مجموعه، چهار مناره ساده و در عین حال ظریف بنا شده است که دو تای آن دارای ۲ گلدسته و ۲ مناره دیگر دارای ۳ گلدسته می باشند. این ۱۰ گلدسته نشانه آن است که سلطان قانونی دهمین سلطان عثمانی است.

در نقشه مسجد هیچ گوشه ای قربانی زیبایی گوشه دیگری نشده است. این عبادتگاه که مطابق با سلیقه و سنت های فرهنگی دوران خود ساخته شده، بدون تاثیر گذاری فنی و افراط در معماری، با ظرافت خاصی تزیین یافته است. علیرغم اینکه در اوج دوران هنر چینی سازی ساخته شده است، لیکن فقط دیوار محراب آن با چینی پوشیده شده است. در مقابل محراب مسجد، مقبره سلطان سلیمان قانونی قرار دارد. در سمت چپ این مقبره نیز مقبره سلطان خرم با چینی های بسیار زیبا و رنگهای متنوع و در گوشه سمت چپ آن نیز مقبره بسیار ساده معمار سینان مشهور قرار

دارد. در شبستان، مسجد سلیمانیه واقع شده است. معمار سینان (وفات ۱۵۸۸) این مقبره ساده و زیبای جالب توجه را خودش طراحی و ساخته است. این مقبره، ظرافت و سادگی ناشی از ذکاوت این استاد بزرگ را به نمایش میگذارد. این مسجد بدلیل باز بودن برای انجام فرایض دینی همیشه بین نماز صبح تا نماز خفته جهت بازدید باز می باشد.

هیپودروم، آت میدانی یا میدان سلطان احمد:

ستون تئودوسیوس (دیکلی تاش): این ستون که سالمترین سنگهای سه گانه هیپودروم می باشد متعلق به مصر قدیم است که این اثر در حدود سالهای ۱۵۴۷ پیش از میلاد به یادبود فرعون توتمنسیس سوم در هلیوپولیس برپا گردیده بوده است. این ستون از گرانیب صورتی یک پارچه ساخته شده است. برروی این ستون با خط هیروگلیف پیروزیهای توتمنسیس نوشته شده است. در سال ۳۹۰ میلادی از سوی تئودوسیوس امپراتور روم شرقی به استانبول آورده شده و در میدان هیپودروم کاشته شده است. در حجاریهای قسمت های پایه، تئودوسیوس اول، پسران، همسر، آرکدوئیس، هونوریوس و امپراتور والانتینیانوس دوم دیده می شود. همچنین تصاویری از هیپودروم و کاشته شدن ستون نیز دیده میشود.

ستون کنستانتین (اؤرمه تاش): در جبهه خارجی کاخ توپ قاپی و در مدخل ورودی پارک گلخانه از طرف سارای بورنو (دماغه کاخ) قرار داشته و از دوران روم تا به امروز و بدون هیچ تغییری باقی مانده و یکی از یادبودهای بسیار قدیمی است. این ستون که در قرن سوم و یا چهارم کاشته شده است دارای ۱۵ متر بلندی بوده و از مرمر مونولیت ساخته شده است. سرستون به سبک کورینت و به شکل عقاب می باشد. بواسطه وجود کتیبه ای که از پیروزی بر گوتها خبر می دهد این بنای یادبود را ستون گوتها نیز می نامند.

ستون مارپیچ (بیلاتلی ستون): این ستون در قرن چهارم میلادی از معبد آپولون واقع در دلفی به استانبول آورده شده است. اصل این ستون در سال ۴۷۹ پیش از میلاد با ذوب کردن غنایم و سلاح های برنز سربازان پرسه (هخامنشیان) که در جنگ پلاتیا با نیروهای متحد ۳۱ شهر یونان شکست خورده بودند ساخته شده است. ستون سه مار

تنیده در هم را نشان می‌دهد که از داخل دیگ بزرگ برنزی بیرون آمده، بصورت عمود بالا رفته و از آن بالا اطراف را می‌پایند. سرهای سه گانه بعدها بدلائل نامعلوم شکسته شده‌اند.

چشمه آلمان: در ورودی هیپودروم (پارک میدان سلطان احمد) از طرف آیاصوفیه قرار دارد. کلیه قطعات بنای این چشمه در آلمان ساخته شده و به یادبود دومین سفر امپراتور آلمان بنام ویلیام دوم بروی قناتها گذاشته شده است. سه گنبد این چشمه که در اول ژانویه ۱۹۰۱ یعنی در اولین روز قرن بیستم طی مراسم خاصی افتتاح گردید، از موزائیک های طلاکوب است.

برج گالاتا:

برج گالاتا در محله قدیمی گالاتا نزدیک بی اوغلو واقع گردیده و به سبب اهمیتی که حائز می‌باشد، به صورت یکی از نمادهای شهری استانبول درآمده است. بنای اصلی برج در سال ۵۲۸ میلادی از سوی امپراتور بیزانس، آناستاسیوس به عنوان فانوس دریایی احداث گردیده بوده است که قسمت اعظم آن در جریان لشکرکشی چهارم صلیبیان در سال ۱۲۰۴ تخریب شده و بعدها در سال ۱۳۴۸ میلادی از طرف ژنیهها تحت عنوان «برج عیسی» در گوشه شمالغربی باروهای محله/شهرک پرا بازسازی گردید. بعدها به ارتفاع آن افزوده شده و بعد از فتح شهر توسط ترکان نیز تقریباً هر صد سال یکبار مورد ترمیم قرار گرفته است. مدتی بعنوان سرپناه اسرای جنگی مسیحی - که در کارگاههای کشتی سازی قاسم پاشا به کار گماشته شده بودند - و مدتی نیز بعنوان رصدخانه از سوی منجم تقی الدین استفاده شده است.

در نیمه نخست قرن هفدهم، در زمان سلطان مراد چهارم، احمد چلبی معروف به هزار فن با تحقیق سمت و قدرت وزش بادهای در منطقه اوخ میدانی، بالاخره در سال ۱۶۳۸ با نصب بالهای عقاب گونه - که از چوب طراحی و ساخته بود - به پشت خود، اقدام به پرواز از بالای برج گالاتا به سوی محله دوغانچیلار اوسکودار واقع در آنسوی تنگه کرد.

این خبر مثل بمب در اروپای عهد رنسانس صدا کرده و موجب تحرکاتی از سوی برخی علاقمندان پرواز مخصوصاً در انگلستان گردید.

برج گالاتا از سال ۱۷۱۷ به عنوان برج دیده بانی آتش نشانی مورد استفاده قرار گرفت. در صورت بروز آتش سوزی با کوبیدن بر طبل بزرگی به اطلاع عموم می رسید. لیکن خود برج نیز چند بار در آتش سوخت! در سال ۱۸۷۵ میلادی طوفان سهمگینی کلاhek مخروطی آن را تخریب کرد. آخرین مورد تعمیر برج بین سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ انجام یافته و برج به شکل امروزی آن درآمد.

بلندی برج از سطح زمین تا نوک کلاhek آن ۶۹ متر و ۹۰ سانتیمتر است. ضخامت دیوارهای آن ۳/۷۵ متر، محیط داخلی آن ۸/۹۵ متر و محیط خارجی آن ۱۶/۴۵ متر بوده و سنگینی کل برج بر اساس محاسبات آماری انجام یافته حدود ۱۰ هزار تن می باشد.

آب انبار یثره باتان:

یکی از خیل بناهای محتشم تاریخی استانبول، آب انبار یثره باتان در ضلع جنوبغربی آیاصوفیه قرار گرفته است. این آب انبار بزرگ و منحصر به فرد از سوی امپراتور بیزانس ژوستینیانوس اول بین سالهای ۵۶۵-۵۲۷ میلادی احداث گردیده است. آب انبار در ابتدا بنام بازیلیکا (قصر سلطنتی) که قبلاً در محل احداث آن وجود داشته نامیده شده، لیکن بدلیل ستونهای مرمر معظم آن که گویی در دل آب رو به پایین فرو رفته اند در میان خلق به «یثره باتان سارنجی» یعنی آب انباری که در دل زمین فرو رفته است شناخته می شود. آب انبار به شکل مربع مستطیل بوده، طول آن ۱۴۰ متر و عرض ۷۰ متر می باشد. این آب انبار بر پایه ۳۳۶ ستون مرمرین هر یک به ارتفاع ۹ متر و اکثراً بصورت یکپارچه و برخی نیز دو تکه با فاصله ۴/۸۰ متر از همدیگر که ۱۲ ردیف ۲۸ تایی را تشکیل می دهند بنا گردیده و وزن سقف آجری آن توسط خرپشته ها به این ستونها منتقل شده است. به نظر می رسد مرمهرای با انواع

گونگون و اکثراً استوانه ای شکل بکار رفته در ستونها، از بناهای مرمر قدیمتر آورده شده اند. دیوار آب انبار که با آجر و به پهنای ۴/۸۰ متر ساخته شده و نیز کف آجری آن با لایه ضخیمی از ملات پوشانده و عایق گردانیده شده است. آب انبار مذکور با مساحت ۹۸۰۰ متر مربع دارای ظرفیتی برای انبار حدود ۱۰۰ هزار تن آب می باشد. دو سر مدوسا که در زیر دو ستون واقع در قسمت شمالغرب آب انبار بعنوان قائده مورد استفاده قرار گرفته است از شاهکارهای مجسمه سازی دوران روم باستان به شمار می روند. این آثار که مورد توجه خاص جهانگردان و باستانشناسان قرار دارد، به اعتقاد بیشتر پژوهشگران، صرفاً جهت استفاده بعنوان قائده ستون آورده شده اند. لیکن مبداء آنها مشخص نیست. مثل تمامی پدیده ها و اشیای دیگری که انسان در حل فلسفه وجودی آنها عاجز مانده و به پرداختن افسانه روی آورده است، این سرها نیز از این قاعده مستثنی نمانده و شیوع افسانه های متعددی را موجب گردیده اند. در یکی از این افسانه ها، این سرها متعلق به مدوسا که به عنوان یکی از سه گورگونا، جانوران مهیب عالم زیر زمین مربوط به میتولوژی یونانی است معرفی شده است. گویا مدوسا با سری ماردار، یکی از این سه خواهران، دارای قدرتی بوده که می توانسته کسانی را که در او نظر می اندازند مبدل به سنگ نماید. بر اساس این عقیده، در آن دوران برای محافظت از بناهای بزرگ و اماکن ویژه، نقوش و مجسمه های گورگونا کاربرد داشته است که از این منظر، وجود این سرها در آب انبار قابل توجه می باشد. بنا به روایت دیگری، مدوسا دختری با چشمان سیاه، موهای بلند، اندامی دلربا و مغرور بوده است. این دختر عاشق پرسئوس پسر زئوس بوده که آتنا نیز در عین زمان او را دوست می داشته است. آتنا با آگاهی از موضوع نسبت به مدوسا حسد ورزیده و موهای مدوسا را تبدیل به مار کرده است. از آن به بعد مدوسا در هر کس که نظر می انداخته، به سنگ تبدیل می شده است. گویا بعدها پرسئوس سر مدوسا را بریده و با استفاده از قدرت خارق العاده آن بر بسیاری از دشمنانش فائق آمده بوده

است. با استناد به افسانه اخیر، قبضه های شمشیرهایی که در امپراتوری بیزانس ساخته می شد مزین به نقوش برجسته مدوسا گردیده و در قائده ستونها نیز برای اینکه بینندگان به سنگ تبدیل نشوند -مثل مورد موجود در آب انبار یثره باتان- بصورت برعکس بکار برده می شده است. بنا به روایت دیگری، مدوسا در آینه نگریسته و خود را تبدیل به سنگ نموده یا عبارتی دست به خودکشی زده است. آب یثره باتان از طریق چشمه هایی که در جنگلهای شمال استانبول قرار دارد و ۱۹ کیلومتر با آب انبار فاصله دارد توسط پلهای آبرو از دره ها گذر داده شده و بدانجا انتقال می یافت تامین می شد.

آب انبار یثره باتان در طول تاریخ چندین بار مورد مرمت قرار گرفته است. هشت ستون آن بدلیل وجود احتمال خطر شکست در سال ۱۹۶۰ با لایه ضخیمی از بتون پوشانیده شده و نتیجتاً ویژگیهای سابق خود را از دست داده اند. در لایروبی کف آن در سال ۱۹۸۷، حدود ۵۰ هزار تن گل و لای از آن بیرون کشیده شده و جهت رفاه بازدیدکنندگان، راهروهای بتونی -مثل مشابه چوبی آن در موزه عصر آهن تبریز (نزدیک موزه آذربایجان)- احداث گردید. این پلافرم به زیارت کنندگان امکان میدهد این بنا و قصر زیبا و نیز ماهی های ژاپنی که در آبهای خنک آن در حال شنا هستند نگاه کنند که با نورپردازی ویژه و ستونهای فراوان صحنه جالبی به وجود آورده است. آب انبار مذکور که در دوره بیزانس آب آشامیدنی خیل ساکنان دربار و امارات دولتی اطراف و همچنین اهالی شهر را تامین می نمود، با آمدن مسلمانان -از آنجا که ترکان آب روان را برای استفاده ارجحتر می دارند- و احداث شبکه آبیاری متناسب با عقاید اسلامی، بزودی مورد اهمال و فراموشی واقع گردید. این آب انبار صد سال بعد در اواسط قرن شانزدهم توسط پروفیسور گیلیوس، محقق هلندی، دوباره کشف گردیده و به جهان باستانشناسی و جهانگردان معرفی شد.

هر روز به جز سه شنبه ها از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر باز میباشد.

کلیسا/مسجد/موزه آیاصوفیه:

حاجیا صوفیا که به زبان یونانی به معنای حکیم مقدس است، از مهمترین بناهای مذهبی جهان ارتودکس می باشد. ایاصوفیه به خاطر معماری، عظمت و حجم آن و کارهای انجام شده در آن یکی از آثار نفیس و نادر است و مبنای فکری معماری مساجد عثمانی بوده و به نوعی ممثل وحدت شرق-غرب است. این آثار در بین آثار معماری جهان یکی از نمونه های نادر و مهمی است که تاکنون سرپا مانده است. ایاصوفیه ۹۱۶ سال به صورت کلیسا، و ۴۸۱ سال به صورت مسجد مورد استفاده بود و از سال ۱۹۵۳ به بعد به صورت موزه در حال ادامه حیات است. تاریخنگاران بیزانس (تئوفان، نیکوفوروس، لئون) نوشته اند که ایاصوفیه را اولین بار در زمان امپراتور کنستانتین اول (۳۲۴-۳۳۷) ساخته اند. لیکن این ساختمان با سقف چوبی و دیوار از سنگ بازیل در یک آتش سوزی از بین رفته و از این آن اثری بجای نماند. دومین بار امپراتور تئودوسیوس دوم دستور ساخت دوباره آن را داد که در سال ۴۱۵ برای عبادت آماده شد. این بنا مجدداً در جریان حملات نیکها در آتش سوخت. در حفاریهای سال ۱۹۶۳ بقایایی از این بنا شامل ورودی معبد، ستونها و سر ستونهای مختلف ظاهر گردید. در قرن ششم میلادی توسط امپراتور ژوستینیانوس مورد بازسازی و مرمت قرار گرفت. برای بازسازی بنا دو معمار به نامهای ایسیدوروس و آنتیپوس (اولی از شهرستان سؤکه و دومی از شهر آیدین امروزی) ماموریت یافتند. سنگ مرمر، سنگهای الوان، سرستونها و ستون های بجای مانده از شهرهای باستانی آناتولی برای ساخت ایاصوفیه به استانبول حمل شد. ساختمان ایاصوفیه از ماه دسامبر سال ۵۳۲ شروع و در ۲۷ ماه دسامبر سال ۵۳۷ به پایان رسید. عملیات ساختمان بنا با کار ۱۰ هزار کارگر در طول پنج سال و تحت نظر ۱۰۰ استاد باشی تکمیل شد. این کلیسا نخست کلیسای بزرگ نام گرفت و بعد بنام حاجیا صوفیا معروف گردید. پس از فتح استانبول، کلیسا به دستور سلطان محمد دوم معروف به فاتح با تاکید بر حفظ نقوش و نوشته های مربوط به مسیحیت به مسجد تبدیل گردید. سلطان سلیمان اول دستور داد نقاشی ها و نگارگری های داخل ایاصوفیه را بپوشانند تا نمازهای جمعه در آنجا اقامه شود. بنا بدستور سلطان سلیم دوم و بدست معمار سینان مرمت گردید. در زمان سلطان مراد سوم، مناره، منبر و محراب به ساختمان ایاصوفیه افزوده شد. در

زمان سلطان مراد چهارم، آیاتی از قرآن به خط مصطفی چلبی در دیوارها و سقف ایاصوفیه نگاشته شد؛ علاوه بر این لوحه‌هایی دور تا دور سقف ایاصوفیه نصب شد که در آن نام الله، محمد (ص)، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن و حسین (علیهم‌السلام) نوشته شده بود. در زمان سلطنت عبدالمجید، الواح مدوری که به خط ابراهیم افندی نوشته شده بود، جایگزین این لوحه‌ها گردید. پس از تاسیس نظام جمهوری در ترکیه، ایاصوفیه بنام خدمت به صلح بین ادیان به موزه تبدیل شد و تا امروز به همین شکل باقی مانده است. ارتفاع گنبد بزرگ این مسجد از سطح زمین ۵۵ متر و قطر آن ۳۱ متر می‌باشد که بوسیله ۴۰ پشت بند بزرگ و روی چهار ستون اصلی سوار شده‌است.

ایاصوفیه به جز روزهای دوشنبه همه روزه از ساعت ۹/۵ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر جهت بازدید باز است.

کاخ آيا ايرنه:

در حیات اول کاخ توپ قاپی قرار دارد و در سده ششم از سوی امپراتور ژوستینیانوس ساخته شده و از بخشهای محراب، مکان نیایش، سالن و سه نمازخانه تشکیل شده است. به اعتبار معماری و لوازم ساختمانی بکار رفته در آن یک ساختمان تیپیک رومی (روم شرقی) است. در سال ۱۴۵۳ پس از فتح استانبول به مسجد شد و به همین جهت تغییر چندانی در آن واقع نشد. بعداً مدت طولانی نیز به عنوان انبار غنایم و اسلحه مورد استفاده بود. احمد فتحی پاشا معروف به داماد منشی توپخانه در سال ۱۸۴۶ سنگ بنای اولین موزه ترکی را در اینجا بنا نهاد و اولین آثار را به اینجا آورد. در سال ۱۸۶۹ ایالیرنه به عنوان موزه همایون (موزه سلطنتی) نامیده شد. در سال ۱۸۷۵، به دلیل افزایش آثار و ناکافی بودن محل برای نمایش، آثار موجود به چینیلی کؤشک (قصر چینی آلات) منتقل شد. از سال ۱۹۰۸ به عنوان موزه نظامی مورد استفاده قرار گرفت. بعدها ساختمان برای مدتی خالی ماند و سپس بعد از تعمیرات به مدیریت موزه ایاصوفیه تحویل و بصورت یکی از اجزای آن درآمد. با اخذ مجوز از مدیریت موزه ایاصوفیه میتوان از آن بازدید به عمل آورد.

کاخ دولماباچه:

از اوایل قرن ۱۸ که معماری اروپایی روی معماری ترکی تاثیر گذاشت پادشاهان عثمانی کاخهای زیبایی به سبک تزییناتی و معماری ترکی-اروپایی ساختند که از مهمترین آنها کاخهای ییلدیز، بی لری، چراغان و کاخ ساحلی دولماباچه از جمله آنها بود. دستور ساخت این کاخ اخیر را سلطان عبدالمجید سوم که مسلط به زبانهای عربی و فرانسه بود، در سال ۱۸۴۳ داد. معمار این بنا عبدالحلیم آقا بود و ساخت آن توسط بالیان نیکوگوس صورت گرفت. این کاخ زیبا در عرض ۱۳ سال و با هزینه ۵۰۰۰۰۰۰ سکه طلا ساخته شد. جهت تزیین آن بیش از ۱۰ تن طلا و نقره مورد استفاده گرفت. در قصر ۶۰۰۰ خدمتکار وجود داشته است. در سال ۱۸۷۶ سلطان مراد پنجم به قصر ییلدیز نقل مکان و دولماباچه را ترک کرد.

در این مکان از پادشاهان و مقامات بلندپایه بسیاری که از اقصی نقاط جهان می آمدند پذیرایی شده است. بعد از تاسیس نظام جمهوری در ترکیه، اولین کنگره کشورهای ترک زبان در سال ۱۹۳۴ در این کاخ صورت گرفت. در سال ۱۹۳۰ کنگره بین المللی گردشگری نیز در اینجا برگزار شد. این کاخ میزبان برخی از مهمانان خارجی بلندپایه (جهت استراحت شبانه) نیز بوده است.

در سال ۱۹۵۴ با تصویب مجلس ترکیه کاخ مزبور به روی گردشگران خارجی باز شد و در سال ۱۹۸۴ به عنوان موزه درآمد. اکنون این کاخ زیبا سالانه پذیرای میلیونها گردشگر داخلی و خارجی بخصوص شیفتگان سبک تزئیناتی و معماری ترکی-عثمانی، ایتالیایی و فرانسوی است. معماری آن بسیار ویژه و خاص خود است، بطوری که نمی توان آن را به یک سبک خاص اروپایی مربوط دانست. لیکن می توان تلفیقی از معماری باروکوی فرانسه، روکوکوی آلمان، نئوکلاسیک انگلیس، رنسانس ایتالیا و معماری ترکی-عثمانی دانست. هدایای پادشاهان و مقامات خارجی نیز بر ارزش مادی-معنوی این کاخ استثنایی را افزوده است. معماری به اسم سچان نیز در دکوراسیون این کاخ شرکت داشته که در سال ۱۸۵۷ به خاطر انجام کارهای تزئیناتی بسیار ظریف و هماهنگ با دکوراسیون ترکها به او لوح ویژه و ۳۰۰۰۰۰۰ فرانک جایزه داده شد. در این کاخ نزدیک به ۲۰۰ فرش و قالیچه که در کارگاه قالی بافی کاخ بافته شده، موجود است. همچنین ۵۸۲ شمعدان نقره ای در کاخ موجود است. از ۲۸۰ گلدان موجود دیگر ۵۹ عدد از چین، ۲۹ عدد از فرانسه، ۲۶ عدد از ژاپن و بقیه از کشورهای دیگر است. همچنین قصر دارای ۱۵۸ ساعت که هرکدام ویژگی خاص خود را دارد و ۶۰۰ تابلوی نفیس از نقاشان بزرگ قرون ۱۷ و ۱۸ است که بسیاری هدیه پادشاهان و امپراتوران وقت جهان بوده است.

این کاخ درهای زیادی دارد که مهمترین آن سلطنت قاپیسی (دروازه سلطنتی) است. همچنین باغچه های زیادی دارد که مهمترین آن حاص باحچه (باغچه خاص) است. این کاخ زیبا ۳ طبقه بوده و از ۲۸۶ اتاق و ۴۳ سالن مجلل و زیبا تشکیل شده است. این کاخ همچنین دارای سالنهای زیبای زیادی است. از جمله سالن پذیرش که ۵۶ ستون زیبا و بزرگ دارد و روشنایی آن تسط توسط یک لوستر چهار و نیم تنی هدیه ملکه انگلیس تامین می شود.

از سالنهای زیبای دیگر سالن آبی، سالن باله (جشن) که در نوع خود بزرگترین در جهان است، سالن مراسمات، سالن پنبه ای و سالن موآدیه را میتوان نام برد. از ویژگیهای دیگر کاخ، ترکیب رنگهای گوناگون اما با تُن یکسان در هر سالن است حتی تن رنگ اشیا بسیار دقیق انتخاب شده است. این کاخ همچنین دارای حمام های زیبا، آشپزخانه، داروخانه، انبار عتیقه جات، سالن تئاتر و... میباشد. سیستم شبکه نظافت و فاضلاب کاخ قبل از ورود به دریا جالب است.

کاخ دولماباحچه به جز روزهای دوشنبه و پنجشنبه همه روزه از ساعت ۹ صبح تا ۴ بعد از ظهر برای بازدید باز می باشد.

موزه آرکئولوژی:

بزرگترین موزه باستانشناسی در ترکیه و یکی از ده موزه غنی جهان است که حاوی بیش از یک میلیون و دویست هزار شی عتیقه مربوط به تمام دورههای تمدن بشری است. سه ساختمان در این مجموعه موزه قرار دارند که یکی موزه باستان شناسی و دیگری موزه شرق باستان و سومی موزه هنرهای اسلامی یا چینیلی کؤشک می باشد. این موزه در قرن هجدهم به عنوان موزه امپراتوری عثمانی توسط نقاش و باستانشناس ترک، عثمان حمدی بای تاسیس گردیده و در سال ۱۸۹۱ برای بازدید علاقمندان افتتاح شد. در موزه آثاری از جغرافیای ترک، شمال آفریقا، شبه جزیره بالکان، دنیای عرب، اروپا، آسیای مرکزی، شرق آسیا و خاورمیانه وجود دارد.

آثاری از دوره مزوپوتامیا (تمدنهای بین النهرینی بابل و سومر)، یونان باستان، آناتولی، مصر باستان، دولتهای ایلام، آکاد، آسور، امپراتوریهای گوک تورک غربی و گوک تورک شرقی و همدوره آنان ساسانیان، امپراتوریهای آتिला (هون غربی)، هخامنشیان، اسکندر مقدونی، ترکان عثمانی، سلجوقی، غزنوی، هیتیها، آثاری مربوط به جنگ قبطیها و هیتیها و لوح اولین صلح نامه بشر بین آنها و نهایتا آثاری از قلمرو امپراتوری عثمانیان یعنی تمام خاورمیانه امروز (به جز نیمه شرقی ایران و افغانستان)، شبه جزیره بالکان، تمام شمال آفریقا، قفقاز و شمال دریای سیاه و بطور خلاصه آثاری

متنصر به فرد از دنیای مسیحیت، یهودیت و اسلام در این موزه گرد آورده شده اند. با زیارت این موزه کل تاریخ ایران، منطقه و جهان عرب و ترک و بیش از ۱۵ امپراتوری جهان را میتوانید ببینید.

موزه آرکئولوژی به جز روزهای دوشنبه همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۵ بعد از ظهر برای بازدید آماده است.

مینیاتورک:

این محل بزرگترین پارک مینیاتوری دنیا بصورت «موزه در فضای باز» در ساحل خلیج نزدیک کاغیثخانه واقع شده است. پارک مینیاتورک استانبول امکان آشنایی شما با مکانهای تاریخی استانبول و حتی دیگر شهرهای ترکیه را با بیش از یکصد ماکت چند متری، به صورت یکجا و با هزینه ناچیز ممکن می سازد. این پارک در سال ۲۰۰۲ افتتاح شد.

با گردش در این پارک/موزه، شما در واقع گشتی در ترکیه خواهید داشت و از مدلهای کوچک آثاری چون کاخ توپ قاپی، مسجد سلطان احمد، ایاصوفیه، کلیسای کاریه، استادیوم المپیک، برج گالاتا، برج دختر و پل بسفر، معبد آرتمیس، کاپادوکیا، کوه نمرود، خانه های تاریخی ماردین و کتابخانه تاریخی افئس و معبد سومنای ترازون، آرامگاه حضرت مولانا در قونیه، بالیق لی گول شانلی اورفا (محل تبدیل آتش به گلستان)، خانه حضرت مریم، غار اصحاب کهف مرسین، آسپندوس آنتالیا، آنیت قبر آنکارا، قدس شریف، مدرسه دو مناره ارزروم، کلیساهای مقدس مسیحیان، مسجد سلیمیه ادرنه، اوزون کورپوی ادرنه (بزرگترین پل جهان در نوع خود)، زئوگمای قاضی آنتپ و ... امکان سفر با قایق هم با کابل در یک دریاچه کوچک خواهید داشت. اطلاعات مربوط به هر اثر به زبانهای انگلیسی، ترکی و عربی نوشته شده است. میتوانید با انتخاب زبان مورد نظر خود و زدن دگمه مربوطه به صورت شنیداری اطلاعات مربوط به هر اثر را دریافت دارید.

در این پارک همچنین محل استراحت در فضای باز و بسته، کافه، سینما، سالن نمایش، مرکز خرید و فروش، نمایشگاهی برای تهیه هدیه، اتوپارک با ظرفیت ۵۰۰

خودرو، سالن تئاتر با فضای باز و بسته، پارک بازی کودکان، کتابخانه و... نیز وجود دارد. در یک روز آفتابی میتوانید ساعات خوبی را در اینجا سپری کنید. این پارک مخصوص برای بچه ها فوق العاده لذت بخش خواهد بود.

پارک/موزه مینیاتورک از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر جهت بازدید باز است.

کلیسای سنت آنتوان:

با اینکه استانبول دوره نسبتاً طولانی ای (بیش از چهارصد و پنجاه سال) با نام اسلامبول زیسته و ملقب به شهر هزار مسجد بوده است، لیکن در ضمن و با وسواس مراقب بیش از یکصد کلیسای معروف و قدیمی خود نیز می باشد. یکی از این کلیساها سنت آنتوان است.

این کلیسا در اصل در سال ۱۷۲۵ توسط پادشاهان عثمانی برای کاتولیک های فرانسوی و ایتالیایی که در خدمت دربار عثمانی بودند و نیز تاجرهای سرشناس ساخته شد، اما بنای کنونی آن به سبک نئوگوتیک، اثر معمار معروف ایتالیایی، جولینو منگوری - که متولد استانبول بود - میباشد که در سال ۱۹۰۶ شروع و در سال ۱۹۱۲ به اتمام رسیده و افتتاح گردید. این کلیسا در بی اوغلو و خیابان معروف استقلال نزدیک دبیرستان قدیمی گالاتاسرای قرار دارد.

کلیسا در ساعات خاصی از روز قابل بازدید می باشد.

موزه پانوراما ۱۴۵۳:

موزه «پانورامای استانبول سال ۱۴۵۳» موزه ای با تصاویر بزرگ سه بعدی در سمت میدان توپ قاپی (چند ده متری ایستگاه تراموای) استانبول است. راه پله های درازی گردشگران را در زیر زمین به سمت سالن اصلی هدایت می کنند. سالن اصلی گم در هیبت احتشام اثری هنری است از برج و باروهای شهر و جنگ برای فتح. همه طرف با تصاویر ۳ بعدی پوشیده شده و همزمان صدای مارش نظامی امپراتوری عثمانی، الله اکبر سربازان و غرش توپ و چکاچک شمشیرها به گوش می رسد. آن پایین، جایی که تصویر تمام می شود، توپها، اسلحه ها و ... واقعی که در فتح استانبول استفاده شده، مکمل تصویر و صداها برای دادن حس قرار گرفتن گردشگر در بطن صحنه

جنگ می باشند. افتادن سربازان از برج و باروهای بلند، حمل توپهای بزرگ توسط سربازان و عبور دادن کشتیها از راه خشکی به خلیج شاخ طلا در این سالن به زیباترین شکل ممکن به تصویر کشیده می شوند. در سالن نقاشی و مینیاتور، آثار مربوط به امپراتور سلطان محمد فاتح از جمله رونوشتی از دفتر مشق ایشان (که به زبانهای ترکی، یونانی، عربی، فرانسه و چند بیت فارسی و ترکی از مولانا در آن نوشته شده است)، شمشیرهای او و برخی اشیای جنگی دیگر در معرض دید علاقمندان گذاشته شده اند. لازم به ذکر است که اصل دفتر مزبور در موزه توپ قاپی می باشد. این موزه که اولین موزه پانورامیک گنبد دار و یکی از بزرگترین موزه های پانورامیک جهان به شمار می رود، در سال ۲۰۰۸ افتتاح گردید. تصویر اصلی بر روی گنبد نیم کره ای به طول ۳۸ متر و بزرگی ۲۳۵۰ متر مربع میباشد. در تصویر پانورامیک بیش از ۱۰۰۰۰۰ فیگور و شکل وجود دارد. این اثر ارزشمند حاصل ۴ سال تلاش هنرمندان است.

موزه آثار ترکی - اسلامی:

اولین موزه با هدف نمایش آثار ترکی - اسلامی است که ابتدا (اوایل قرن بیستم) در مجموعه سلیمانیه گردآوری شده و بعدها از آنجا به سرای ابراهیم پاشا که امروزه نیز در آن قرار دارد منتقل شد. این موزه در ابتدا به عنوان «اوقاف اسلامی موزه سی» (موزه وقف اسلام) نامگذاری گردید که پس از تاسیس نظام جمهوری، با نام فعلی مشهور شد. سرای ابراهیم پاشا یکی از زیباترین نمونه های معماری قرن شانزدهم عثمانی است که به سبک روم بنا شده است. تاریخ دقیق ساخت آن و علت ساخت آن تا کنون مشخص نشده است. این سرای به احترام صدارت اعظم ۱۳ ساله ابراهیم پاشا به او اهدا شده بود.

بنا به اظهار تاریخ نویسان سرای ابراهیم پاشا بسیار با عظمت تر و بزرگتر بوده و مهمانی ها، جشن های زیادی را در برهه های زمانی مختلف شاهد بوده است. به عنوان محلی برای پذیرش سفرا، دفتر خانه دولتی، دادگستری و زندان نیز بکار رفته و پس از مرمت سال های ۱۹۸۳-۱۹۶۶ به عنوان مکان جدید موزه آثار اسلام و ترک مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است. موزه حاوی مینیاتورهای دربارهای عثمانی تابلوها و گراورهای غربی کم نظیری است. این موزه در سال ۱۹۸۴ در درجه بندی موزه های شورای اروپا، مدال ویژه هیئت داوران را کسب کرده و در سال ۱۹۸۵ نیز به

خاطر اهتمام در زمینه جلب کودکان به محیطهای فرهنگی برنده مدال بخش یونسکو شورای اروپا شد. موزه آثار اسلام و ترک در بین موزه های جهان با مجموعه ای بیش از چهل هزار اثر منتخب مربوط به هنرهای اسلامی و ترکی در دوره ها و سبک های مختلف، جایگاه ویژه ای را داراست. موزه آثار ترکی- اسلامی از بخشهای قالی، هنر خطاطی و آثار دست نویس، آثار چوبی، سنگی، سرامیک و شیشه و قسمت اتنوگرافی تشکیل گردیده است. مخصوصاً قسمت قالی یکی از گران بهاترین مجموعه های هنر قالی جهان را در خود جای داده است و سال های سال به نام موزه قالی معروف بوده است. موزه قالی برای کسانی که مایل به تحقیق جدی در مورد هنر قالی در جهان هستند منبعی غیر قابل اجتناب است. بخشی از موزه اختصاص به مجموعه قرآن کریم دارد که ممثل جغرافیای وسیعی بوده و از اقصی نقاط جهان اسلام گرد آوری شده است. این کلکسیون با آثاری از هنر خطاطی اموی، عباسی، مصری، تولون اوغلوهای سوریه، فاطمی، ایوبی، مملوکی، مغولی، ترکمنی، قاجار، صفوی و خان های آناتولی و عثمانی را یکجا گرد آورده است. در میان دست نویس ها علاوه بر نسخه های دست نویس قرآن کریم، کتاب هایی با موضوعات گوناگون از نظر موضوع، اسلوب خطاطی و تزیینات جلد موجود می باشند. این موزه با دارا بودن طغراهایی که فرامین سلاطین عثمانی را بر خود دارند، برات نامه ها، مینیاتورها و دیوان های شعر موجود، بعنوان یکی از مشهور ترین موزه های جهان در این زمینه بشمار می رود.

موزه بجز روز های دوشنبه همه روزه از ساعت ۱۶.۳۰-۹.۳۰ برای بازدید باز است.

موزه کاریه:

کاریه گذشته ای هزار و پانصد ساله دارد. در اطراف کلیسا مجموعه عبادتگاهی وجود داشته است که در طول زمان مورد مرمت قرار نگرفته و از بین رفته است. مجموعه مذکور برای نخستین بار در سال ۵۳۴ میلادی در دوران امپراتوری ژوستینیانوس از طرف تئودیوس پدر مذهبی بنا گردید. در سده یازدهم از سوی ماریا دوکینا مادر زن آلکسیوس اول مجدداً انشا گردید. مجموعه عبادتگاهی در جریان اشغال شهر از سوی صلیبیون لاتینی بین سالهای ۱۲۰۴ الی ۱۲۶۱ در معرض بی توجهی و تخریب قرار گرفت. تا اینکه بالاخره در قرن چهاردهم توسط تئودور مئتوخیتنس مرمت گردید. در جریان این مرمت بخشهایی (نارتکس و پارکلیسون) نیز بدان اضافه شد. مئتوخیتنس قبر خود را در ورودی کلسا تعبیه کرده و هم اکنون با سنگ مرمری مشخص گردیده است.

بعدها اهمیت این بنا با انتقال مرکز اداری امپراتوری از هیپودروم به کاخ بلاخرنه در نزدیکی باروهای مشرف به خشکی شهر و نیز خلیج دوچندان شد. از زلزله مهیب سال ۱۲۹۶ بدون آسیب جدی جان بدر برد. کلیسای کاریه در سال ۱۵۱۱ تبدیل به مسجد گردید و از سال ۱۹۴۸ بدینسو به عنوان موزه کاریه در معرض دید گردشگران بین المللی قرار گرفته است.

برای تبدیل کلیسای مزبور به مسجد فقط یک مناره در یک گوشه آن و نیز محرابی در ضلع جنوبشرقی داخل کلیسا ضمیمه آن گردیده و اصل آن با تمام نقش و نگارهای موجود حفظ شده است. بنا در بین کلیساهای باستانی موجود در ترکیه صاحب بیشترین تعداد موزائیک می باشد.

کلیسای کاریه بنایی با هویت کاملاً بیزانسی است. در حالیکه نمای بیرونی آن با آجر و در کمال سادگی ساخته شده، نمای داخلی با ظرافات و نقوش بسیاری مزین می باشد. پارکلیسون روی زیرزمینی انشا گردیده و روی آن با گنبد و طاق پوشیده شده است. نائوس که محل اصلی عبادت می باشد در مرکز بنا واقع گردیده است.

موزه کاریه در سربالایی منتهی به کاخ بلاخرنه و باروهای استانبول در نزدیکی پای جنوبی پل خلیج (آیوان سرای) و همچنین ادرنه قاپی قرار دارد و به غیر تاکسی، در تمامی چند گزینه ای که برای رسیدن به آنجا وجود دارد پاهایتان نیز مسئولیت مهمی خواهند داشت!

چنانچه از طرف امین اؤنو بدانجا می روید، می توانید از اتوبوسهایی که از محله ایوب عبور میکنند استفاده کنید و البته قبل از محله ایوب و پل خلیج پیاده شده و بقیه راه را با پای پیاده بروید.

ضمناً از ایستگاه وزنه جیلر مابین دانشگاه استانبول و شهرداری کلاشهر استانبول سوار اتوبوسهایی که از ادرنه قاپی عبور می کنند شده و در ادرنه قاپی پیاده شده و باقی راه را پیاده بروید. در هر دو این گزینه ها حدوداً ده دقیقه راه پیاده خواهید داشت.

موزه نظامی:

موزه نظامی وابسته به مرکز مطالعات تاریخی و استراتژیک ستاد کل ارتش در محله حربیه در نزدیکی میدان تقسیم واقع گردیده است. محله نام خود را (حربیه) از محل همین موزه که در دوران عثمانی به عنوان مدرسه نظامی (حرب اوکولو) مورد استفاده بوده و آتاترک رهبر فقید جمهوری ترکیه نیز از آن فارغ التحصیل گردیده، گرفته است. حدود ۵۵ هزار عدد شیء جنگی عتیقه مربوط به دوره های مختلف تاریخ در بنیه این موزه موجود می باشد که بیش از پنج هزار عدد آن در معرض نمایش عموم قرار گرفته است. گروه موزیک مهترها که ممثل قدیمیترین باندوی موزیک نظامی جهان، «دسته مهتران» می باشد، بین ساعات سه تا چهار بعد از ظهر هر روزی که موزه باز است در دو ستانس برای بازدیدکنندگان، برنامه موزیک نظامی به صورت زنده اجرا می نماید.

موزه نظامی به غیر از روزهای دوشنبه و سه شنبه هر هفته، اول ژانویه و اولین روز اعیاد فطر و قربان (این اعیاد در ترکیه چهار روز تعطیل می باشند) هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر باز می باشد.

کاخ ییلدیز: این کاخ از دربارها و یک مسجد تشکیل گردیده و در قرن ۱۹ میلادی توسط سلطان عبدالمجید دوم ساخته شد. در این کاخ یکی از بزرگترین و مجلل ترین ساختمانهای که سلاطین در آن اقامت داشته اند، به نام ساختمان شاله قرار گرفته است. این ساختمانها در داخل یک پارک با گلهایی که از نقاط مختلف دنیا گردآوری شده، قرار گرفته است. حیات این کاخ یکی از زیباترین مناظر موجود از حاشیه تنگه بسفر را تشکیل می دهد. به علت بازسازی تنها بازدید از قسمتی از پارک ممکن است. این کاخ همه روزه به غیر از روزهای سه شنبه جهت بازدید عموم باز می باشد.

بازار مصر:

این بازار در سال ۱۶۶۰ میلادی بدستور تورخان سلطان و بدست معمار کاظم آغا ساخته شده و در امین اوئو و کنار یئنی جامی و بازار گلها واقع است. بازار در بین سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۳ از طرف شهرداری استانبول مورد مرمت قرار گرفته است. فروش ادویه، داروهای طبیعی و گیاهی، بذر انواع گلها، ریشه و پوسته برخی از گیاهان کمیاب، آجیل، محصولات لبنی و ... به صورت سنت و ماهیت بازار مصر درآمدده است. بازار در روزهای یکشنبه بسته است.

پارک گلخانه:

پارک گلخانه در کنار کاخ توپ قاپی و در فاصله بین این کاخ، سارای بورنو و قصر آلائی واقع است. این پارک در زمان امپراتوری عثمانی بعنوان باغ مخصوص کاخ توپ قاپی ساخته شده است. فرمان تنظیمات که نخستین گام امپراتوری به سوی دموکراسی شمرده می شود، برای نخستین بار در این باغ به تاریخ ۳ نوامبر ۱۸۳۹ و در زمان عبدالمجید توسط وزیر امور خارجه وقت، مصطفی رشید پاشا برای اطلاع عموم قرائت گردیده و به همین دلیل از این پارک به نام خط همایون نیز یاد می شود.

باغ در سال ۱۹۱۲ توسط جمیل پاشا توپوزلو ساماندهی شده و به صورت پارک جهت استفاده عموم افتتاح گردید. در مسیر گذر اصلی پارک به طرف سارای بورنو، مجسمه آشیق ویسل و قسمتی برای تفریح کودکان قرار دارد. اطراف معبر اصلی مجسمه های شیر گذاشته شده و در پایان مسیر، کمی بالاتر از معبر، ستونی منسوب به گوتها متعلق به دوران روم واقع است.

پیشتر پارک ساحلی سارای بورنو به بخش اصلی متصل بوده است. در قسمت سارای بورنوی پارک، مجسمه ای از آتاتورک توسط کریپل، مجسمه ساز اتریشی ساخته و برپا گردیده است. آتاتورک در این پارک برای نخستین بار در تاریخ ۱ سپتامبر ۱۹۲۸ الفبای لاتین را به مردم توضیح و نشان داده است. آخرین مراسم ویژه فوت آتاتورک در استانبول نیز در این پارک و قبل از رهسپار نمودن آن به آنکارا به تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۳۸ در اینجا انجام پذیرفته است. موزه تاریخ علوم و فنون اسلامی استانبول نیز در محل «حاص اخیر» واقع در داخل پارک به تاریخ ۲۵ می ۲۰۰۸ از سوی شهرداری استانبول افتتاح گردید.

یئنی جامع (مسجد جدید) یا مسجد والده سلطان:

بنای این مسجد در سال ۱۵۹۷ و به دستور همسر سلطان مراد سوم، صفیه سلطان، با طراحی و نظارت معمار داوود آغا شروع شده، توسط معمار دالقیچ محمد آغا ادامه یافته و بالاخره بعد از ۶۶ سال از شروع ساختمان مسجد، به سال ۱۶۶۳ با تلاش و توجهات سلطان خدیجه تورحان، مادر سلطان محمد چهارم و معماری معمارباشی وقت، مصطفی آغا به اتمام رسانده شده است. به همین دلیل طولانیترین مدت ساخت را به خود اختصاص داده است.

در ساخت قبه از سبک بکاربرده شده در ساخت قبه مسجد شهزاده (معمار سینان) و نیز قبه مسجد سلطان احمد (معمار محمد آغا) استفاده شده است، لیکن، شکل هرمی قبه، ویژگی خاصی به آن بخشیده است. مقبره والده سلطان و بازار مصر در نزدیکی این مسجد واقع شده اند.

مسجد بویوک مجیدیه یا اورتاکوی:

مسجد بویوک مجیدیه بدستور سلطان عبدالمجید و توسط معمار نیگوغوس بالیان در سال ۱۸۵۳ در ساحل محله اورتاکوی ساخته شده و به همین دلیل در بین مردم با نام اورتاکوی معروف می‌باشد. مسجد به طرزی بسیار ظریف و به سبک باروک بنا گردیده و کوچکی آن و نیز موقعیت استثنایی آن در ساحل تنگه زیبایی خاصی بدان بخشیده است. مثل تمامی مساجد سلاطین از دو بخش حارم و پادشاهی تشکیل یافته و بوسیله پنجره های بلند خود، انوار متغیر آسمان و تنگه را بداخل هدایت می نماید. مسجد بویوک مجیدیه دارای دو مناره بوده، دیوارهای آن با سنگ سفید برش داده شده ساخته شده و دیواره های تنها قبه آن با موزائیکهای صورتی ترین یافته است. پایه های اروپایی پل اول تنگه در نزدیکی مسجد استقرار یافته و به زیبایی آن افزوده است.

برج دختر (قیز قوله سی):

برج دختر با افسانه هایی که در مورد آن ورد زبانهاست بصورت سمبل استانبول در آمده است. برج در ورودی تنگه از سمت دریای مرمره و نزدیک ساحل اوسکودار بر روی جزیره کوچک صخره ای بنا شده است. تاریخ بنای آن دقیقاً معلوم نیست و همین امر موجب شایع شدن افسانه هایی در مورد آن گردیده است. این برج که در طول تاریخ به عنوان برج دیده بانی و نیز فانوس دریایی مورد استفاده قرار گرفته است، امروزه به عنوان یک مکان توریستی مورد توجه می باشد. منابع غربی این قلعه را بنام لیندر، عاشقی که جهت دیدار با معشوقه خود هرا در دریا غرق شده است می شناسند. بر اساس افسانه دیگری امپراتوری که در خواب گزیده شدن دختر خود توسط مار را دیده بود، جهت حفظ جان وی دستور ساختن این برج در داخل دریا را داده است. ولی ماری که در سبد میوه مخفی شده بود، ترازدی غم انگیزی را رقم می زند. می توانید از اسکله اوسکودار برای رفتن به آنجا اقدام نمایید.

برج و باروهای استانبول:

نقشه کنستانتینوپول یا قسطنطنیه که امروزه تحت نام «فاتح»، یکی از ۳۹ منطقه شهری است. همانطور که در این نقشه دیده می شود، شهر قسطنطنیه با ۲۲ کیلومتر دیوار احاطه شده و هفت تپه ای که شهر بر روی آنها بنا گردیده است، مشخص می باشد.

این دیوارها در سالهای ۴۰۸-۴۵۰ میلادی بدستور تئودیسیوس، امپراتوری روم شرقی در اطراف شهر ساخته شد. بعدها به علت تهدید استانبول از سوی امپراتوری آتिला که تمامی اروپای شرقی و مرکزی را تحت سیطره خود داشتند، بدستور امپراتور پریفاکوس کنستانتین ساروس دیوار دیگری در جلوی این دیوارها ساخته شد. دیوارها از آیوان سارای در طول ساحل جنوبی خلیج استانبول تا سارای بورونو (دماغه کاخ) کشیده شده و بعد در امتداد ساحل دریای مرمره تا یندی کوله (هفت برج) ادامه یافته است. از ینددی کوله تا ایوان سارای، قسمت مشرف به خشکی دیوارها را تشکیل می دهد. این کمربند حفاظتی، در قسمت مشرف به خشکی از سه دیوار پشت سر هم و به صورت پله ای تشکیل یافته است که دیوار جلویی هفت و نیم متر و دیوارهای اصلی ۱۳ متر ارتفاع داشته، از ۹۶ برج ۲۵ متری در خلیج و ۱۰۳ برج حفاظتی در ساحل مرمره و ۱۰۱ برج در قسمت مشرف به خشکی تشکیل می شود. طول آن در خشکی ۷۳۱۲ متر، در ساحل مرمره ۹ کیلومتر و در خلیج پنج و نیم کیلومتر بوده است.

این دیوارها درهای زیادی داشته که در زمان تهدید پر می شده است. افسانه فتح ناپذیری استانبول بیش از هر چیز مدیون این دیوارها بوده و حتی دیوار چین از نظر سیستم دفاعی قابل مقایسه با این دیوارها نبوده است. نظام دفاعی شهر بدین صورت بوده است: ابتدا ارتش در بیرون شهر به مصاف دشمن می رفت. سپس خندق هایی وجود داشته به گشادی ۲۰ متر و عمق ۸ متر که در زمان جنگ پر از آب می گردیده است. در پشت خندق، پناهگاههایی بوده که سربازان کمین کرده در آن آماده دفاع بوده اند و چنانچه این سربازها هم شکست می خوردند دشمن به پای دیوارهای جلویی می رسید. بیشترین کشته های سپاه عثمانی در جریان فتح مربوط به همین منطقه بوده است. در پس این دیوارها نیز دیوارهای با ارتفاع ۱۳ متر قرار داشتند. این تشکیلات دفاعی در مجموع ۷۰ متر عرض داشته است.

دیوارهایی ساحل دریای مرمره نسبت به دیوارهای مشرف به خشکی فقط از یک دیوار تشکیل یافته و در سال ۴۳۸ ساخته شده اند، دیوارهای مشرف به خلیج به دستور امپراتور لئوی سوم ساخته شده و برای حفاظت از اسکله در زمان تهدید خارجی، دهانه خلیج توسط زنجیری سنگین مسدود می گردیده است. یک سر این زنجیر به پای برج ژوجینوس - که در حدود سرکه جی امروزی بوده است- و سر دیگر آن به برج وسیعی در گالاتا (که بعداً به مسجد زیرزمینی تبدیل شد) بسته می شده است. ارتباط این شهر افسانه ای با دنیای بیرون توسط حدود پنجاه دروازه تامین می شده است. توپ قاپیسی، اون قاپانی قاپیسی، ادرنه قاپیسی، امپراتور قاپیسی، قوم قاپی، یئنی قاپی، مولانا قاپی و... از معروفترین این دروازه ها می باشند.

حصار یئدی کوله:

این حصار در زمان امپراتوری بیزانس پشت آلتون قاپی یا گلدن گیت ساخته شد ولی بعد از فتح استانبول، سلطان محمد دوم معروف به فاتح در سال ۱۴۷۰ دستور بازسازی آن را بصورت هفت برج صادر کرد. این حصار در زمان امپراتوری عثمانی به عنوان خزانه و زندان مخالفین امپراتور استفاده میشد.

حصار آنادولو و روم ائلی:

این حصارها دوقلو بوده و از طرف سلاطین عثمانی در دو طرف تنگترین نقطه تنگه برای حمله نهایی به استانبول ساخته شده اند. حصار آنادولو در سال ۱۴۳۴ تحت نام گؤزلجه حصار (حصار زیبا) توسط سلطان بیازید اول ساخته شد که متشکل از یک برج دیده بانی پنج ضلعی و دیوارهایی با ارتفاع ۲۵ متر می باشد. اما حصار روم ائلی که وسیع تر است توسط امپراتور سلطان محمد دوم در سال ۱۴۵۲ جهت کنترل کشتیهایی که از تنگه رفت و آمد می کرده اند ساخته شد. این حصار از ۴ برج بزرگ و ۱۳ برج حفاظتی تشکیل شده است.

جزایر پرنس استانبول

جزایر پرنس مجموعه جزایری واقع در دریای مرمره در مقابل سواحل آسیایی شهر هستند که ۴ جزیره بیوک آدا، هئیه لی آدا، بورگاز آدا و کینالی آدا بزرگترین و مشهورترین آنها می باشند. حدود ۲۰ هزار نفر به صورت دائمی در این مجموعه جزیره مسکون می باشند.

در زمان امپراتوریهای بیزانس و امپراتوری ترکان عثمانی، شاهزاده هایی را که به هر دلیل با هم اختلاف پیدا می کردند، از سوی امپراتور به این جزایر تبعید می شده اند. نام مجموعه از اینجا سرچشمه می گیرد. لیکن این جزایر، امروزه یک مکان جذاب برای تفریح و گردش اهالی شهر و نیز جهانگردان به شمار می رود. بیوک آدا بزرگترین جزایر بوده و در این جزیره زیبا از اتومبیل خبری نیست. اهالی و گردشگران با پای پیاده یا با استفاده از دوچرخه و کالسکه و اسب به گردش در اطراف جزیره می پردازند. ممکن است قیمتها کمی گران به نظر آیند.

مساجد و کلیساهای تاریخی، پلاژها، رستورانها و پارکهای جنگلی در این جزایر وجود دارند. از اماکن تاریخی بیوک آدا می توان به کلیسای آیاورگی متعلق به قرن ششم میلادی واقع در قوجا تپه، مسجد حمیدیه و کلیسای آیوس نیکولاس می توان نام برد. جزیره هئیه لی آدا، دومین جزیره بزرگ مجموعه است. یک کلیسای ارتودوکس و نیز کلیسای کاماریوتیسسا که آخرین کلیسای دوره بیزانس می باشد در این جزیره واقع است.

بورگاز آدا سومین جزیره بزرگ مجموعه بوده و یک مسجد قدیمی با ارزش تاریخی زیاد در آن موجود می باشد.

جزیره چهارم کینالی آدا است که ساکنان آن اکثراً مسیحیان ارمنی هستند. همچنین پلاژهای معروف و دنجی در این جزایر وجود دارند که در تابستانها پذیرای صدها هزار نفر گردشگر می باشند.

پلاژها:

بیشتر مکان‌های عمومی برای شنا کردن در شهر در محلات ساحلی بستانجی (ساحل مرمره در طرف آسیایی)، کوچوک چکمجه، ساری یئر (ساحل مرمره در طرف اروپایی) و شيله و آغوا (ساحل دریای سیاه در طرف آسیایی) و کیلیوس (ساحل دریای سیاه در طرف اروپایی) می‌باشند. در بیرون شهر، در سیلیوری (در سر راه استانبول به ادرنه) نیز پلاژهای مناسبی وجود دارند. شيله یک منطقه و پناهگاه ساحلی ساخته شده و مشهور ترکیه در دریای سیاه، در ۵۰ کیلومتری استانبول است. کیلیوس یک پناهگاه ساحلی آرام است که در نزدیکی ورودی شمالی تنگه بسفر قرار دارد. کیلیوس بدلیل نزدیکی به استانبول و در عین حال موقعیت خاص آن که بدور از سر و صدا و ترافیک شهر و اطراف آن است، مورد رغبت اهالی استانبول قرار گرفته و در سال‌های گذشته در میان ساکنین استانبول به عنوان یکی از مناسبترین مکانهای شنا و گردش عمومی بوده است. کیلیوس دارای یک پارک ساحلی همراه با رستوران‌های متعدد (ماهی) نیز می‌باشد.

مراکز خرید و فروش

مرکز خرید استینیه پارک:

در میدان استینیه بر سر راه ساری یئر واقع شده است و شامل ۲۹۱ مغازه از مارکهای معتبر دنیاست. دارای اتوپارک با ظرفیت ۳۲۰۰ اتومبیل بوده و کل مساحت آن ۲۴۲ هزار مترمکعب می باشد. این آ.و.م مدرن دارای بازار، تورکیش فود، مرکز لایف استیل، مرکز تفریحی و ۱۲ سینما است. همچنین مکانهای ورزشی و محوطه بازی برای کودکان موجود می باشد.

در سال ۲۰۰۹ از طرف سی.آی.اس.سی جایزه بهترین مرکز خرید و فروش اروپا را گرفت. این مرکز با قیمتهای مناسب و مدهای روز دنیا که به جز معدود کشورهای اروپایی و آمریکا در جایی پیدا نمی شود، واقعا مناسب خرید می باشد.

مرکز خرید کانیون کمپلکس:

مجموعه ای به شکل کانیون میباشد که در لونت واقع شده است. مجموعه دارای یک برج سی طبقه و یک برج بیست و دو طبقه شامل ۱۷۹ آپارتمان و مراکز کار می باشد. بازارچه این مجموعه از ۱۶۰ مغازه با مارکهای مشهور، ۹ سالن تئاتر با ظرفیت ۱۶۰۰ نفر و پارکینگ با ظرفیت ۲۳۰۰ اتومبیل تشکیل گردیده است.

مرکز خرید جواهریر:

جواهریر، تا قبل از افتتاح «استانبول فروم» بزرگترین مرکز خرید و فروش در اروپا و ششم در جهان بود. این مرکز در نزدیکی تقاطع مجیدیه کوئی واقع شده است. در روز افتتاح نزدیک نیم میلیون نفر از آن بازدید کردند و ماهانه به طور میانگین حدود شش میلیون بازدیدکننده دارد. این مرکز که در مساحت ۴۲۰ هزار متر مربع ساخته شده و از شش طبقه تشکیل می شود.

مرکز جواهر دارای ۳۴۳ مغازه متعلق به مارکهای معتبر جهان ، ۳۷ رستوران فست فود و ۱۴ رستوران مجهز، ۱۰ سینما و سالن تئاتر، سینمای کودکان، سالنهای بولینگ، لوناپارک و ... می باشد. ساعت سقفی این مرکز خرید دومین ساعت بزرگ جهان میباشد. مرکز خرید جواهر از طرف حدود پنج هزار نفر پرسنل و فروشنده اداره شده و اتوپارک آن ظرفیت ۲۵۰۰ اتوموبیل را دارد.

مرکز خرید «آک مرکز» (مرکز سفید):

مرکز خرید آک مرکز قدیمیترین مرکز در نوع خود و به سبک مدرن می باشد. در سال ۱۹۹۳ افتتاح گردید، اما در سال ۲۰۰۳ کاملاً نو سازی شد. این مرکز خرید در لونت قرار دارد.

این مرکز توجه و حساسیت ویژه ای که بر روی استانداردهای تفریح و خرید و فروش انسانها اعمال نمود، در زمان کوتاهی دقت آی سی سی (مجمع جهانی مراکز خرید) را جلب کرده و به عنوان اولین مرکز در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ هر دو جایزه بهترین مرکز خرید و فروش اروپا و بهترین مرکز خرید و فروش دنیا را به خود اختصاص داد. بعد از بازسازی نیز جوایز بهترین مرکز خرید اروپا و دنیا را در سال ۲۰۰۵ گرفت. ماهانه بطور میانگین حدود یک و نیم میلیون بازدیدکننده دارد.

این مرکز چهار طبقه بوده و همچنین دارای دو ساختمان ۱۴ و ۱۷ طبقه ایفیس و ۲۴ طبقه مسکونی است. آک مرکز از ۲۴۶ مغازه تشکیل یافته و دارای آسانسورهای پانوراماتیک میباشد.

مرکز خرید مترو سیتی:

این مرکز که در لونت و در کنار ایستگاه مترو قرار گرفته، در سال ۲۰۰۳ در ۴ طبقه با سه برج ۳۱ و ۳۵ و ۳۵ طبقه احداث گردیده و دارای ۱۴۰ مغازه با مارکهای مشهور ترکیه و جهان است. پوشش آن فایبرگلاس فابریک میباشد که امکان استفاده انسانها از مرکز را در شب با روشنایی در حد روز فراهم می سازد.

مرکز خرید استانبول فروم:

مرکز خرید و فروش استانبول فروم در زمینی به مساحت ۱۸۰ هزار متر مربع و با هزینه ای بالغ بر ۸۰۰ میلیون یورو در غازی عثمان پاشا ساخته شده و میزبان نزدیک ۳۰۰ مارک معتبر داخلی و بین المللی میباشد. فروم استانبول از نظر بزرگی اولین در ترکیه و هفتم در جهان است.

بخش دیگر فروم استانبول شامل بزرگترین آکواریوم اروپا، فروم دنیای کودکان، آم.ف. بولینگ و آم.ف. سینما و پیست اسکیت روی یخ و چرخ فلک ۶۰ متری که امکان تماشای تنگه را در حال چرخش در فضا می دهد.

اولین موزه یخی دنیا در استانبول:

این موزه زیبا که در روزهای بهاری امکان لذت بردن از زمستان و دیدن تصاویر زیبا از جانداران، تجربه قطب شمال، نوشیدن قهوه و آب میوه در ظروف یخی و عبور از تونلهای زیبا و بررسی وقایع ورود وایکینگها به استانبول یا میکلاگارد -نامی که وایکینگها به استانبول داده بودند- را می دهد، در داخل بزرگترین مرکز خرید و فروش اروپا یعنی استانبول فروم و نیز در نزدیکی بزرگترین آکواریوم اروپا قرار گرفته است. در این موزه ۳۴ مجسمه جالب و کشتیهای وایکینگ به طول ۷ متر و یک خانه وایکینگ نیز طراحی شده است. این موزه مساحتی بالغ بر ۱۴۰۰ متر مربع داشته و برای دیدن آن لباسهای اسکیمویی رایگان در اختیار علاقمندان قرار داده می شود. ۷۰ تن از یخهای موزه

از رودخانه تورن سوئد آورده شده و ۱۰۰ تن نیز از خود استانبول جمع آوری شده است. ورود به موزه از طریق تونل‌های یخی زیبا صورت می‌گیرد. در بخش اول، ورود وایکینگ‌ها به استانبول در سال ۸۸۰ میلادی توضیح داده شده است. وایکینگ‌ها به استانبول بدلیل زیبایی آن، «میکلاگارد» یعنی سرزمین محفوظ نام نهاده بودند. حتی یک دست نوشته متعلق به یک سرباز وایکینگ به اسم هالودان در ایاصوفیه یافت شده است. بخش دوم و سوم مربوط به نمایی از اسکاندیناوی و قطب شمال و نیز آثار هنری یخی هستند. مجموعه آکواریوم بسیار بزرگی نیز در این مکان موجود می‌باشد.

مرکز خرید آستریا:

مرکز آستریا در شیشلی استانبول واقع شده است و از ۵ طبقه مرکز خرید و دو آتریلیوم ۵۰ متری تشکیل یافته است. مساحت مرکز ۳۸ هزار متر مربع می‌باشد و از ۱۱۰ مغازه تشکیل شده است. دارای کافه و رستورانهایی با لذیذترین غذاهای ترکیه و دنیا و ۱۰ سینما با ظرفیت ۱۰۰۰ نفر می‌باشد.

مرکز خرید و تفریح آپتیموم اوتلت:

مرکز آپتیموم اوتلت در سال ۲۰۱۰ در محله کوزیاتاگی افتتاح گردید. پس از دیدار و بررسی نمایندگان متخصص سازمان آی.سی.اس.سی، در نشست پراگ هیات داوری با رای اکثریت، آپتیموم را لایق دریافت بهترین مرکز خرید در رسته خرده فروشی و نیز جایزه ویژه دانست. از علل این انتخاب، جذابیت، خلاقیت، امکان رفت و آمد آسان در داخل مرکز، تنوع و کیفیت مارکهای موجود در آن، استاندارد بالا، طرح ساختمان، اتوپارک مناسب، حرفه ای بودن پرسنل، قیمتهای مناسب، خدمات مناسب، حضور شرکتهای و مارکهای معروف و همچنین توانایی در جلب مشتری زیاد، رضایت مشتریان و استانداردهای بالای تفریحی را می‌توان نام برد.

مرکز خرید ام۱ میدان:

این مرکز که عنوان اولین مرکز خرید ژئومتریک جهان را با خود یدک می کشد، در سال ۲۰۰۷ در عمرانیه استانبول افتتاح شد. دارای مغازه هایی متعلق به مارکهای معتبر و رستورانهای متعدد می باشد. رستورانی نیز با غذاهای مغولستان در این مرکز وجود دارد.

مرکز خرید سفیره:

برج سفیره با ۲۶۱ متر ارتفاع جزو چند برج اکولوژی جهان و دومین برج بلند رزیدانس-تجاری اروپاست. آخرین طبقه آن رستوران بوده و ۵ طبقه اول به مساحت ۳۵ هزار متر مربع اختصاص به مغازه دارد. همچنین این برج دارای مراکز ورزشی گلف، کافه ها و رستورانهای متعدد می باشد. رستوران طبقه آخر منظره زیبایی از استانبول و اولوداغ بوسا را می دهد.

مرکز خرید فروم مارمارای:

بزرگترین مرکز تفریحی و خرید استانبول و دومین فروشگاه بزرگ اروپا از نظر مساحت پس از استانبول فروم می باشد. این مرکز در محله زیتون بورنو واقع است و جدیدترین مرکز خرید استانبول می باشد.

کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول:

بنای کنونی کنسولگری ایران در استانبول تا سال ۱۳۰۸ شمسی به عنوان سفارت مورد استفاده بوده است که با انتقال آن به همراه پایتخت به آنکارا در جایگاه کنسولگری قرار گرفته است. در چهارمین دوره نمایندگی سیاسی ایران در ترکیه به سال ۱۲۷۵ هجری قمری حاج میرزا حسین خان مشیر الدوله معروف به سپهسالار اعظم، بانی مسجد و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری کنونی) بعنوان وزیر مختار تعیین و در سال ۱۲۸۵ هجری قمری در زمان نامبرده سفارت ایران در دربار عثمانی به درجه سفارت کبری ارتقا یافت و خود ایشان به عنوان اولین سفیر کبیر ایران در دربار عثمانی تعیین گردید و تا سال ۱۲۸۸ ه.ق که صدر اعظم شد، در این سمت باقی ماند. در زمان نامبرده تا چند سال برای محل سفارت اجاره بها پرداخته شد و هر ساله از محله ای به محله ای منتقل می شد و بدلیل بهانه جوئی عثمانیها سفیر ایران مجبور بود خانه ای را به نام اشخاص ثالث برای سفارت اجاره کند و تا قبل از بنای فعلی محل سفارت خانه ملک میرزا محمد خان مصلحت گذار(رایزن و کاردار) در اسلامبول بود. سرانجام در ۵ ربیع الاول ۱۲۸۲ ه.ق میرزا حسین خان سپهسالار عریضه ای به ناصرالدین شاه نوشته و موضوع گرفتاری و سرگردانی سفیر و اعضای سفارت را به اطلاع شاه رسانده و درخواست کرد زمینی مناسب بدین منظور خریداری شود. شاه در پاسخ فرمان خرید زمین و ساخت بنا را صادر کرد. بدین ترتیب در اول ربیع الاول ۱۲۸۳ ه.ق زمین کنونی را در ۲۸۳۰ زرع مربع در بهترین و مرغوبترین نقاط استانبول مشرف به منطقه تاریخی و بسیار مهم باب عالی که منطقه حکومتی بوده و ساختمان نخست وزیری و تمام وزارتخانه ها در آن قرار داشته به مبلغ ۷۳۵۸ تومان خریداری نمود. زمین مزبور متعلق به یکی از پاشاهای عثمانی بود و وقتی آنرا به دولت ایران فروخت دولت عثمانی وی را بدلیل فروش زمین مشرف به بابعالی به یک سفارت خارجی از خدمت اخراج و مدتی از استانبول تبعید نمود. در همان سال سلطان عبدالعزیزخان یکی از معماران ایتالیایی را برای ساخت قصر بیگلربیگی که در ساحل آسیایی بوزاغ واقع است به اسلامبول آورده بود، درست پس از اتمام قصر بیگلربیگی برنامه ساختمان کاخ سفارت ایران «ساختمان کنونی سرکنسولگری» به او

واگذار و بنای آن که ۱۲۰۰ زرع مربع است از قرار زرعی هفت لیره و ربع پول طلا به مقاطعه داده شده در سال ۱۳۱۸ ه.ق که مظفرالدین شاه به اسلامبول آمد قطعه زمینی بایر در اطراف سفارت به مساحت ۲۰۰۰ زرع وجود داشت که متعلق به اداره اوقاف بود، مظفرالدین شاه به طره خان پاشای ارناودو که میزبان بود گفت این زمین را برای ما بخرید، او هم به سلطان عبدالحمید خان میل شاه را اظهار کرد، سلطان زمین مزبور را به مبلغ ۵۰۰۰ لیره طلا از اوقاف خرید و به سفارت ایران هدیه داد، شاه نیز در عوض یک تسبیح مروارید بسیار اعلا از مرواریدهای نادری را به سلطان عبدالحمیدخان هدیه کرد. بنای فعلی از بناهای مهم و تاریخی محسوب می شود و در زمان ساخت به غیر از قصرهای سلطنتی، در شهر استانبول عمارتی نبود که از لحاظ معماری و موقعیت با کاخ سفارت ایران برابری کند. این بنا که روزگاری با عنوان فیروزه ایران شهرت داشته پس از انقلاب اسلامی بویژه در ده اخیر بازسازی و مرمت گردیده و بخش هایی نیز بدان افزوده شده است.

کنسولگری ایران تنها نمایندگی سیاسی خارجی است که در قسمت تاریخی شهر واقع شده است.

حوزه کنسولی:

تمام مناطق غرب، جنوب و جنوبغرب ترکیه و منطقه تراکیه یعنی: استان های استانبول، ازمیر، آنتالیا، مانيسا، آیدین، مرسین، آدانا، موغلا، اوشاک، ادرنه، کریک کاله، چاناک کاله، ساکاریا، کوجا ائلی، بيله جیک و بالی کسیر

ساعت مراجعات حضوری بخش کنسولی: ۸:۳۰ الی ۱۱:۳۰ پیش از ظهر

ساعات تماس تلفنی با بخش کنسولی ۱۴ تا ۱۶

روزهای کاری: روزهای دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه

آدرس سرکنسولگری: استانبول - خیابان آنکارا - محله چاغال اوغلو - پلاک ۱

(روبروی استانداری استانبول)

شماره تلفن های تماس: ۵۱۳۸۲۳۰-۳۳

کد شهر استانبول (قسمت اروپا): ۰۲۱۲

کد کشور ترکیه: ۰۰۹۰

گردش در استانبول و برنامه ای برای آن

هدف از تالیف این کتاب همانطور که پیشتر نیز اشاره کردم، احساس خلاء تاسف برانگیز در راهنمایی ایرانیانی که به این شهر سفر می کنند می باشد. بنده با تکیه بر تجربیات هفت ساله خود در راهنمایی توریستهای خارجی و با اکثریت قاطع انگلیسی زبانان در استانبول بسیار خرسند خواهم شد اگر حداقل آنهایی که به این کتاب دسترس پیدا نمودند از آن استفاده کافی را برده و گردشی سالم و مفرح در این عروس جهان اسلام داشته باشند.

گردش همانگونه که می دانیم یک هنر است. شاید همین ویژگی دیر کشف شده لزوم پیدایش صنعتی تحت این عنوان را موجب شده و با تجزیه آن به بخشهایی چون گردش باستانشناسی، طبیعت گردی، گردش در تاریخ تمدنها، گردش تفریحی، گردش تجاری و ... در سطوح دولتی به صورت علمی بدان پرداخته می شود. اینکه ما مقداری پول در جیب گذاشته و عزم راه نماییم و در جاهایی که حین این به اصطلاح سفر به چشمان می خورد دوری بزنیم، نه گردش که به نظر من، وقت کشی و اتلاف پولی است که چه بسا کسب آن برایمان آسان نبوده است می باشد.

در این نوشته که با تاکید بر گردش در تاریخ تمدن و فرهنگ به تحریر درآمده است، در صدد ایضاح جاذبه های گردشگری استانبول، -شهری برای تمامی فصول- همراه با برنامه ای انعطاف پذیر نموده ام. در این راستا برای کمک به جذب بهتر مطالب و اطلاعات در برخی موارد لازم اقدام به دادن توضیحات اضافی تقدیم نموده ام. ضمناً برنامه برای استفاده تمام گردشگرانی که به تنهایی یا همراه با دوستان و یا خانواده عازم سفر می شوند مناسب بوده و بر حسب اولویت برچسبها از روز اول تا روز نهم تنظیم گردیده و البته نسبت به سلیقه هرکس قابل تغییر میباشد. در اینجا لازم میدانم به خوانندگان این کتاب توصیه کنم که محل اقامت خود در طول سفر را در منطقه چمبرلی تاش و خیابانها و کوچه های نزدیک میدان سلطان احمد یا حداکثر سرکه جی انتخاب نمایند و برای گذراندن مسافرتی سالم و راحت، حداقلامکان از یثنی قاپی و مخصوصاً ضلع جنوبغربی آکسارای که متاسفانه به طور تصادفی یا هدایت شده به عنوان مراکز اصلی اقامت ایرانیان تبدیل شده اند، اجتناب کنند.

جهت انجام کارهای رزرواسیون می توانید از طریق اینترنت اقدام نموده و تشریفات لازم را بجا آورده، در صورت لزوم با تلفن یا مکاتبه اینترنتی کار خود را پیش ببرید. توجه داشته باشید که مساله تخفیف در امور مالی و مبادلات اقتصادی مربوط به فرهنگ شرق در ترکیه نیز معتبر میباشد.

برنامه تان را جوری تنظیم نمایید که حوالی غروب یا صبح زود در استانبول باشید. در صورتیکه با هواپیما مسافرت می کنید، فرصت تماشای منظره تنگه بسفر و متروپل استانبول را از بالا خواهید داشت. بعد از فرود آمدن در فرودگاه آتاترک می توانید بوسیله تاکسی یا اتوبوس به هتل مورد نظر خود بروید. متروی سبک نیز با عبور از مسیر شیرین ائولر، مرت آر، ترمینال، بایرام پاشا و توپ قاپی شما را تا آکسارای میرساند. البته می توانید در زیتین بورنو (مرت آر) نیز پیاده شده و سوار تراموای بشوید که در اینصورت امکان رفتن به باغجیلار از یک طرف و از طرف دیگر نیز داخل محله زیتین بورنو، آکسارای، بیازیت، سلطان احمد، سرکه جی و توپخانه تا کاباتاش در نزدیکی میدان تقسیم و بششیکتاش را خواهید داشت. چنانچه با اتوبوس به استانبول بروید، مخصوصاً بعد از عبور از شهرستان قوجا ائلی (ایزمیت) دید زدن اطراف از یادتان نرود. در صورتیکه با اتوبوسهای ترکیه مسافرت می نمایید می توانید در ترمینال حرم پیاده شوید. تقریباً تمامی اتوبوسهای با مبدا شهرستانهای واقع در آنادولو (قسمت آسیایی ترکیه) در سر راه خود قبل از ترمینال اصلی که در آسنلر در قسمت اروپایی واقع شده است در این ترمینال توقف می کنند. کسانی که در قسمت قدیمی شهر هتل رزرو نموده اند با پیاده شدن در این ترمینال و گذر به طرف مقابل با کشتی از طریق یکی از اسکله های اوسکودار یا کادی کوی از وقت صرفه جویی خواهند نمود. ضمناً بجای گذار به اروپا از روی پل تنگه در عرض چند دقیقه، می توانید لذت مسافرتی نیم ساعته با کشتی را تجربه نمایید. برای رفتن به یکی از اسکله های یاد شده می توانید از اتوبوسهای شرکت واحد که از حرم عبور میکنند استفاده نمایید. در حین عبور از تنگه با کشتی، قیز قوله سی (برج دختر) را که بسان جزیره ای در داخل آب قرار دارد خواهید دید.

در همان لحظات اولیه، این مناره های مساجد قدیمی واقع در بالای تپه مقابل و آنسوی تنگه هستند که به شما خوش آمد می گویند. این شهر با صدها مسجد تاریخی دارای عنوان «صاحب بیشترین و زیباترین مساجد و تکه های جهان اسلام»

می باشد. استانبول تمامی اینها را مدیون پادشاهان عثمانی است که بیش از ششصد سال بر این جغرافیا حکم راندند. چنانچه نام آنها را نمی دانید و موقعیت آنها برایتان نامفهوم است توصیه می کنم که از یک شهروند بومی جويا شوید. آنها حتماً با کمال میل و رغبت راهنمای شما خواهند بود. دیدن آیاصوفیه، سلطان احمد، کاخ توپ قابی، مسجد سلیمانیه، برج گالاتا، دولما باحچه، چراغان پالاس، پل تنگه و برج دختر در حین گذر از تنگه و در حالیکه محل آنها برایتان مشخص است ذهنیت و برداشتی کلی و به یاد ماندنی در ذهن شما بجا خواهد گذاشت.

می توانید محلی را که اهالی شهر در اثنای محاصره قسطنطنیه برای جلوگیری از ورود کشتیهای جنگی مسلمانان به خلیج و حمله به اسکله زنجیرکشی کرده بودند، نیز، مسیر دولما باحچه فعلی در ساحل تنگه تا ساحل قاسم پاشای فعلی در داخل خلیج را که ترکان اقدام به عبور دادن کشتیها از راه خشکی به خلیج (با پشت سر گذاشتن تپه های بلندی که امروزه محلات حربیه و قورتولوش بر روی آنها ساخته شده اند) برای غافلگیر کردن رومیان کرده بودند ببینید و آن را در ذهن مجسم نمایید!

چنانچه با قطار مسافرت می نمایید نیز می توانید همین طریقه ورود را تجربه نمایید. بعد از پیاده شدن از قطار در ایستگاه حیدر پاشا، به اسکله مقابل آن رفته و سوار واپور سرکه جی شوید.

کشتی شما در عرض نیم ساعت بعد از حرکت از هر کدام از اسکله های اوسکودار یا کادی کوئی وارد خلیج شده و در اسکله سرکه جی پهلو خواهد گرفت. چنانچه هتل محل اقامت شما در سرکه جی است می توانید پیاده بروید. در غیر اینصورت بهترین راه استفاده از تراموای می باشد. به محض رسیدن به هتلتان می توانید اتاقی با موقعیت مناسب گرفته، بعد از صرف غذایی سبک و گرفتن دوش به مدت چند ساعت به استراحت بپردازید. خستگی راه را باید از بدن بیرون کنید، در غیر اینصورت ممکن است هر روز خسته تر شوید و این موضوع کارایی شما در گردش و استفاده بهینه را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

در هر حال از اول صبح روز اول می توانید مطابق با برنامه ذیل عمل نموده و یا بخشهایی از آن را بر اساس زمان و وقت خود و نیز روزهای تعطیل موزه ها که در قسمت معرفی برجسبهای گردشگری مشخص گردیده است، تنظیم و اجرا نمایید:

۱- موزه/کاخ توپ قاپی، قاپالی چارشی، مسجد بیازیت، دانشگاه، مسجد سلیمانیه و آب گذر سراچخانه:

موزه/کاخ توپ قاپی ساعت ۹ صبح باز می شود. در صورتی که زودتر به آنجا رسیده اید، نشستن در پارک مقابل مسجد سلطان احمد و گذراندن دقایقی را در آنجا توصیه می کنم. بعد از صرف صبحانه ای مغذی و در عین حال سبک، این هواخوری، لذت بخش خواهد بود. قبل از ورود به موزه، به شرط زیاد نبودن -مقداری خوراکی ساده و راحت الحلقوم تهیه کنید. این در ساعاتی که در موزه درحال گشت می باشید بدردتان خواهد خورد. موزه/کاخ توپ قاپی به مدت صدها سال محل اقامت سلاطین عثمانی، مرکز معنوی جهان اسلام و محل رقم خوردن سرنوشت میلیونها انسان منسوب به اقوام، ادیان و ملیتهای مختلف بوده و آثار این احتشام و عظمت هنوز در هر نقطه آن و اشیائی که در معرض دید عموم گذاشته شده موجود است.

این موزه که از بخشهایی چون خزینه، امانات مقدس، حرم و کاخ تشکیل گردیده و علاوه بر کلکسیونها و وجوه معماری ساختمانهایش، مامن حدود ۳۰۰۰۰۰ سند تاریخی است، از مهمترین برجسبهای گردشگری شهر استانبول و یکی از بزرگترین موزه/کاخ های جهان می باشد. مخصوصاً تخت منسوب به نادرشاه، اشیایی منسوب به ارتش و نظامیان دوره صفوی، اشیای منسوب به بزرگان و سردمداران تاریخ سیاسی اسلام، اشیایی منسوب به شخص پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع) و خلفا و امامان -که از حجاز، بین النهرین و شامات در عهد حاکمیت عثمانی بدانجا انتقال یافته اند- برای ما ایرانیان مرجع نظر خواهند بود. برای این موزه/کاخ حداقل ۴ ساعت (بدون احتساب حرم) وقت در نظر بگیرید. بعد از ورود از در اصلی (باب همایون/سلطنت قاپیسی) مشرف به مسجد سلطان احمد، شما وارد حیاط بیرونی شده اید. بلیط خود را از بلیط فروشی واقع در صد متر جلوتر تهیه نموده و احتمالاً باید به صف بایستید. صفها هر چند هم طولانی باشند به نرمی پیش می روند و در این اثنا شما می توانید با منسوبین دیگر ملل موجود در صف صحبت کنید. ممکن است نظرات جالب توجهی بشنوید!

بالاخره با عبور از دروازه میانه (باب سلام/سلام قاپیسی) وارد حیاط دیوان یا میدان عدالت می شوید. بلافاصله در سمت راست شما ماکت کاخ، نقشه مربوط به گستره امپراتوری عثمانی و سالن اتومبیلها و درشکه های آن دوران قرار دارند. در این میدان/حیاط که در طول تاریخ شاهد مراسم و جشنهای مختلف بسیار بوده است، دیوان همایون (قُبّه آلتی) و خزانه بیرونی قرار گرفته است. در ساختمان مذکور اسلحه موجود در کلکسیون کاخ در معرض نمایش گذاشته شده است. پشت بنای دیوان، برج عدالت جای گرفته است که ممثّل عدالت سلاطین (به زعم خودشان!) بوده است. ورودی حرم و اصطبل نیز در همان سمت قرار دارند. در سمت مقابل به طرف دریای مرمره و پشت رواقها، مطبخهای قصر و بناهای خدماتی قرار دارند. در سمت شمالی میدان جایی که مراسم جلوس (نشستن پادشاه بر تخت)، عرّفه، عید و تشییع جنازه برپا و سانجاق شریف (پرچم سلطنتی) تسلیم سردار می گردیده است باب سعادت (سعادت قاپیسی) قرار دارد. از این دروازه وارد حیاط سوم یا اندرون می شوید. در اطراف این حیاط ساختمانهای مربوط به آموزش بزرگان درباری جهت انتساب حکام و اعزام به ماموریت و مدیریت امور در اقصی نقاط امپراتوری و ساختمانهای مربوط به شخص سلطان قرار دارند. اولین بنا اتاق عرض حال است که سلاطین در آن وزرا و سفرای دول مختلف را به حضور می پذیرفته اند. در میانه حیاط کتابخانه اندرونی قرار گرفته است. در غرفه سمت راست البسه پادشاهان و درباریان به معرض دید گذاشته شده اند. خزانه اندرون نیز در این قسمت قرار دارد که جواهرات و برخی غنایم گران قیمت جنگی در آن به نمایش گزارد شده اند. در قسمت امانات مقدس، اشیای مربوط به حضرت پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و خلفای اربعه وجود دارند.

بعد از استراحتی کوتاه در هتل محل اقامت با پای پیاده به قاپالی چارشی بروید. بازار سرپوشیده استانبول همانطور که قبلا به آن پرداخته شده است یکی از بزرگترین و زیباترین بازارهای سرپوشیده جهان می باشد. در این بازار هنوز نسلهای جدید تجار و صنعتگران تبریزی که در برهه های مختلف زمانی بدانجا کوچ کرده اند و نیز سرمایه گذاران جدید را می توان مشاهده نمود. در مقابل یکی از خروجیهای بازار به طرف میدان بایزید، بازار صحافان قرار دارد. با گذر از این بازار که اکنون رنگ و بوی قدیمی خود را تا حدود زیادی از دست داده و بیشتر به محل فروش کتابهای درسی و کمک

درسی دانشگاهی تبدیل شده است وارد میدان سنگ فرش بایزید می شوید که نام خود را از مسجدی به همین نام واقع در گوشه جنوبشرق آن گرفته است. اینجا اجز انبوه مکانهایی است که زیباترین مناظر را برای گرفتن عکسهایی به یادماندنی دارا می باشند. مخصوصاً در میان کبوترانی که در جای جای این میدان سنگ فرش شده نشسته و مشغول خوردن دانه هایی هستند که مردم برایشان می ریزند. این میدان در ابتدا عنوان بزرگترین میدان شهر را به خود اختصاص می داده و یادبودهایی از غلبه امپراتوران روم شرقی بر دشمنانشان در آن نصب گردیده بوده است. لیکن امروز از یادبود پیروزی و نیز معبد امپراتور، فقط چند بلوک و ستون مرمری باقی مانده است. در جای اولین کاخی که سلطان محمد دوم معروف به فاتح در این میدان ساخته بود امروزه دانشگاه استانبول قرار دارد. درب مدخل ورودی و نیز برج آتش نشانی که در داخل محوطه دانشگاه قرار دارد، از بناهای قرن نوزدهم می باشد. دانشگاه استانبول همانگونه که بر سر در آن نیز نوشته شده است (دایره امور عسکریه) قبلاً و در دوره سلطان محمود دوم بعنوان وزارت دفاع مورد استفاده قرار می گرفت. یک برج چوبی که در محوطه داخلی وزارت دفاع ساخته شده بود، بعنوان برج دیده بانی آتش نشانان، مدت های مدیدی مورد استفاده قرار گرفته است. سلطان محمود دوم برای ساختن برجی زیباتر، این برج را تخریب و طبق روایت، بنا به دستور وی در سال ۱۸۲۸ از سوی وزیر دفاع، حسین پاشا و با ویژگیهای معماری آن دوران یک برج سنگی بجای آن ساخته شد. این برج ۵۰ متری که از چهار گوشه شهر قابل رویت است بعنوان یکی از سمبل های استانبول در آمده است. از محوطه فوقانی آن که با پلکان های چوبی قابل دسترسی است، بخش اعظمی از شهر قابل مشاهده است. مسجد بیازیت در مقابل دانشگاه قرار دارد. این مسجد و مجموعه آن شامل مدرسه، مکتب خانه، عمارت، کاروانسرای و حمام، از سوی فرزند سلطان فاتح، بایزید دوم در بین سالهای ۱۵۰۶-۱۵۰۱ بنا شده است. بعد از بازدید از میدان و مسجد بیازیت از طریق بغل دیوارهای بلند ساختمانهای دانشگاه به سوی مسجد سلیمانیه پایین رفته و در مسیر خود از بازار معروف مسگرها دیدن نمایید. این بازار در ضلع شمالی و شرقی دیوار ساختمان مرکزی دانشگاه استانبول و بصورت دکانهای قدیمی در کنار هم می باشد. در اینجا انواع لوحهای دستی مسی، انواع دیگ، قابلمه، قفس، تاوه، کاسه، سینی، آفتابه، منقل،

شمعدان، گلابدان و ... مسی که همگی دست ساز می باشند بفروش می رسد. از انتهای دیوار دانشگاه به طرف پایین، جایی که دیوار به طرف چپ میپیچد شما نیز بپیچید. مسجد سلیمانیه یکصد متر جلوتر واقع است. مسجد سلیمانیه نیز مثل برخی از مساجد دیگر در واقع مجموعه ای از بناهاست که خود مسجد یکی و مهمترین آنهاست. مسجد سلیمانیه و مجموعه آن که یکی از شاهکارهای معمار سینان می باشد، یکی از زیباترین و بهترین نمونه های معماری اسلامی است. در قسمت برچسبها توضیحات لازم در مورد این مسجد بی نظیر در نوع خود داده شده است. بعد از خروج از اینجا راهتان را به سوی پل قدیمی آبگذر معروف به کمر ادامه دهید. کمر در سر راه خیابان به سوی خلیج و تقسیم واقع شده و عمود بر این خیابان قرار گرفته است. لیکن نه تنها پل آبگذر مزبور مشکلی برای تردد خودروها در خیابان ایجاد نکرده بلکه با گذرگاههای نسبتاً عریض تعبیه شده در راستای آن، زیبایی بیشتری بدان بخشیده است. کمر سراچانه فقط یکی از پلهایی است که برای انتقال آب آشامیدنی شهر از تپه های بلند شمال شهر در روزگاران قدیم تاسیس گردیده و در مسیر کمربورگاز در حدود چهل کیلومتری شمال شهر تا آب انبار یثره باتان در نزدیکی میدان سلطان احمد قرار دارند. هدف از ساخت این پلها، انتقال آب از دره های موجود در سر راه مسیر مزبور بدون نیاز به پمپاژ و یا اقداماتی از این قبیل بوده است. کمر سراچانه در ضمن آخرین پل این سلسله و نزدیکترین آنها به آب انبار و شماسه! اکنون پارک سراچانه نیز در مقابل شما قرار دارد و شهرداری کلانشهر استانبول در سمت جنوب شرقی پارک، آنسوی چهارراه به طرف آک سارای و دریای مرمره قرار گرفته است.

۲- تنگه بسفر، پل بُغاز، برج و باروهای شهر و موزه/پانورامای استانبول

۱۴۵۳:

پیاده به طرف اسکله سرکه جی پایین بروید. می توانید برای این منظور از خیابان آنکارا استفاده کنید تا محل کنسولگری ایران را نیز از نزدیک دیده و در صورت لزوم یافتن آن برایتان سهل گردد. کنسولگری فعلی ایران تنها نمایندگی سیاسی خارجی در قسمت قدیمی شهر استانبول می باشد. عثمانیها فقط به کشور ایران و بدلیل هم کیش بودن دو ملت اجازه تاسیس سفارت در بخش اصلی شهر را داده بودند. سفارتخانه های ممالک دیگر در بخش گالاتا و بی اوغلو فعلی واقع شده بودند. در اسکله سرکه جی سوار کشتی به مقصد کادی کؤی شده و به طرف آسیایی یا به تعبیر محلی «آنادولو یاخاسی» بروید. در این سفر کوتاه دریایی، شما یکبار دیگر قسمت قدیمی شهر را اینبار در پشت سر خود خواهید داشت. پادگان سلیمیه، برج دختر و اسکله استانبول (اسکله بار) در مقابل دیدگان شما قرار خواهند داشت. نیم ساعت بعد در اسکله آسیایی شهر پیاده می شوید. کادی کؤی یکی از محلات اعیان نشین شهر استانبول محسوب می شود و شما در کوچه پس کوچه های قسمت بازار آن به طرف فنیباچه ممکن است با مغازه های کوچکی که اشیاء سمساری، کتابهای دست دوم و چیزهایی بعنوان سلیقه ثروتمندان پیر یا جوان می فروشند مواجه شوید. در منطقه کادی کؤی، آثار باستانی قابل توجهی وجود ندارد. این قسمت جزو محله هایی است که در طی یکصد سال گذشته بسرعت توسعه یافته است. در منطقه مسکونی کالکدون عبادتگاههای بسیار وجود داشته که جلسات مهم دنیای مسیحیت در قرن پنجم میلادی در این اماکن برگزار می گردیده است. امروزه تعداد بسیار کمی از این خانه های باغی باقی مانده است. باشگاههای قایق سواری، پناهگاهها و جاده های وسیع در سرتاسر سواحل کادی کؤی موجود می باشند. منطقه فنیباچه، از گردشگاههای زیبای شهر به شمار رفته و خیابان بغداد (بغداد جاده سی)، از خیابانهای شیک و معروف استانبول است. ایستگاه قطار حیدر پاشا که بر طبق معماری پروس ساخته شده و ساختمان آن در ۱۹۰۸ میلادی به پایان رسیده در خروجی کادی کؤی به طرف اسکودار واقع شده است. این ایستگاه در زمان تاسیس، ایستگاه مبداء (ویا مقصد) راه آهن اسلامیول- بغداد بود. در کناره آن و در جنب

بیمارستان نظامی، گورستان و معابد سربازان فرانسوی و انگلیسی که در جنگ کریمه (استان خودمختار تاتارنشین واقع در اوکراین فعلی) جان خود را از دست داده اند قرار دارند. در بین ساختمانهای بندری ۲ ساختمان تجاری بزرگ قرار دارد. یکی دبیرستان قدیمی حیدر پاشا که برج ساعت در آن قرار دارد و امروز تبدیل به دانشگاه شده است و دیگری پادگان سلیمیه با ۴ قطعه بزرگ است که در قرن ۱۹ ساخته شده است. اتاق محل اقامت فلورانس نایتینگل، پرستار مشهوری که از سربازان زخمی جنگ کریمه پرستاری می کرد به همان شکل نگهداری می شود. معروفترین میدان کادی کؤی میدان معروف به بوغا است که نام خود را از مجسمه بوفالوی موجود در میانه میدان گرفته است. یک عکس یادگاری بیاندازید. این بوفالو علیرغم قیافه و فیگور خطرناکی که گرفته، بی آزار است!

با ادامه مسیر به طرف شمال به ایستگاه آغازین متروبولس (اتوبوسهای طولی که در خطوط ویژه خود کار حمل و نقل مسافران را بر عهده دارند) می رسید. بلیط تهیه کرده و سوار شوید. گرچه در هر صورت مشکل چندانی نخواهید داشت و امکان تغییر متروبولس در برخی ایستگاههای بین راه بدون پرداخت هزینه اضافی وجود دارد، لیکن اطمینان حاصل کنید که متروبولسی که سوار می شوید حتماً تا ایستگاه توپ قاپی می رود. در حالی که متروبولس در راهی که به آن اختصاص داده شده به سرعت و در عین حال نرم و راحت روان است مناظر اطراف حتماً ارزش دید زدن را خواهند داشت. بعد از چند ایستگاه، متروبولس شما از روی پل تنگه عبور می کند. ایده عبور آسان از تنگه استانبول (بسفیر)، سابقه چندین صد ساله دارد. در طول صدها سال ایده ها و پروژه های متعددی برای ساختن پلی جهت عبور آسانتر از این تنگه ارائه شده بود که همگی آنها در حد ایده و بر روی کاغذ باقی مانده بود که آخرین نمونه آن طرح مهندس نوری دمیر آغ با حمایت انجمن مهندسين ترکیه و متخصصان پل سازی امریکا در سال ۱۹۴۰ بود که دولت وقت ترکیه با آن پروژه مخالفت کرد.

در نیمه دوم قرن بیستم، شتاب گرفتن رشد و توسعه شهر و افزایش ترافیک مابین آسیا و اروپا، ساخت پل بر روی تنگه را ضروری ساخت. طبق بررسیهای انجام شده توسط کارشناسان وقت وزارت راه ترکیه، احداث پل بر روی تنگه استانبول در ۹ نقطه ممکن بود. وزارت راه نظر خود را در زمینه احداث پل به نخست وزیر وقت ترکیه،

مرحوم عدنان مندرس اعلام نمود و وی در ۲۵ می سال ۱۹۶۰ قراردادی با شرکت مشاور انگلیسی جهت انجام بررسیهای لازم در مورد این پروژه امضاء کرد. مناقصه عملیات اجرایی پل تنگه را کنسرسیومی از دو کشور آلمان و انگلیس برنده شدند. عملیات احداث پل در سال ۱۹۷۰ شروع و در ۲۹ اکتیم (اکتبر) سال ۱۹۷۳ مصادف با پنجاهمین سال تاسیس جمهوری ترکیه با هزینه ای بالغ بر ۲۸۳ ۷۷۴ ۲۱ دلار امریکا به اجرا درآمد. کل طول پل ۱۵۶۰ متر، در خارج از زمین ۱۰۷۱ متر و بین دو ستون ۸۳۷ متر بوده و عرض آن ۳۹ متر می باشد. در اولین سال بهره برداری از پل بغاز، روزانه به طور متوسط ۳۲ هزار وسیله نقلیه از پل تردد کرده بود که این تعداد در سال ۲۰۰۴ به ۱۸۰ هزار وسیله نقلیه بالغ گردید. از سال ۱۹۸۷ استفاده از پل تنگه برای عابرین پیاده ممنوع گردید. هم اکنون گذر با پای پیاده از این پل فقط سالی یکبار و هنگام برگزاری مسابقات دوی مارا تن اوراسیا میسر می باشد. این مسابقه بین قاره ای که حدود اواسط اکتبر هر سال برگزار می شود دارای بخش دو یا پیاده روی عمومی بطول هشت کیلومتر از قسمت آسیایی پل تا روبروی استادیوم «این اؤنو» بشیکتاش در بخش اروپایی است. در غیر این موقع، عبور فقط بوسیله وسایل نقلیه موتوری شخصی یا عمومی میسر می باشد. لازم به ذکر است که بعدها در سوم ژوئن ۱۹۸۸ پل دیگری در چند کیلومتری شمال پل تنگه و بر روی بزرگراه یم یولو تحت نام پل سلطان محمد فاتح افتتاح شد.

وقتی از روی پل می گذرید قسمت قدیمی شهر در سمت راست شما و کمی دورتر قابل مشاهده است. می توانید کاخ دولماباچه و مناره های بلند مسجد کوچک و زیبای اورتاکوی را که تقریباً زیر پای شما می مانند مشاهده نمایید. در سمت چپ شما امتداد تنگه با پیچ و خمهای متعدد تا دریای سیاه پیش می رود. ولی شما حداکثر پل دوم تنگه بنام پل سلطان محمد فاتح را خواهید دید. در عرض چند دقیقه مرکب شما در کنار سیل اتومبیلهای دیگر به نوک دیگر پل می رسد. تابلویی بزرگ به دو زبان ترکی و انگلیسی ورود شما را به قاره اروپا خوش آمد می گوید. این تابلو نمی داند که شما قبلاً از طریق کشتی به بخش اروپایی شهر قدم گذاشته اید! تابلوی مزبور لاقیدانه هر روز به دهها هزار انسانی که موقع رفتن به سر کار یا بازگشت به خانه از روی آن می گذرند همین خوش آمدگویی را تکرار می کند. گویی می خواهد تقسیم بندی

های از این قبیل را به سخره بگیرد! مثل اینکه ببینید گویا قاره آسیا تمام شد و قاره اروپا شروع شد!

این پل با وجود تعبیه عابرگذرهای کنار آن برای عبور پیاده ها بسته است و فقط سالی یکبار -و برای چند ساعت صبح- موقع برپایی مسابقات دوی مارتن در اواسط اکتبر به روی عموم باز می شود.

چنانچه بخواهید می توانید با پیاده شدن در ایستگاه وطن، مقبره دو تن از روسای جمهور فقید ترکیه واقع در این میدان را زیارت نمایید. لیکن هدف اصلی ما بازدید از برج و باروهای قدیمی شهر می باشد که از چند ایستگاه پیشتر شروع به دیدن آنها از داخل متروپوس کرده اید. بنابراین برای اجتناب از پیاده روی زیاد در ایستگاه توپ قاپی پیاده شوید و در حالی که با پای پیاده و از قسمتهای عابرگذر فضای سبز مقابل باروها به طرف دروازه توپ قاپی پیش می روید، سعی کنید دورانی را که این شهر رویایی و ثروتمند فقط شامل داخل باروها می گردید و مورد طمع همسایگان دور و نزدیک بود مجسم نمایید. می توانید ایام محاصره شهر توسط سپاهیان عثمانی را مجسم نمایید. خیمه گاه سلطان عثمانی، محمد دوم که بعد از فتح شهر مطلقاً زمان خود در جهان بنام فاتح معروف گردید، در حدود «Matbaacılar Sitesi» (شیت چاپخانه ها) امروزی قرار داشته و سران سپاه به غیر از مواقعی که بدلایلی پیش و پس رفته و سعی در تشییع و رسیدگی به امور سپاه داشتند از این محل به نظارت و کنترل نبرد می پرداخته اند. موزه/پانورامای استانبول ۱۴۵۳ در نزدیکی دروازه توپ قاپی واقع است. (به نقشه مراجعه شود) در اینجا عملیات فتح گویی یکبار دیگر برای دیدن شما تکرار می شود. شما شاهد انفجار توپهای شلیک شده از توپ ساخت مهندس مجار، اوربان و حمله سربازان برای عبور از قسمتهای فروریخته دیوارها در حالی فریادهای الله اکبر آنها بر فضا طنین افکنده و هجوم رعب انگیز یثنی چریها برای صعود از دیوارهای بلند با استفاده از ابزارهای مختلف خواهید بود و گویی در جریان فتح، همراه آنها خواهید بود. بازدید از این محل در ادراک بهتر اتفاقات و شرایط دوران فتح و نیز تاکتیکها و مراسم جنگی عثمانیان در آن روزگار (اوسط قرن پانزدهم) یاور شما خواهد بود.

۳- آب انبار یثره باتان، کلیسا/مسجد/موزه آیاصوفیه، مسجد سلطان احمد، مسجد فاتح:

هر سه برچسب گردشگری فوق الذکر در اطراف هیپودروم یا میدانی که اکنون معروف به سلطان احمد می باشد قرار دارند و شما می توانید به همان ترتیب فوق یا با تغییراتی در آن، از این مکانها دیدن نمایید. ساختمان و معابد مهم دوران روم که آثار بسیار کمی از آن باقیمانده، در اطراف میدان هیپودروم قرار داشته است. کاخ امپراتور که به کاخ بزرگ مشهور بوده از کنار این میدان آغاز و تا ساحل دریا ادامه می یافته است. از این کاخ امروزه تنها کف موزائیکی سالن بزرگ باقی مانده است. این محل اهمیت خود را در دوران بیزانس و عثمانی ها نیز حفظ نموده است. معابد و عبادتگاههای مهم استانبول از قبیل آیاصوفیه، مسجد سلطان احمد، موزه آثار اسلامی و ترک، آب انبارهای زیرزمینی یثره باتان و بین بیر دیرک در اطراف این میدان واقع شده اند. از هیپودروم دوران روم امروزه فقط ستون سنگی تئودوسیوس (دیکیلی تاش)، ستون کنستانتین (اؤرمه تاش) و ستون ماریچ (ییلانلی ستون) پابرجاست. یکی از خیل بناهای محتشم تاریخی استانبول، آب انبار یثره باتان است. مطمئن باشید که در فضایی نیمه تاریک، زیر روشنایی نورافکنهایی که نورشان چندین بار شکسته شده و از نا افتاده است و نیز موسیقی آرامش بخشی که گویی بر فضای اینجا حکم می راند، گردشی لذت بخش و به یادماندنی خواهید داشت.

موزه آیاصوفیه تقریبا در مقابل آب انبار قرار دارد. این موزه سرگذشتی منحصر به فرد دارد که آن را همزمان برای مسیحیان و مسلمانان ارزشمند می نماید. موزه آیاصوفیه ی فعلی در اواسط قرن ششم میلادی بعنوان کلیسا ساخته شده و بعدها مرکزیت شاخه ارتدوکس عالم مسیحیت را بر دوش کشید. از سال ۱۴۵۳ به عنوان مسجد، محل عبادت مسلمانان بود تا اینکه در سال ۱۹۵۳ به نام صلح بین پرپیروترین ادیان آسمانی یعنی اسلام و مسیحیت با رای مجلس ملی کبیر ترکیه تبدیل به موزه گردید. شاید بی ربط نباشد چنانچه به تهدید گهگاه برخی مقامات برای تبدیل دوباره این موزه به مسجد در مقابل گزافه گوئیهای غربیها اشاره کنیم. شما نیز حتما تحت تاثیر زیبایی آن قرار خواهید گرفت.

بعد از ظهر را می توانید به بازدید از مسجد فاتح اختصاص دهید. از چهارراه سراچخانه به طرف داخل محله فاتح در امتداد خیابان که پیش بروید حدود سیصد متر جلوتر در سمت راست خود دیوارهای سنگی بلند مسجد و مجموعه فاتح را خواهید دید. می توانید از یکی از ورودیهای مجموعه مسجد و متعلقات آن داخل شده و از آن بازدید نمایید. مقبره سلطان محمد دوم فاتح قسطنطنیه، کسی که این شهر را جزئی از جهان اسلام نمود در قسمتی از حیاط مسجد واقع است. ضمناً در طول خیابان فاتح فروشگاههای مخصوص فروش مانتو، روسری و کفش زنانه با کیفیت بالا و مشهور در تمام کشور ترکیه قرار دارند.

۴- موزه باستانشناسی، بازار مصر، یثنی جامی، پارک گلخانه، saray

بورنو:

ساختمانهای سه گانه موزه که در حقیقت از سه بخش آرکئولوژی، آثار تمدنهای شرق و هنر سرامیک اسلامی تشکیل می یابند، بین کاخ توپ قابی و پارک گلخانه واقع گردیده اند. جهت رفتن به این مجموعه موزه که با یک بلیط قابل بازدید می باشد، باید بعد از ورود به پارک گلخانه از کوچه سربالایی که نام طراح و سازنده موزه، عثمان حمدی بیگ را بر خود دارد حدود صد متر بالا بروید. کوچه مزبور بالافاصله بعد از ورودی پارک از سمت سلطان احمد قرار دارد. بخش باستانشناسی این مجموعه که بزرگترین آنها نیز می باشد از ساختمان بزرگ و سه طبقه ای تشکیل شده و با احتوای بیش از یک میلیون و دویست هزار شی عتیقه، قدیمیترین و غنیترین موزه ترکیه و سومین موزه غنی جهان به شمار می رود. نوشته برجسته «آثار عتیقه موزه سی» (موزه آثار عتیقه) با الفبای عربی متعلق به دوران عثمانی هنوز بر سر در اصلی ساختمان باقی است. برای دیدن این مجموعه حداقل چهار ساعت وقت بگذارید.

بازار مصر، یثنی جامی، بازار گلها (چیچک چارشیشی)، مقبره والده سلطان، ارزانسراهای واقع در زیر گذر، پل گالاتا و اسکله های کشتیهایی که به مقصد اوسکودار، کادی کوی، حیدرپاشا و تور تنگه از سرکه جی حرکت می کنند همگی در اطراف میدان معروف امین اوئو واقع شده اند. در این میدان در ایام رمضان چادر بزرگی برای افطار و ایتمام روزه داران توسط خیرین شهر و با سازماندهی شهرداری برپا می گردد. بهترین راه رفتن از هتل به این میدان استفاده از تراموا می باشد. لیکن چنانچه مبداء حرکتتان جای دیگری غیر از مسیر تراموا است، می توانید از اتوبوس و یا کشتی استفاده کنید. مسیر پانصد- ششصد متری مابین میدان تا پارک گلخانه و saray بورنو را می توانید با پای پیاده طی نمایید.

۵- کاخ/موزه دولماباحچه، بششیکتاش، اورتاکوی:

کاخ دولماباحچه همانگونه که از نام آن نیز پیداست بر روی قسمتی از ساحل تنگه که بعداً پر شده، نزدیک میدان بششیکتاش ساخته شده است. این کاخ با شکوه و عظمت خاص خود پذیرای بزرگان اهل سیاست و علم بسیاری بوده و اکنون به عنوان موزه در معرض بازدید علاقمندان تاریخ امپراتوریه‌ها، مخصوصاً موقع ضعف آنها که چه بسا با صرف هزینه های سنگین سعی در پوشاندن آن می نمایند می باشد. برای رفتن به این موزه می توانید از تراموای استفاده کرده و تا کاباتاش (آخرین ایستگاه تراموای در مسیر مذکور) بروید. بقیه راه را که کمتر از سیصد متر است می توانید با پای پیاده طی کنید یا از اتوبوس و یا تاکسی استفاده نمایید. می توانید در کنار سربازان تشریفات و نگهبانان کاخ که در ورودی کاخ دولماباحچه و برخی از اماکن دیگر در واقع برای بازدیدکنندگان کشیک احترام می دهند، ایستاده و عکس بگیرید. این نگهبانان تشریفات که در نگاه اول بیشتر شبیه مجسمه هستند، هیچگونه کمک دیگری به شما نخواهند کرد! البته هرگز به فکر آزار آنها مثل آنچه که در یکی از فیلمهای مستر بین اتفاق می افتد نیافتید! بعد از خروج از موزه، باز با پای پیاده به میدان بششیکتاش و از آنجا نیز تا مسجد کوچک ولی بسیار زیبای اورتاکوی رفته و از زیباییهای واقع در مسیر نیز دیدن کنید. مسجد اورتاکوی که ورودی محله ای به همین نام که اتفاقاً به عنوان محله ای یهودی نشین و مرفه معروف می باشد ساخته شده است. در محوطه باز مقابل رستورانها و مسجد، کنار ساحل تنگه و زیر پل تنگه می توانید استراحتی کرده و غذا میل فرمایید.

۶- موزه آثار ترکی- اسلامی، مینیاتورک:

این موزه نیز در کنار هیپودروم استانبول و ضلع غربی آن واقع شده است. بنابراین بدون استفاده از وسیله نقلیه می توانید به آنجا بروید. بعد از خروج از این موزه برای اینکه در پایان وقت کم نیاورید سوار تراموای شده، در امین اؤنو پیاده شده و با استفاده از اتوبوس به کاغیثانه بروید. بقیه راه را که چند صد متر است می توانید پیاده بروید یا از تاکسی استفاده نمایید. با دیدن مینیاتورک خواهید توانست بر خیلی از برچسبهای اصلی گردشگری استانبول و حتی سراسر کشور ترکیه مروری داشته باشید.

۷- برج گالاتا، کلیسای سنت آنتوان، موزه نظامی، تور بغاز، بی اوغلو،

میدان تقسیم:

با استفاده از تراموا تا ایستگاه امین اوئو بروید. البته می توانید با تراموا تا آنسوی پل گالاتا ادامه مسیر دهید، لیکن گذر از روی پل گالاتا - که در فاصله ۵-۶ متری زیر آن تا سطح آب، رستورانهای لوکس طراحی و ساخته شده اند و روی آن همیشه پر از ماهیگیران حرفه ای و نیز ماهیگیران تفننی است- با پای پیاده خالی از لطف نخواهد بود. به سمت مقابل خلیج رفته و برای اینکه مجبور به طی سراسیمه تند با پای پیاده نشوید می توانید از متروی قدیمی معروف به تونل (سومین متروی قدیمی جهان) تا ابتدای خیابان معروف استقلال (بی اوغلو) استفاده کنید. لیکن در اینصورت باید بازدید از برج گالاتا و احتمالاً صعود بدانجا را برای شب و موقع بازگشت از بی اوغلو بگذارید. کلیسای سنت آنتوان صبح (از حدود ساعت ۱۰) برخی از ایام هفته برای انجام مراسم دینی مسیحیان و همچنین بازدید عموم باز است. این کلیسای زیبا، کنار خیابان استقلال و نزدیک به مدرسه گالاتاسرای قرار دارد. با ادامه راه از طریق خیابان مذکور به میدان معروف تقسیم خواهید رسید. حربه و محلی که موزه نظامی (عسکری موزه) در آن واقع شده در فاصله سیصد متری میدان به طرف مجیدیه کوئی قرار دارد. برنامه بازدید خود از موزه را با توجه به اینکه باید حداقل یک ساعتی (معمولی) به آن اختصاص داده شود، تنظیم نمایید. برای رفتن به موزه مذکور بطور مستقیم از امین اوئو می توانید از اتوبوسهای با مبدا امین اوئو که از حربه می گذرند (مثلاً اتوبوس مسیر چاغلایان) استفاده کرده و در عرض حداکثر بیست دقیقه (توجه داشته باشید که مبدا را میدان امین اوئو در نظر گرفتیم) به آنجا برسید. در مسیر مذکور حداقل تا مقابل موزه معمولاً ترافیک قابل توجهی دیده نمی شود.

بسیار تنگه زیبایی است که دو دریای سیاه (در مورد نام این دریا یا در حقیقت ترجمه آن از ترکی به زبانهای دیگر قبلاً توضیحی داده شده است) و دریای مرمره را به هم پیوند داده، مبنای تقسیم قاره آسیا و اروپا در این قسمت قرار گرفته و دو قسمت شهر استانبول را از هم جدا می کند. همچنین دارای اهمیت فوق العاده استراتژیک در حمل و نقل دریایی جهان به شمار می رود. چند برجسب گردشگری و ابنیه تاریخی

از جمله کاخهای توپ قاپی، دولماباخچه، چراغان، ییلدیز و بیلربی، برج دختر، حصار و برج و باروهای آناتولی و روم ائلی، پادگان سلیمیه و ... نیز در سواحل آن و یا بر روی تپه های مشرف به آن وجود دارند که با استفاده از تور تنگه امکان دیدن تمامی آنها را خواهید یافت. برای گردش در بغاز، بسته به اینکه اولویت شما در این گردش، بازدید از چه قسمتهایی باشد چند آلترناتیو وجود دارد. می توانید از قایقهای لوکس کوچک خصوصی تا تاکسی دریایی یا کروزهای پر و شلوغ را انتخاب کنید. یکی از مناسبترین راههای گردش در تنگه استفاده از کشتیهای راحت و لوکس توربول می باشد که یک و ساعت و نیم به طول می انجامد و شما را در امین اوئو - همان جایی که سوارتان کرده است- پیاده می نماید. این کشتیها در تمام ساعات روز با فاصله های یک ساعته از هم حرکت می کنند و بلیط آن به راحتی در محل حرکت قابل تهیه است.

بعد از تور تنگه و برای عصر و دقایق بعد از غروب (بعد از ساعت ۱۲-۱۱ شب گردش در این حدود توصیه نمی شود) می توانید گردش در بی اوغلو را انتخاب نمایید. خیابان سنگفرش، قدیمی، شیک و طولانی بی اوغلو که به جز تراموای نوستالژیک قدیمی خود و در موارد نادر ماشینهای پلیس، آتش نشانی و آمبولانس، مختص عبور پیاده می باشد، حداقل به یکبار دیدن می ارزد. کلیسای سنت آنتوان، چند مسجد قدیمی، مدرسه قدیمی گالاتاسرای، کنسولگری برخی از کشورها و ... در این خیابان قرار دارند و میدان مشهور تقسیم در نقطه پایان این خیابان واقع گردیده است. موقع بازگشت می توانید بدون استفاده از متروی تونل و از طریق کوچه ای که پیشتر بدان اشاره شد، به برج گالاتا بروید و از آنجا نیز ادامه راه داده و به ابتدای پل گالاتا در سمت شمال آن و ایستگاه تراموای دسترسی پیدا کنید.

۸- جزایر:

برای رفتن به هر یک از جزایر پرنس یا تمامی آنها می توانید از اسکله سرکه جی یا کاباتاش اقدام نمایید. در صورتیکه گردش و بازدید از این جزایر را در فهرست خود دارید، شاید بهتر باشد یک روز تمام را به آنها اختصاص دهید. مثلاً صبح زود به جزیره بویوک آدا رفته و بعد از صرف یکی از انواع بۆرک با چای به عنوان صبحانه ای سبک در فضای باز یکی از رستورانهای ساحلی و مشرف به قسمت آسیایی شهر، دوچرخه ای (هایی) کرایه کرده و جزیره را دوری بزنید. اگر قیمتها زیاد تغییر نکرده باشد کرایه دوچرخه ساعتی حدود ده لیره است که به آن می آرزد. می توانید کالسکه سواری را هم در اینجا تجربه کنید. چنانچه قصد شنا داشته باشید، حتماً در نقاط تعیین شده این کار را بکنید. در کل، سواحل جزیره برای شنا مناسب نیست. جهت شنا می توانید بعد از صرف ناهار به بستانچی رفته و از پلاژ دارای امکانات رفاهی آن استفاده نمایید. در غیر اینصورت بعد از صرف ناهار به جزیره بعدی بروید.

۹- آزاد

شاید بهتر باشد یک روز کامل را نیز به گشت در یکی از مراکز خرید یا بازدید مجدد از تعدادی از اماکنی که در این کتاب به آنها پرداخته نشده و یا حتی برخی از جاهایی که قبلاً دیده اید و همچنین استراحت قبل از بازگشت و یا انجام کارهای باقیمانده اختصاص دهید.

چنانچه برنامه فوق با کمی دقت اجرا شود هزینه شما (دو نفره، بدون شمول خرید و با اتوبوس و اقامت در هتل سه ستاره) حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان الی (دو نفره، بدون شمول خرید و با هواپیما و اقامت در هتل سه ستاره) دو میلیون خواهد بود. به جرأت می توانم بگویم که بیش از سه چهارم ایرانیانی که به این شهر مسافرت می کنند همین مبالغ را هزینه می کنند، لیکن نمی توانند حتی از نصف موارد موجود در این برنامه بازدید به عمل آورند. چنانچه وقتتان کم است یا می خواهید از دیدن برخی از برجسبها به نفع وقت و یا اقتصاد صرف نظر نمایید، می توانید در عرض چهار روز مطابق زیر گشت و بازدید داشته باشید. بدلیل تفاوت در ایام تعطیلی موزه ها و نیز نامعلوم بودن ساعت ورود شما به شهر از تعیین روز اول و دوم و ... اجتناب کردم:

- موزه توپ قاپی، موزه آیاصوفیه، مسجد سلطان احمد، قاپالی چارشی یا بازار سرپوشیده، بیازیت، مسجد سلیمانیه، کمر سراجخانه، مسجد فاتح
- آب انبار یثیره باتان، موزه آرکئولوژی، تور بغاز، بی اوغلو، برج گالاتا
- کاخ دولماباچه، موزه نظامی، موزه پانوراما استانبول، برج و باروهای استانبول قدیم
- خرید و کارهای باقیمانده دیگر.

اگر بچه خردسال (مخصوصاً نوزاد) یا سالخورده همراهتان نباشد، خواهید توانست در این چهار روز فشرده گردش قابل قبولی داشته باشید. به عنوان نظر یک راهنما، توجه داشته باشید که کاخ/موزه توپ قاپی، بازار سرپوشیده، آب انبار یثیره باتان، موزه آیاصوفیه، موزه پانوراما، تور بغاز، موزه آرکئولوژی و مساجد سلطان احمد و سلیمانیه اصلترین نمادهای هویت این شهر می باشند و بدون بازدید از این موارد گردش شما در استانبول ناقص خواهد بود.

لطفاً فراموش نشود:

- ۱- از تماس و ارتباط با افراد ناشناس اعم از ایرانی یا خارجی که بنحوی از انحاء با شما ارتباط برقرار نموده و پیشنهاد ارائه خدمات اقامتی و تفریحی ارزان قیمت را می نمایند جداً اجتناب نمائید. بویژه در مناطق آکسارای، لاله لی و تقسیم که متأسفانه بصورت کانون تجمع و اقامت ایرانیان درآمدی یا درآورده شده است به این موضوع توجه بیشتری مبذول دارید. از پذیرفتن پول، اشیاء و وسایل اشخاص نا آشنا که با شگردهای مختلف درخواست انتقال آن به داخل ترکیه و یا بالعکس را دارند جداً پرهیز نمائید.
- ۲- از تبدیل پول در غیر از صرافی ها و بانکها اجتناب نموده و از قبول اسکناسهای درشت از دست فروش ها خودداری نمائید. در صورت مشاهده پول جعلی از استفاده و یا ارائه آن به دیگران پرهیز نمائید.
- ۳- از تردد در رستورانها، کلوب های شبانه مشکوک و بدنام بویژه در مناطق یادشده که عموماً محل حضور عناصر و باندهای بزهکار میباشند اجتناب نمائید.
- ۴- نام، مشخصات، آدرس و تلفن محل اقامت خود را بر روی یک کاغذ بنویسید و در جیب فرزندان خردسال خود قرار دهید تا در صورت گم شدن آنها پلیس بتواند با شما تماس حاصل نماید.
- ۵- «حدالامکان» از اقامت در هتل های ارزان قیمت واقع در محلات «قوم قاپی» (یثنی قاپی) و «جنوبغرب» چهارراه آکسارای اجتناب نمائید. در صورت همراه داشتن پول و وسایل با ارزش، در قبال اخذ رسید معتبر از مسئولین مربوطه هتل محل اقامت، آنها را به امانت بسپارید.
- ۶- برای رانندگی در ترکیه می باید گواهینامه ملی این کشور یا یک گواهینامه بین المللی در اختیار داشته باشید. دارندگان مجوز بین المللی برای رانندگی قادر خواهند بود بدون نیاز به گذراندن دوره های آموزش رانندگی یا شرکت در امتحانات راهنمایی و رانندگی در بیش

از ۱۶۰ کشور جهان رانندگی نمایند، مضاف بر اینکه این مجوز به عنوان یک سند معتبر بین المللی، می تواند تعیین و تأیید کننده هویت دارنده آن به شمار آید.

۷- چنانچه به هر دلیل توسط پلیس محل بازداشت شدید، بلافاصله از مامورین بخواهید به استناد ماده ۳۶ کنوانسیون وین ناظر بر امور کنسولی، مراتب را سریعاً به سفارت یا نزدیکترین سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران اطلاع دهند و چنانچه زبان محل را نمی دانید از امضاء هرگونه اوراق و اسناد خودداری فرمائید. البته می باید مطلع باشید شما در این کشور تحت حاکمیت قوانین و مقررات محل بوده و وظایف نمایندگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ارائه خدمات کنسولی به معنای نقض مقررات کشور متوقف فیه نمی باشد.

۸- چنانچه قصد مسافرت با تورهای مسافرتی را دارید توصیه می گردد از تورهای معتبر، باتجربه و خوشنام استفاده نموده و ضمن تنظیم قرارداد، (دست نوشته ای با امضاء طرفین، مهر آژانس و محتوی شرایط مورد تفاهم. به خاطر داشته باشید که این حق طبیعی شما به عنوان مشتری است و این به هیچوجه نباید به عنوان نشانه عدم اعتماد شما به آژانس تلقی شود.) قبل از مسافرت کلیه شرایط از قبیل رفت و آمد، محل و شرایط هتل و را مشخص نمایند.

۹- خرید کالا و استفاده از سرویس های عمومی با پول رایج این کشور انجام میگیرد، البته می توان دلار و یا دیگر ارزهای موجود همچون یورو و پوند را در بانک ها، صرافی ها یا هتل های ترکیه به پول محل تبدیل نمود. لیکن مناسبتر آن است که این تبدیل ارز در صرافیهای کشور مبدأ (ایران) انجام گیرد.

۱۰- در بدو ورود به این کشور چنانچه در شهری که سفارت یا سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در آن واقع گردیده است اقامت نمودید، سعی کنید در اولین زمان ممکن آدرس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران را که به همین منظور در اختیار شما قرار گرفته است،

پیدا نمائید تا در صورت وقوع حادثه و یا نیاز به مراجعه، دچار مشکل نشوید.

۱۱- همواره یک نسخه فتوکپی از گذرنامه، بلیط و سایر مدارک مسافرتی خود را تهیه نموده و در محل مناسبی قرار دهید تا در صورت گم شدن یا به سرقت رفتن اصل مدارک، امکان احراز هویت و پیگیری آن میسر گردد.

۱۲- بیاد داشته باشید که نوشیدن مشروبات الکلی در معابر و اتومبیل ممنوع است. برخی از هموطنان با توجه به راحت برخورد کردن ترکها ممکن است تصورات خودشان را بعنوان نظر کسی که مسافرت به خارج داشته یا در آنجا ساکن بوده بشما عرضه دارند و افکارشان را خواسته یا ناخواسته همراه نمایند. به این موضوع توجه کنید. ترکها به مسائل اخلاقی خیلی پایبند هستند. پوشش نامناسب چه در مورد آقایان و چه در مورد خانمها چیزی به حیثیت کسی نمیافزاید بلکه در مورد ایرانیان، برخورد احترام آمیز بسیاری از ترکها علاوه بر مشترکات تاریخی و فرهنگی و یا زبانی به شناخت آنان از ایران به عنوان کشوری مقید به اصول و ارزشهای انسانی و دینی است. از پرسه زدن کنجکاوانه و بیمورد و یا خودنمایی برخلاف آنچه در ایران معمول است خودداری نمایید.

۱۳- مخصوصاً از پوشش نامناسب و دور از شأن انسانی -که متأسفانه برخی با برداشت اشتباه از آزادی به سوی آن می روند- اجتناب کنید. البته در هر حال کسی به پوشش کسی کاری ندارد. لیکن مطمئن باشید که با اینکار به خود و کشورتان ضربه می زنید.

۱۴- در صورت نیاز از سوال کردن و مخصوصاً پرسیدن آدرس امتناع نکنید. در غیر اینصورت ممکن است وقت زیادی به هدر بدهید. ماموران پلیس همواره بهترین راهنمایان هستند.

۱۵- چنانچه با اتومبیل شخصی مسافرت می کنید سعی نکنید از تمامی خودروهای واقع در مسیر سبقت بگیرید! توجه داشته باشید که علاوه

بر امنیت جانی خود مسئول ذهنیت خارجیهها در مورد کشور ممثل
پلاک خودروتان نیز هستید.

۱۶- چنانچه در فضای سبز داخل و یا خارج شهری اتراق نمودید، کاری
نکنید که حتماً مشخص باشد که اینجا قبلاً و به شدت مسکون بوده
است!

۱۷- به هر ایرانی و نوشته فارسی اعتماد نکنید.

مواردی که در ساحل و موقع اقدام برای شنا باید به خاطر داشته باشید:

۱- پیش از ورود به آب دریا از مسئول غریق نجات مستقر در سواحل در
خصوص شرایط امنیتی اطراف ساحل و مناطق آبی اطلاعات لازم را
کسب نمائید و در ضمن فرزندان خود را از موارد مزبور و نیز راجع به
عدم ورود به مناطق ممنوعه شنا مطلع سازید.

۲- متوجه امواج خطرناک دریا باشید.

۳- چنانچه فرزند یا فرزندان تان از شما جدا شده باشد جهت دریافت
کمک، موضوع را با مأمور غریق نجات ساحل در میان بگذارید.

۴- به علائم نگهبانی اطراف منطقه ساحل دقت کنید.

۵- در ساحل و یا در حوضچه های امواج از لمس نمودن جانوران دریائی
خودداری کنید.

۶- از حمل اشیاء شیشه ای به ساحل خودداری کنید.

۷- چنانچه قصد دارید اشیاء با ارزش را در اتومبیل شخصی رها کنید،
پیشنهاد میشود قبل از رسیدن به مقصد، آنها را در صندوق عقب
اتومبیل خود جاسازی نمائید.

۸- جهت اسکی روی آب یا موج سواری، استفاده از آفتاب گیر و آب
آشامیدنی را فراموش نکنید.

چند نکته امنیتی راجع به فرزندانان:

- ۱- چنانچه برای تماشای جاذبه های توریستی محل از هتل محل استقرار خود خارج میشوید، بچه ها را با لباس روشن ببوشانید. ضمناً نام و مشخصات و محل اقامت فرزند یا فرزندان خردسال خود را برروی یک تکه کاغذ بنویسد و در جیبشان قرار دهید.
 - ۲- به فرزندانان آموزش دهید از باز کردن در اتاق محل استقرار، روی افراد ناشناس خودداری کنند.
 - ۳- اطمینان حاصل کنید که فرزندانان با مسیرهای خروج اضطراری هتل یا مکان استقرارتان آشنا می باشد. در بین اعضای خانواده در سفر برای هر فرزند خردسال یک فرد جوان را مسئول حفاظت وی در مواقع اضطراری تعیین کنید.
 - ۴- هرگز بچه ها را تنها در اتومبیل رها نکنید.
- در صورت نیاز با پلیس جهانگردی استانبول تماس حاصل نمایید.
- Istanbul Turizm Polisi به نشانی «استانبول- میدان سلطان احمد- جاده یئره باتان، شماره ۶- مدیریت امنیت، شعبه توریسم» و با شماره تلفنهای ۱۵۵ و نیز ۵۲۷۴۵۰۳ به صورت شبانه روز و در تمامی روزهای هفته پاسخگوی سوالات و احیاناً شکایات و یا استمداد جهانگردان است. میتوانید با استفاده از بجه های تلفن عمومی و یا تلفن شخصی با شماره های فوق تماس حاصل کنید.

منابع مورد استفاده:

- ۱- Yazarlar Toplusu; "Konstantinopolis'ten İstanbul'a"; Yapı Kredi Yayınları,
- ۲- BAŞGELEN; Nezh; "İstanbul"; Arkeoloji ve Sanat Yayınları,
- ۳- HUREL; Haldun; "Burası İstanbul"; Dhrama Yayınları,
- ۴- IŞIN; Ekrem; "İstanbulda Günlük Hayat"; Pera Müzesi Yayınları,
- ۵- İstanbul Belediyesi resmi web sitesi,

۶- سایت رسمی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول

تصاویر

عکسها:

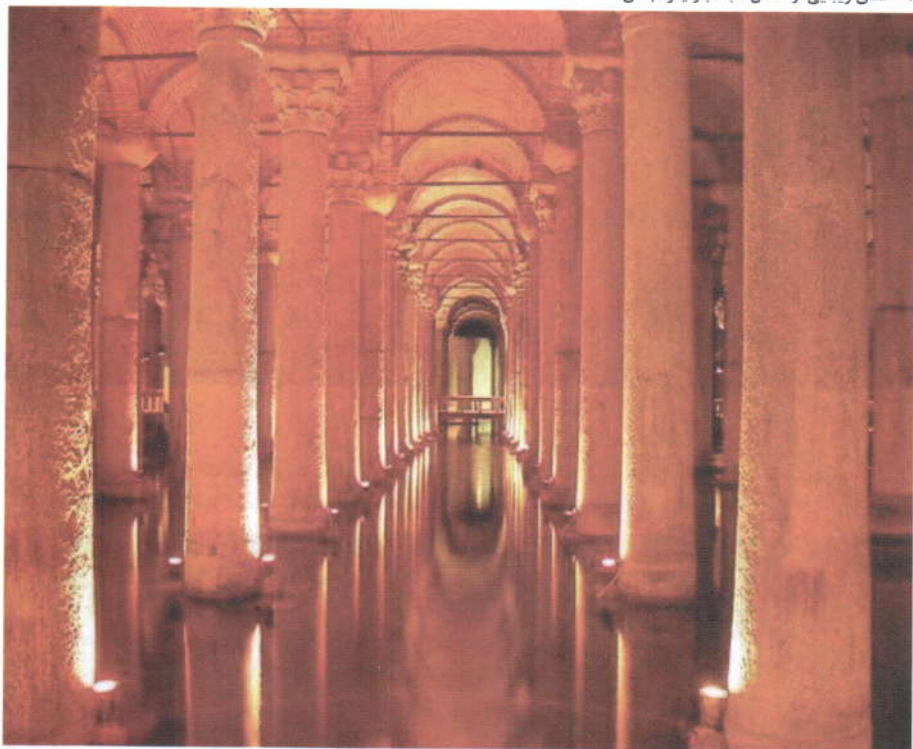
۱- نمایی از موزه آیاصوفیه در ابتدای شب، اولین و مهمترین کلیسای شهر که در همان روز فتح تبدیل به مسجد شد.



۲- نمایی از بازار سرپوشیده استانبول، ۳- ستون منقوش دیگلی تاش که در اعصار باستان از مصر آورده و در هیپودروم کاشته شده است. یکی از شش مناره مسجد سلطان احمد در عمق صحنه به صورت نمادین تصویر شده است:



۴- نمای زیبایی از داخل آب انبار یثرب باتان:



۵- برج و باروهای شهر در حدود مولانا قاپی و برج دختر، یکی از سمبل‌های شهر:



۶- دو تصویر از موزه پانوراما استانبول ۱۴۵۳ مربوط به نبردهای فتح (در موزه به صورت سه بعدی نمایش داده می شوند):



۷- مسجد «وُرتاکوی» در نزدیکی پای جنوبی پل اول بغاز در طرف اروپایی. (۸) نمایی از یکی از اتاقهای تشریفات کاخ توپ قایی:



۹- ایستگاه قطار حیدرپاشا، نقطه پایان راه آهنهای آسیا با مبدأ حجاز، بغداد و تهران، هند، آسیای مرکزی و ... (۱۰) ورودی یکی از ساختمانهای اصلی دولماباحچه:



۱۱- نمایی از پل اول بغاز در دل شب:



نقشه توریستی شهر استانبول:

[illegible]